

فهرست

مقدمه	۵
شرایط و وجوب حَجِّة الاسلام	۱۳
مسائل متفرقه استطاعت	۲۱
استثنائات استطاعت	۲۴
نیابت در حج	۳۹
مسائل متفرقه نیابت	۴۲
حَجِّ استحبالی	۵۴
اقسام عمره	۵۵
اقسام حج	۵۷
صورت حج افراد و عمره مفرده	۵۷
صورت حج تمتع اجمالاً	۵۹
مسائل متفرقه اقسام عمره و حج	۶۱
باب اول	۶۵
فصل اول: محل احرام عمره تمتع	۶۷
مسائل متفرقه میقات	۷۱
فصل دوم: واجبات احرام	۷۹
مسائل متفرقه احرام	۸۶
مستحبات احرام	۸۹

۹۱	مکروهات احرام
۹۳	فصل سوم: محرمات احرام
۱۱۴	مسائل متفرقه محرمات احرام
۱۲۳	مستحبات دخول حرم
۱۲۳	مستحبات دخول مکه معظمه
۱۲۴	آداب دخول مسجدالحرام
۱۲۷	● فصل چهارم: طواف
۱۲۷	واجبات طواف
۱۴۳	مسائل متفرقه طواف
۱۷۳	آداب و مستحبات طواف
۱۷۷	● فصل پنجم: نماز طواف
۱۸۰	مسائل متفرقه نماز طواف
۱۸۶	مستحبات نماز طواف
۱۸۹	● فصل ششم: سعی
۱۹۳	مسائل متفرقه سعی
۱۹۹	مستحبات سعی
۲۰۳	● فصل هفتم: تقصیر
۲۰۴	مسائل متفرقه تقصیر
۲۰۴	احکام بین عمره و حج تمتع
۲۰۹	● تبديل حج تمتع به افراد
۲۱۰	مسائل متفرقه تبديل
۲۱۳	● باب دوم: اعمال حج تمتع
۲۱۵	● فصل اول: احرام حج
۲۱۷	مسائل متفرقه احرام حج
۲۱۸	مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

فهرست	۳
● فصل دوم: وقوف به عرفات	۲۲۱
مسائل متفرقه وقوف به عرفات	۲۲۳
مستحبات وقوف به عرفات	۲۲۵
● فصل سوم: وقوف به مشعر الحرام	۲۳۱
مسائل متفرقه وقوف به مشعر الحرام	۲۳۵
مستحبات وقوف به مشعر الحرام	۲۳۷
● فصل چهارم: واجبات منی	۲۳۹
رمی جمره عقبه	۲۳۹
مستحبات رمی جمرات	۲۴۲
ذبح	۲۴۳
بدل ذبیحه	۲۴۷
مسائل متفرقه هدی	۲۵۰
استفتائات	۲۵۱
مستحبات هدی	۲۵۸
تفصیر	۲۵۸
مسائل متفرقه حلق یا تقصیر در حج	۲۶۱
مستحبات حلق	۲۶۷
● فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی	۲۶۹
مسائل متفرقه اعمال بعد از منی	۲۷۳
مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی	۲۷۸
● فصل ششم: بیتوته در منی	۲۷۹
مسائل متفرقه بیتوته به منی	۲۸۲
● فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه	۲۸۷
مسائل متفرقه رمی	۲۹۲
مستحبات منی	۲۹۹

۴ □ مناسک حج و عمره

مستحبات دیگر مکّه معظمه ۲۹۹

استحباب عمره مفرده ۳۰۱

طواف وداع ۳۰۱

مسائل متفرّقه ۳۰۳

استفتائات ۳۰۷

● محصور و مصدود ۳۱۷

مسائل متفرّقه محصور و مصدود ۳۲۱

● استفتائات جدید ۳۲۳

مقدمه

حقیقت حج عبارت است از قصد حرم جلال. حاجی قاصد حرم حضرت ربّ العزّة است تا خدا اذنش دهد و وارد حرم شود. پس حقیقت حج که چنین است، يك پیشرو می خواهد؛ عالم به طریق می خواهد. حالاکه می خواهد برود خودسر نباشد؛ و آن مؤمن وارسته است. علم به مبدأ، علم به اوصاف مبدأ، پرهیز از پرستش نفس، و راحله می خواهد؛ که آن صبر است. قاصد حرم حضرت ربّ العزّة امشب که بیداری شب کشید منتظر نباشد که امشب جبرئیل برش نازل شود و اسرار خدای اجلّ عالی را در خلق دریابد؛ این دروغ است، صبر می خواهد. کسی که می خواهد از حرم صاحب ملك و ملکوت استفاده کند باید کم حرف باشد، کثیر الصیام باشد. درغکویی و دورنگی را بگذارد زمین، طبع بچه گانه، طبع بشری خودش را کنار بکشد. يك حرف ناملایم به او می زنند چهار تا می گذارد رویش جواب می دهد. این طبع بشری است؛ باید يك مقدار بلکه تمام مقدار باید خروج داشته باشد از طبع بشری. دائماً مقصد خودش را از هوا حفظ کند، از طمع حفظ کند، از منصب حفظ کند. بنشیند پهلوی مؤمنین؛ نه که از مؤمنان فرار کند، با مؤمنان يك رنگ شود. ملاقات رجال الله و زیارت آثار الانبیاء و الاولیاء و الصالحین، قبور مطهر انبیاء را زیارت کند. زیارت اولیاء و ذریه و صالحین و ذریه آنها. نماز را اعتنا کند، مستحبات نماز را بر خود لازم بداند.

اعمال حج هر کدامش يك حقیقتی دارد: **احرام بستن**، یعنی من مجرد شدم از لباس توهم و خیال، از لباس خودبینی، و پوشیدم لباس احرام را، ذلت خودم را بر خودم شاهد می‌گیرم و لباسی می‌پوشم که باعث ذل من باشد. همان جور که مراد در قبر می‌گذارند يك لنگی يك تکه‌ای می‌اندازند دورم، همان لباس را برای احرام می‌پوشم. لباس نشئه قیامت هم همین طور است؛ همین دو تکه سفید. خرافاتی که در دماغ افراد است گذاشتم زمین، من و تو که اختلاف داریم اختلافمان عرضی است. تو شیعه، من هم شیعه، و عقد امور با پروردگار. خدایا توبه کردم، دیگر رو به کس دیگر نمی‌آورم. عهدی را که با خدا می‌بندد وفا داشته باشد. این آقا را در کفن می‌گذارند. این آقا بدانند، متوجه باشد الآن که احرام می‌بندد با موقعی که در کفن می‌گذارندش هیچ فرقی ندارد و قیامت کبری و الآن فرقی ندارد.

حاجی **قلبیّه** می‌گوید، اجابت ساحت قدس ربوبی که گفت بیاید طرف من، بیاید زیارت خانه من، جمع شوید. این آقا متوجه باشد جواب حضرت رب العزة را که می‌خواهد عرض کند، اجابت ندای خدای تعالی را جوری عرض کند که خودش را در موقع سكرات موت، موقع حشر، موقع خارج شدن از قبور، موقع اجتماع خلایق در عرصه قیامت ببیند.

ابتدا که **وارد حرم** می‌شود رحم خدا را قطعی بدانند، فضل خدا را قطعی بدانند، نعم پروردگار را قطعی بدانند، عفو خدا را قطعی بدانند، ولی خودش را که می‌داند، تفضل پروردگار عالم به او شده آیا من قدردانی کردم که نترسم؟ آیا من پذیرفتم نعم منعم خود را که حالا نترسم؟ پس بین خوف و رجا باید باشد.

ورود در مکه، وارد در ملکوت سموات، وارد در اتصال به عوالم عقلی است، مواظب باشد ورود در ملکوت سموات است، مواظب باشد متصل شده به اتصال شدید با عوالم عقلی، باید متوجه باشد و حاضر کند در مفکره‌اش، در قلبش، که رسیدم به حرم خدای تعالی، رسیدم به محضر

ساحت قدس ربوبی، کسی که به حرم پروردگار وارد شد مأْمون است از عقاب خدای تعالی، ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾.

طواف را که مشغول می شود، حاضر می کند خودش را برای فدا شدن در راه محبوب خود، طواف که می کند و دور می زند، اشاره به سیر به سوی خداوند است که نهایت ندارد. باید هفت مرتبه دور خانه خدا طواف کرد، اشاره به اینکه سموات سبع را داری طی می کنی، یعنی هر چند پایت روی سنگ خانه خدا است ولیکن روح در سموات سبع دارد حرکت می کند. خودش را شبیه ملائک مقربّی که اطراف عرش را احاطه دارند و طواف می کنند کرده. چون مردم نمی توانند ابتداءً بر سنده پای ملائک، امر کردند که در خانه پایین شما بگردید تا تدریجاً شبیه ملائک شوید.

موقعی که **حجر** را لمس می کند، موقعی که می خواهد به حجر سلام دهد، سه معنا دارد، تسلیم خودش را نسبت به حضرت احدیت عرضه می دارد، دارد بیعت می کند با خدای تعالی بر طاعت خداوند، موقعی که می رود نزدیک حجرا لاسود، تصمیم داشته باشد که هرگز اراده - استغفرالله العظیم - معصیت را ندارم، خدا آمدم عرض عبودیت می کنم، بیعت می کنم بر طاعت تو، مصمم بر اینکه تا آخرین وقتی که در این کالبد می جنم و هنوز ملك الموت قبض نکرده روح من را، وفادار باشم به حضرت مستطاب عالی و به احکام او، تصمیم بر عدم معصیت و اراده نکردن معصیت و طاعت خدا و مصمم بر اینکه تا آخرین وقتی که هنوز ملك الموت قبض روح نکردند، وفادار باشم به حضرت ربّ العزّة و به احکام او. کسی که وفای به عهد نکند، کسی که بیعت بکند و بشکند، نفس خودش را ذلیل کرده و نفس خودش را حیران کرده، نفس خودش را پست و رذل کرده. امّا آقایی که وفا به عهد می کنند، یعنی دروغ نمی گویند، مزاحم مسلمین نمی شوند، خدای اجلّ عالی اجری فوق عملشان عطا می کند.

آقا حضرت سجاد علیه السلام به این کلمه خیلی اعتنا داشتند: «عَبِيدُكَ بِفِنَاءِكَ مِسْكِينُكَ بِفِنَاءِكَ سَائِلُكَ بِفِنَاءِكَ فَقِيرُكَ بِفِنَاءِكَ» زیاد این کلمه از دهن مبارک بیرون می آمد، یعنی آمدم دور خانه ات سؤال می کنم، طلب می کنم بندگی و فقر خودم را عرضه می دارم یعنی خدایا خانه ات این است من دارم دور خانه ات پر می خورم، یعنی اطراف خانه ات دارم دور می زوم توجه کن به ما، آقایی خودت را در حق من زیاد کن، یقینم را نسبت به خودت زیاد کن، معرفتم را به خودت زیاد کن، اطمینان نفس را به خودت صد میلیون برابر افزوده کن.

و اما **سعی بین صفا و مروه** در کنار بیت الله مثالی است برای رفت و آمد بنده به دور خانه پادشاه. خدایا در خدمت کردنم راست می گویم و غش ندارم. خدایا می روم، می آیم تا آقایی و بزرگواریت در حق من و در حق عقل من، ایمان من زیاد شود، ایمانم بشود هزار برابر، یقینم بشود هزار برابر، مثل آدمی که داخل می شود بر ملک و خارج می شود. رفته، لیکن نمی داند قبولی برایش نوشته یا نه، می خواهد قبول یا رد کند، می گوید و توجه می کند که اگر من لایق نیستم تو خودت لایقی. دفعه اول می آیم باز اگر قبول نکنی می روم و می آیم تا قبولم کنی، قبولم کن خدایا. باید متذکر شود می رود می آید از صفا می رود.

اما **وقوف بعرفات**، خدا می داند عظیمترین اجتماعات برای حجّاج در عرفات است. عرفات مجمع جمیع افراد طالبین خداست، همه هم یک وقت، یک دین، یک کتاب، و یک پیغمبر. این جمعیتی که می بینی یادت بیاید به جمعیت قیامت کبری که اجتماع هر کس دنبال امام خودش است، اجتماع امم با انبیاء، اجتماع امم با ائمه، هر کس تابع پیغمبر و تابع امام خودش است.

سرا عظم از حج این است که خوبان دست به دعا بلند می کنند ما هم در ظلّ عنایات آنها هستیم، صلحا، مؤمنین، شب زنده داران و مستغفرین دست به

دعا بلند می‌کنند گمان مکن که خداوند رد می‌کند در عرفات دعای کسی را. از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: «موقف را چطور شد در عرفات و در مشعر الحرام قرار دادند ولیکن در حرم خدا قرار ندادند؟ آقا فرمودند: کعبه خانه خداوند اجلّ عالی است، حرم که چهار فرسخ در چهار فرسخ یا بیشتر این فناء بیت الله است، حجاب بیت الله است، ستر بیت الله است، هر کسی که قصد زیارت خانه را داشت در خانه نگهش می‌دارند صاحب خانه اذن بدهد که وارد شود.

باز متوقف می‌کنند آقایان را در حجاب دوم که مزدلفه است. در مزدلفه که همان **مشعر الحرام** است اگر زوّار و حاجی به درگاه پروردگار تضرّع داشت، طلب داشت، جدّیت داشت، می‌گویند قربانی را انجام بده. پس از آنیکه در مزدلفه که همان مشعر الحرام باشد، پس از آنیکه در مشعر الحرام به درگاه پروردگار تضرّع و سعی داشتند امرشان می‌کنند به قربانی کردن. وظیفه منی را انجام می‌دهند، آن وقت طاهر می‌شوند از ذنوب، آن وقت لایق می‌شوند برای زیارت خانه. که این ذنوب حجاب است برای آقایان پس از اینکه طاهر شدند، یعنی روز دهم که امر مؤکّد داریم که بروند خانه را زیارت کنند آن وقت لایق شدند، آن وقت حجاب آنها زیاد بوده.

گفتم: ما می‌چسبیم به پرده خانه برای طلب حوائج، این یعنی چه؟ می‌چسبید به خانه اظهار کوچکی و اظهار ذلّت می‌کند. امید دارد که خدای اجلّ جرمش را ببخشد.

هروّله که می‌کنند یعنی از عیوب نفس خود می‌خواهند فرار کنند. لذا لگه می‌روند یعنی خدا یا ما می‌خواهیم گناهانمان ریخته شود، لگه می‌رویم از وضع عادی خودمان از آن باد و بور می‌خواهیم نجات پیدا کنیم لگه می‌روند.

رمی جمرات سه گانه شیطان بزرگ، شیطان کوچک و شیطان وسط، نفسی که

نستجیر بالله همه‌اش چرند می‌گوید «امارة بالسوء» «نفس لوامه» هر ساعت يك طرف می‌رود، توبه کرده دروغ نگوید، توبه کرده پرنخورد، توبه کرده پرنگوید، هر ساعت يك بازی برای خودش می‌تراشد، برمی‌گردد، تلون دارد، يك حال نیست. این سه نفس خود اینها فحشاء هستند و خود اینها منکرند و خود اینها بغیند و خود اینها مرکز فتنند و خود اینها قبیحند، خود پرستی، خودبینی، خودخواهی، مرکز هر فاحشه‌ای است. امارة، لوامه، متلومه هر سه اینها هم با روح تناکر دارند، هم با عقل، هم با نفس تلخیص شده تناکر دارند، یعنی ول‌گویی، هر چه بخواهد بگوید، عقل می‌گوید هر چه می‌خواهی بگویی بسنج بین خوب است یا بد، روح می‌گوید: میزان، قرب تو است نه میزان اینکه باد کنی و خودیت داشته باشی، نفسی که تلخیص شده در مقام این است که پرواز کند از وضع ابتدایی و طفولیت بیاید بیرون، سنگ می‌زنند به امارة یعنی می‌کنند او را از جا، چرندها که در مفکره است، سنگ می‌زنند که اینها بیاید بیرون.

اگر شخص بخواهد انسش زیاد شود زیاد التفات داشته باشد که خدای اجل عالی بزرگتر از عقل من است، عظمت پروردگار عالم را ممکن است شخص در روحش بفهمد که اَلدَّ لَدَانْدُ است. اگر از روح خود شخص بزرگواری پروردگار عالم را فهمید، درک و لمس کرد، بسیار انسش زیاد می‌شود.

غرض از قربانی کردن، فصل حیوانیت است از انسان و کشتن نفس. بفروش حیوانیت و هوای نفس خود را.

گر بر سر کوی عشق ما کشته شوی شکرانه بده که خونبهای تو منم

مناسک حج

حج یکی از ارکان دین است و وجوب انجام آن بر هر مکلفی که شرایط را دارا باشد ضروری دین بوده و انکار آن موجب کفر است، و ترک حج با اقرار به وجوب آن یکی از گناهان کبیره به شمار می‌رود.

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^(۱)

ترجمه: «و بر عهده مردم است که برای خدا حج خانه‌اش را انجام دهند، البته برای کسانی که استطاعت رفتن داشته باشند. و هرکس کفر ورزد (از رفتن امتناع کند) پس خدا از همه بی‌نیاز است.»

شیخ کلینی رحمته الله علیه به طریق معتبر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرموده‌اند: «هرکس از دنیا برود و بدون اینکه حاجتی ضروری داشته یا بیمار باشد یا آنکه پادشاهی مانع او شود، حجة الاسلام را بجا نیاورد به دین یهود و نصارا از دنیا رفته است.»^(۲)

و در حدیثی معتبر، زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرموده‌اند: «پایه‌های اسلام بر پنج چیز قرار گرفته: نماز و زکات و حج و روزه و

۱- سوره آل عمران: آیه ۹۷. ۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۹، ح ۱.

ولایت»^(۱).

روایات بسیاری در اهمیت و جایگاه حج در دین اسلام وارد شده که در این مختصر مجال ذکر آنها نیست. و چون مستحبات حج، بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آن اکتفا کرده و بقیه را به کتب مفصّله وامی‌گذاریم که بجا آوردن آنها به امید ثواب اشکالی ندارد و نظر به اینکه این مناسک برای فارسی‌زبانان می‌باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتّع است، اکتفا به بیان احکام آنها شد.

اما در این مقام، مسائل و شرایط و وجوب حَجَّة الاسلام بیان می‌شود:

(۱) م - حَجَّة الاسلام که حج واجب بر شخص مستطیع است، بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نیست.

(۲) م - وجوب حج، بعد از تحقّق شرایط استطاعت فوری است؛ یعنی واجب است در سال اوّل استطاعت بجا آورد و تأخیر آن جایز نیست و از گناهان کبیره است، و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین در سالهای بعد.

(۳) م - اگر رسیدن به حج بعد از حاصل شدن شرایط استطاعت، متوقّف بر مقدّماتی مانند تهیه اسباب مسافرت و گذرنامه و انتخاب کاروان و بلیط هواپیما و... باشد، تحصیل آنها واجب می‌باشد به صورتی که در همان سال به حج برسد، و چنانچه شخص در تحصیل مقدّمات کوتاهی کند و به حج در آن سال نرسد، حج بر او مستقر می‌شود و باید آن را بعداً بجا آورد، اگر چه از شرایط استطاعت خارج شود.

شرایط وجوب حَجَّة الاسلام

با چند شرط، حج واجب می شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست.

اول و دوم - بلوغ و عقل، پس بر کودک و دیوانه حج واجب نیست.

(۴) م - اگر غیر بالغ حج بجا آورد صحیح است، هر چند از حَجَّة الاسلام کفایت نمی کند.

(۵) م - اگر کودک ممیز برای حج مُحرم شود و در وقت درك مشعر الحرام بالغ باشد، کفایت از حَجَّة الاسلام می کند و همچنین اگر مجنون قبل از درك مشعر عاقل شود و محرم به احرام حج افراد گردد و اضطراری عرفات را با اختیاری مشعر درك کند کفایت از حَجَّة الاسلام او می کند.

(۶) م - کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد معلوم شد بالغ بوده، حج او کفایت از حَجَّة الاسلام نمی کند مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه را نموده و آن را بر حج ندبی اشتبهاً تطبیق کرده باشد.

(۷) م - برای بچه ممیز مستحب است حج رفتن، و صحیح است حج او اگرچه ولیّ او اذن ندهد لکن بعد از بالغ شدن اگر استطاعت داشت، باید حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست.

(۸م) - مستحب است ولیّ طفل غیر ممیّز، مُحرم کند او را و لباس احرام به او بپوشاند، و نیت کند که «این طفل را مُحرم می‌کنم برای حج» یا «این طفل را معتمر می‌کنم به عمره تمتّع»، و اگر می‌شود، تلبیه را تلقین کند به او، و الاّ خودش به عوض او بگوید.

(۹م) - ولیّ طفل در این امر همان ولیّ شرعی او می‌باشد که عبارتند از پدر یا جدّ پدری و وصیّ آنها و حاکم شرع.

(۱۰م) - بعد از آنکه طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولیّ، او را از محرمات احرام باز دارد، و اگر ممیّز نیست خود ولیّ حفظ کند او را از محرمات.

(۱۱م) - اگر طفل در حال احرام صید کند کفّاره آن بر عهده ولیّ طفل است نه بر مال طفل. و اگر بقیه محرمات احرام را مرتکب شود کفاره‌ای ندارد.

(۱۲م) - گوسفند قربانی برای حج بر عهده ولیّ طفل است.

(۱۳م) - تمام اعمال حج و عمره را باید ولیّ، طفل را وادار کند که بجا آورد و اگر نمی‌تواند ولیّ او به نیابت طفل بجا آورد.

(۱۴م) - اگر طفل نابالغ قبل از این که در میقات محرم شود، بالغ شد حج او حَجَّة الاسلام است به شرط اینکه از همانجا که محرم می‌شود مستطیع باشد.

سوم - حرّیت

چهارم - استطاعت از جهت مال و صحّت بدن و توانایی و باز بودن راه و آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن.

(۱۵م) - استطاعت از جهت مال یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مرکب سواری است و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیه آنها نماید و شرط است که در صورتی که قصد بازگشت داشته باشد مخارج

برگشتن را نیز داشته باشد و امور دیگری در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان می شود.

(۱۶) م - شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن این که ضروریات زندگی و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد داشته باشد، مثل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن در حدی که مناسب با شأن او باشد و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد.

(۱۷) م - اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حَجَّة الاسلام کفایت نمی کند.

(۱۸) م - کسی که نیاز به ازدواج دارد و از ترک آن به مشقت زیاد یا مرض یا حرام گرفتار می شود و برای آن پول لازم دارد، در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج مصارف ازدواج را هم داشته باشد.

(۱۹) م - کسی که از دیگری طلب دارد، و بقیه شرایط استطاعت را نیز دارا است، اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می تواند بدون واقع شدن در حَرَج و مشقت، آن را بگیرد، واجب است مطالبه کند و بگیرد و به حج برود، مگر مدیون نتواند پردازد که در این صورت مطالبه لازم نیست و استطاعت حاصل نمی شود و همچنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد پردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می شود، ولی اگر مدیون نمی خواهد پردازد، مطالبه واجب نیست، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.

(۲۰) م - اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض کند و می تواند بعداً به سهولت قرض را ادا کند مستطیع می شود و حج او کفایت از حجة الاسلام می کند. ولی قرض گرفتن در این صورت بر او واجب نمی باشد. اما اگر مالی داشته باشد که فعلاً تمکن فروش آن را ندارد ولی پس از حج

می تواند آن را بفرود و قرض خود را ادا کند در این صورت قرض گرفتن واجب است و مستطیع محسوب می شود.

(۲۱)م - کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است که در وقت ادای بدهی، تمکن از ادای آن را دارد، واجب است به حج برود و همچنین است در صورتی که وقت ادای بدهی رسیده، لکن طلبکار راضی به تأخیر ادا باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می تواند بدهی را ادا نماید و همچنین اگر بنای طلبکار بر آسان گرفتن باشد مانند مهریه زوجه، و در غیر این موارد حج واجب نیست.

(۲۲)م - کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر آنها مخارج حج را داشته باشد.

(۲۳)م - کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحت بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی هم خارج کند ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر کرد حج بر او مستقر می شود و باید به هر نحو است به حج برود.

(۲۴)م - اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سالهای دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می کند می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید. اما اگر رفتن به حج متوقف بر نام نویسی و انتظار چندین سال می باشد، نام نویسی واجب است و نمی تواند با تصرف در مالش خود را از استطاعت خارج کند.

(۲۵)م - کسی که استطاعت حج دارد باید خرج های مقدماتی را از قبیل

خرج گذرنامه و ویزا و ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد، و این خرجها موجب سقوط حج نمی شود، ولی اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد، مستطیع نیست.

(۲۶) م - اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد باشد یا زیادتر از حد معمولی باشد و همین طور قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از حد متعارف باشد باید حج برود، و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آنکه به قدری زیاد باشد که موجب حرج و مشقت در زندگانی شود.

(۲۷) م - شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک دارد باید بفروشد و به حج برود اگرچه به واسطه مشتری نداشتن به کمتر از قیمت معمولی بفروشد مگر آنکه فروش به این نحو، موجب حرج و مشقت برای او شود.

(۲۸) م - کسانی که کتب زیاد دارند و محلّ احتیاج آنها نیست و اگر زائد را بفروشند به قدر مؤونه حج می شود و سایر شرایط را نیز دارا باشند واجب است به حج بروند.

(۲۹) م - اگر شک کند مالی که دارد به اندازه استطاعت هست یا نه، باید تحقیق کند، و فرقی نیست در وجوب تحقیق، میان آن که مقدار مال خود یا مقدار مخارج حج را نداند.

(۳۰) م - اگر نذر کند که در روز عرفه کربلای معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند اگر در موقع نذر کردن مستطیع بوده نذرش صحیح نمی باشد و باید به حج برود و اگر نرود حج بر او مستقر می شود. اما اگر در موقع نذر کردن مستطیع نبوده نذرش صحیح است و در صورت حاصل شدن استطاعت باید به حج برود و اگر نرفت حج بر او مستقر می شود و در صورت نرفتن به حج باید به نذرش عمل کند و اگر به نذرش هم عمل نکرد کفّارة نذر را باید بدهد.

(۳۱) م - اگر رفتن حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می شود باید

ملاحظه اهمیت حج یا حرام و واجب را کرد، اگر حج اهمّیتش بیشتر است باید برود، و الاّ نباید برود، لکن اگر رفت و حرامی بجا آورد یا واجبی را ترک کرد معصیت کار است ولی حج او صحیح است.

(۳۲)م - اگر با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست، قصد حج استجابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده کفایت از حَجّة الاسلام می کند.

(۳۳)م - اگر شخص، زاد و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج بجا آور و نفقه تو و عائله ات بر عهده من، با اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل، حج واجب می شود و این حج را بذلی می گویند و در آن رجوع به کفایت که از شرایط وجوب است، شرط نیست، بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی یا موجب ذلّت او شود حج بر او واجب نمی گردد.

(۳۴)م - اگر مالی که برای حج کفایت می کند را به او ببخشند برای این که حج بجا آورد باید قبول کند و حج بجا آورد و همچنین اگر واهب بگوید مخیری بین این که حج بجا آوری یا نه. ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست و حج واجب نمی شود.

(۳۵)م - باذل می تواند از بذلش برگردد ولی اگر در بین راه باشد باید نفقه برگشتن او را بدهد و در جواز رجوع باذل فرقی بین قبل از احرام و بعد از احرام نمی باشد و در صورت رجوع باذل وجوب اتمام حج محلّ تأمل است. اما در زمان فعلی که معمولاً حج تحت نظر دولت و کاروانها انجام می شود و در ابتدای امر هزینه های حج را از شخص دریافت می کنند رجوع باذل جایز نمی باشد زیرا مبذول له با تصرف در مال بذل شده مالک آن شده است.

(۳۶)م - پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است ولی کفّارات بر عهده او نیست و اگر پول قربانی را بذل نکند حج او واجب نمی شود مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.

(۳۷) م - کسی که در راه حج برای خدمت اجبر شود به اجرتی که با آن مستطیع می شود، حج بر او واجب می شود، هر چند اجاره بر او واجب نبوده است ولی بعد از آن مستطیع می شود و باید حج بجا آورد.

(۳۸) م - کسی که برای نیابت از دیگری اجبر شد و با اجرت آن مستطیع گشت در صورتی که استیجار برای سال اوّل باشد، باید حجّ نیابی را مقدّم بدارد و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج بجا آورد. اما اگر حج نیابی مقید به سال اول نباشد حجّ خودش را مقدّم بدارد در صورتی که اطمینان به انجام حج نیابی در سال آینده داشته باشد.

(۳۹) م - شرط است در استطاعت که مخارج عائله اش را تا برگشت از حج داشته باشد هر چند عائله واجب النفقه او نباشند.

(۴۰) م - شرط است در استطاعت رجوع به کفایت؛ یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک مثل باغ و دکان داشته باشد، به طوری که برای زندگانی به شدّت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشته باشد کافی است و حتی اگر بعد از مراجعت با جوهری که قبل از رفتن به حج زندگی او اداره می شده است زندگیش تأمین شود کفایت می کند. بنابراین طلاب و اهل علم و ساداتی که در بازگشت از حج با جوهر شرعیّه و شهریه حوزه علمیه زندگی آنها اداره می شود، دارای شرط رجوع به کفایت می باشند.

(۴۱) م - شرط است در وجوب حج استطاعت بدنی و استطاعت از جهت باز بودن راه و استطاعت زمانی، پس بر مریضی که قدرت رفتن به حج را ندارد یا برای او حرج و مشقّت زیاد دارد واجب نیست و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است به طوری که نمی تواند به حج برسد نیز واجب نیست.

(۴۲) م- اگر با وجود شرایط استطاعت حج را ترک کرد، حج بر او مستقر می‌شود و باید بعداً به هر نحو می‌تواند به حج برود، ولی در حالت حرج و مشقت رفتن به حج بر او واجب نمی‌باشد.

(۴۳) م- مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی‌کند مگر در مورد مریض یا پیر به شرحی که بعداً بیان می‌شود.

(۴۴) م- کسی که خودش مستطیع است نمی‌تواند از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبابی بجا آورد و اگر حج نیابی را از روی عصیان نیت کرد حجّش صحیح است و کفایت از منوب عنه نیز می‌کند. و اگر با علم به وجوب حج، نیت حج استحبابی کند حجّش صحیح نمی‌باشد.

(۴۵) م- کسی که حج بر او مستقر شد و بجا نیاورد تا فوت شد باید از ترکه او برای او حج بجا آورند و حج میقاتی کفایت می‌کند و تا حج نیابی برای او نگیرند، ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرّف نمایند و لازم است در همان سال فوت، حج را ادا نمایند و تأخیر از آن جایز نیست و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می‌شود و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادتر از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامنند، بلی اگر میت ترکه نداشته باشد یا مقدار آن به اندازه حج نمی‌رسد، بر وارث حج او واجب نمی‌شود.

مسائل متفرقه استطاعت

(۴۶) م- اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود در صورتی که مرض او به نحوی است

که قدرت بر رفتن به حج ندارد، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند، نداشته باشد مستطیع نمی شود هر چند ارثی که برده برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد.

(۴۷) م - زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حقّ مطالبه ندارد و مستطیع نیست، و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده ای ندارد، با فرض این که شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می دهد لازم است زن، مهریه را مطالبه کند و به حج برود. و چنانچه برای او مفسده دارد، مثل اینکه ممکن است مطالبه به نزاع و طلاق منجر شود، مستطیع نشده است.

(۴۸) م - با وجوه شرعی مثل سهم امام و سهم سادات، چنانچه بعنوان شهریه یا خدمات دینی از طرف حاکم شرع به او داده شده مستطیع می شود و حج او کفایت از حَجَّة الاسلام می کند.

(۴۹) م - اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزان تر بخرد، با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زائد بر شئون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد و با این فرض مستطیع نیست و اگر زائد بر شئون او باشد و در فروش آن و تبدیله به مشقت نمی افتد، با داشتن سائر شرایط مستطیع محسوب می شود و باید به حج رود و حکم همچنین است اگر وسیله نقلیه گران قیمتی یا مانند آن را داشته باشد.

(۵۰) م - کسی که از راه کسب یا غیر کسب، مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج مقداری از مؤونه زندگی خود را از درآمد کسب مثل منبر و بقیه را از شهریه ای که از وجوه شرعی است تأمین می کند،

مستطیع محسوب می شود.

(۵۱)م - اگر کسی زمین یا چیزی دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی شود، هر چند پولی که به دست آورده برای مخارج حج کافی باشد. اما اگر فعلاً قصد خرید خانه ندارد یا تهیه نکردن خانه موجب مشقت در زندگی او نمی شود باید به حج رود و مستطیع محسوب می شود.

(۵۲)م - اگر شخص از سالهای قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما به جهت کسالت برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نباشد نمی تواند نایب بگیرد و باید در وقت تمکن به حج برود و اگر متمکن نشد تا فوت شد، باید از ترکه او برای او حج نیابتی بگیرند و در همین صورت اگر در حال حیات امید به تمکن از حج ندارد می تواند در حال حیاتش نایب بگیرد.

(۵۳)م - هرگاه زنی با کسب می تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می افتد اگر به زحمت افتادن شوهر موجب حرج برای زن نباشد مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمی شود و رضایت شوهر و اجازه او در انجام حجة الاسلام شرط نمی باشد.

(۵۴)م - کسی که در محل خودش مستطیع نیست واجب نیست به حج برود هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر داشت، مستطیع می شود و کفایت از حجة الاسلام می کند، زیرا استطاعت حج برای او از مکان فعلی او حساب می شود نه از شهرش.

(۵۵)م - کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج

داشته و در قرضه کشتی شرکت نموده و از جهت این که قرضه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود و در سالهای بعد در قرضه کشتی شرکت کرد، حج بر او مستقر شده است هر چند قرضه به نام او اصابت نکند.

(۵۶) م- کسی که برای حج نیابتی، اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد باید حج نیابتی را بجا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

(۵۷) م- در حصول استطاعت فرقی نیست بین این که در اشهر حج؛ یعنی شوال و ذیقعده و ذیحجه مال پیدا کند یا قبل از آن، بنابراین اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرایط موجود باشد نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوائل سال و قبل از ماه های حج.

(۵۸) م- خدمه کاروانها که وارد میقات می شوند و تمکن از بجا آوردن حج را دارند و خدمت آنها مانع از بجا آوردن حجشان نمی شود مستطیع هستند و باید حَجَّة الاسلام بجا آورند و کفایت از حج واجب آنان می کند، و چنانچه سایر شرایط را ندارند به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابی است و چنانچه بعداً استطاعت پیدا کردند باید حج واجب را بجا آورند، و حکم روحانی کاروان نیز همین است لکن اگر بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریه حوزه دارند مستطیع نمی شوند.

(۵۹) م- روحانیون و پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده اند و مأموریت آنها مانع از بجا آوردن حجشان نمی شود مستطیع شمرده می شوند و واجب است حَجَّة الاسلام بجا آورند هر چند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند.

استفتائات استطاعت

(۶۰)س - کسی در مدینه مریض شده (سکته کرده) و فعلاً در بیمارستان است و دکترها گفته‌اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدّت استراحت در صورتی که حمل او برای انجام دادن اعمال مشکل باشد اگر او را به مکه ببرند وظیفه این شخص چیست؟

ج - اگر سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال، حتّی به نحو اضطراری را ندارد، از استطاعت افتاده و حج بر او واجب نیست ولی برای دخول مکه باید مُحرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده ولو اضطراری آن، از احرام خارج می‌شود، و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج بر او مستقر شده اگر مأیوس از خوب شدن باشد باید نایب بگیرد که برایش عمره و حج تمتّع انجام دهد و خودش برای دخول مکه مُحرم شود و عمره مفرده به طوری که ذکر شد بجا آورد، و چنانچه برای این شخص انجام اعمال حج تمتّع ممکن باشد ولو به نحو اضطرار و انجام اضطراری اعمال، لازم است مُحرم شود و هر مقدار از اعمال را که می‌تواند ولو با کمک گرفتن از دیگری انجام دهد، و هر مقدار را که نمی‌تواند، نایب بگیرد ولی در وقوفین، گرفتن نایب کافی نیست.

(۶۱)س - کسی که احتمال می‌دهد حجّی که در سالهای قبل انجام داده صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حج را به چه نیتی بجا آورد؟

ج - می‌تواند قصد ما فی الذمه یعنی قصد امثال مطلق امر متوجّه به او را کند و می‌تواند قصد حَجّة الاسلام احتیاطاً نماید.

(۶۲)س - شخصی که حج واجب خود را انجام داده است، آیا می‌تواند آن را به قصد ما فی الذمه عاده کند؟

ج - مانع ندارد ولی عاده حج کفایت از اجزاء - در صورت صحّت حج

سابق و بطلان اجزاء - نمی‌کند و باید خود آن جزء تدارک شود.

(۶۳)س - کسی که با وجود تقلید صحیح قبلاً به حج مشرف شد و چون رجوع به کفایت را مجتهد او، شرط استطاعت نمی‌دانسته حَجَّة الاسلام قصد نموده و بجا آورده است با این که رجوع به کفایت نداشته است، فعلاً همه شرایط استطاعت برای او موجود است آیا باید حج سابق را عاده کند یا خیر؟

ج - عاده لازم نیست.

(۶۴)س - شخصی بعد از انجام عمره تمتع مریض شد و از انجام حج منصرف شد و به ایران رفت و در مکه کسی را وکیل کرده که برای فراغ ذمه او اقدام نماید، وظیفه در این مورد چیست و آیا محرمات احرام بر چنین شخصی چه وضعی دارد؟

ج - در فرض مسأله، وکیل گرفتن بی فایده است و چنانچه سال اول استطاعت او بوده است و در اثر مرض، از قدرت انجام حج افتاده باشد در این صورت وجوب حج بر او موقوف است به بقاء استطاعت تا سالهای بعد ولی در صورتی که سال اول استطاعت نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده است چنانچه مایوس از خوب شدن باشد باید در همان سال یا سال بعد برای حج و عمره تمتع نایب بگیرد، و در صورتی که مایوس از خوب شدن نباشد نایب نمی‌تواند بگیرد و باید خودش حج و عمره تمتع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال شده است.

(۶۵)س - در حال حاضر که هر کسی بخواهد حج مشرف شود باید قبلاً برای ثبت نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شود و پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا

حج او حَجَّة الاسلام است یا خیر؟

ج - اگر ادای قرض به سهولت برای او امکان دارد و به مشقّت نمی‌افتد مستطیع می‌باشد و حج او حَجَّة الاسلام می‌باشد.

(۶۶)س - اگر کسی به خیال این که استطاعت دارد به قصد عمره تمتّع مُحرم شد و به ترتیب، کلیه اعمال حج تمتّع حَجَّة الاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده است، بفرماید احرام و اعمال گذشته‌اش چگونه است، و نسبت به آینده اگر مستطیع شد، آیا حَجَّة الاسلام بر او واجب است یا نه؟

ج - همه اعمالش صحیح بوده و حَجَّة الاسلام می‌باشد.

(۶۷)س - کسی خیال می‌کرد مستطیع نیست، به نیت استحباب مُحرم شد و اعمال عمره تمتّع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد مستطیع بوده است، آیا مجدداً باید به نیت وجوب، مُحرم شود یا کافی است؟

ج - کفایت می‌کند.

(۶۸)س - شخصی برای زیارت سوره ثبت نام کرده است و فعلاً سه هزار روپیه به دست آورده است و خرج حج بیت الله هم همین مقدار می‌شود، آیا رفتن حج واجب است یا می‌تواند به زیارت سوره برود؟

ج - اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد باید به حج برود.

(۶۹)س - در قباله‌های کنونی برای ازدواج، مبلغ زیادی نوشته می‌شود، آیا زنی که می‌خواهد ازدواج کند طبق برنامه مذکور واجب الحج می‌شود یا خیر؟ ضمناً مشخص فرماید مبلغ چه قدر باشد بهتر است؟

ج - اگر بدون مفسده بتواند مهر را بگیرد و به حج برود مستطیع است، و مهر السنّه بهتر است و استحباب دارد.

(۷۰)س - اگر پدری بعد از ثبت نام برای حج، فوت کرده است و چند پسر دارد، و اجازه حج به یکی از پسران داده می‌شود آیا در چنین

موردی استطاعت طریقی برای کدام حاصل می شود؟

ج - با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود
مستطیع می شود.

(۷۱) س - پدری برای حج ثبت نام کرده است و در وصیتش گفته است که
برایش حج مستحبی بجا آورند، و پسر بزرگتر چون دیده خودش
استطاعت بدنی و مالی دارد، و فقط استطاعت طریقی نداشته که آن هم با
فوت پدر برایش حاصل شده به نیت خود حج را انجام داده، نه به نیابت از
پدر، آیا حج او صحیح است یا نه؟ چون استطاعت طریقی نداشته مگر از
طریق نیابت؟

ج - فرض مزبور نیابت نیست، و حج خودش صحیح و مُجزی است.
(۷۲) س - مسلمین بعضی از کشورهایی که حکومتشان غیر اسلامی است،
اگر بخواهند حج بروند باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک کنند و قهراً
این پول برای تقویت چنین حکومتی مصرف می شود، در صورتی که راه
منحصر به این کار باشد آیا اولاً حج بر چنین اشخاصی واجب است یا نه؟ و
ثانیاً اگر این مقدار پول را بدهند و به حج بروند از حَجَّة الاسلام کفایت
می کند یا نه؟

ج - آنچه ذکر شد موجب سقوط حج نمی شود و حجی که بجا می آورند
حَجَّة الاسلام است.

(۷۳) س - زنی برای حج ثبت نام کرده است، ولی شوهرش که او هم
استطاعت داشته به عللی ثبت نام ننموده است، آیا زن می تواند شرعاً نوبت
خود را به شوهرش بدهد - به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت نام
نمایند - یا نه؟

ج - اگر زن مستطیعه است نمی تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد ولی
اگر نوبت را به او داد حج شوهر صحیح است.

(۷۴)س - من با داشتن مبالغی قرض و گرفتن یک ماه حقوق قبل از پرداخت آن، موفق به سفر حج شدم، با توجه به اینکه شخص طلبکار از این سفر حج کاملاً راضی و به پولش احتیاج ندارد، آیا این حج واجب محسوب می شود یا نه؟

ج - اگر استطاعت مالی از برای شما محقق بوده، در فرض مزبور حج شما صحیح و حج واجب محسوب است، به شرط آنکه امکان ادای بدهی بعداً به سهولت برای شما فراهم باشد. ولی اگر با قرض برای حج استطاعت مالی پیدا کرده اید، چنانچه پرداخت آن به سهولت امکان پذیر است حج شما حج واجب محسوب می شود.

(۷۵)س - اگر کسی مستطیع شد، آیا می تواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد و خرج سفر حج ایشان نماید، و اگر چنین کرده است، تکلیفش چیست؟

ج - اگر شخصاً مستطیع است باید حج بجا آورد، و با بخشش پول به والدین، تکلیف از او ساقط نمی شود، و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود را بجا آورد بخشش جایز نیست، اگرچه صحیح است و باید حج خود را به هر نحو که می تواند بجا آورد.

(۷۶)س - اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم می نویسند، اگر مسامحه کردند و ننوشتند و بعد از مدت پنج سال مردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترک واجب کرده اند یا اینکه حج هم بر آنان مستقر است؟

ج - اگر احتمال عقلائی دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون می آید لازم است شرکت کنند، و اگر شرکت نکردند باید به حج بروند، و حکم کسی را دارند که حج بر او مستقر است.

(۷۷)س - اینجانب با شرایط زیر طبق قرعه کشی سازمان حج و زیارت ان

شاء الله در سال آینده عازم بیت الله الحرام هستم:

- ۱- هزینه کامل زیارت خود و همسرم از پول مُخَمَّس تهیّه شده است.
 - ۲- معلّم آموزش و پرورش بوده و حقوق مستمر در حدّ معمول زندگی با قناعت را دریافت می دارم.
 - ۳- فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.
 - ۴- وسایل زندگی را در حدّ معمول دارا می باشم.
- با توجه به شرایط فوق و شبهاتی که نسبت به وجوب حج و عدم آن از اطراف، القا می شود آیا حج اینجانب و همسرم از حج واجب کفایت می کند یا خیر؟

ج- در فرض مذکور حج بر شما و همسرتان واجب است.

(۷۸)س- اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حج مسامحه کرد تا نوبت او از دست رفت، حال که اسم نمی نویسند آیا با واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با صرف مبالغی زیاد، جایز است به حج مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت سالها فریضه او تأخیر می افتد و خوف این را دارد که خدای نا کرده از تارکین حج به حساب آید؟

ج- باید به هر نحو هست و موجب عسر و حرج نباشد و بر خلاف مقرّرات جمهوری اسلامی نیست به حج مشرف شود.

(۷۹)س- شخصی قبلاً حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتّع، مستطیع بوده و ثبت نام نموده، ولی بعداً از نظر مالی محتاج شده و احتیاج به پول سپرده شده در بانک را دارد، بفرماید می تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اوّل یا سالهای بعد قرعه به نام او اصابت کند، فرق دارد یا نه؟

ج- با فرضی که ذکر شده مستطیع نیست و می تواند پول را بگیرد، و فرق

ندارد.

(۸۰)س - پدرم در سال ۱۳۶ برای زیارت خانه خدا مستطیع شد و در سال ۱۳۶۲ جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد، ولی بعد از احرام بستن، بین راه سگته و فوت کرد و هیچ گونه عملی را انجام نداد، آیا حج به گردنش می باشد یا خیر؟

ج - اگر بعد از دخول حرم مرده، حج از او ساقط شده است، و اگر قبل از دخول حرم فوت کرده، در صورتی حج واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد.

(۸۱)س - شخصی دارایی او مقداری وجه نقد است که از اصل ملک و خانه که ارث از پدرش به او رسیده می باشد به اضافه این که یک باب منزل مسکونی هم دارد، اکنون که نامبرده در اثر سانحه ای از دنیا رفته است، دارای یک همسر و دو بچه صغیر می باشد که معاش آنان از درآمد همین املاک مذکور تأمین می شود، آیا شخص متوفی مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حج، آیا حج بلدی گرفته یا میقاتی کفایت می کند؟ و آیا می شود مخارج حج از کل ترکه پرداخت گردد؟

ج - چنانچه شخص متوفی در حال حیات خرج رفت و برگشت خود و نفقه عیالاتش را داشته و در برگشتن هم درآمد لایق به حال خود و خانواده را داشته و می توانسته به مکه برود و تأخیر انداخته و یا اگر نمی توانسته خودش به مکه رود تمکن مالی برای گرفتن نایب را داشته، در این دو صورت مستطیع بوده، و چنانچه وصیت نکرده حج میقاتی از اصل ترکه خارج می گردد.

(۸۲)س - شخصی که حج بجا آورده، لکن چون امرار معاش او از وجوه و امثال آن بوده و آن زمان نیز متذکر مسأله مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و گمان کرده که حج واجب خود را انجام داده است، پس از

آن و در حال استطاعت قطعی نیابتاً حج بجا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حج واجب مستقرّ خودش، نیابت را تکرار کند؟

ج - حج اوّل ایشان حج واجب بوده و کفایت از حَجَّة الاسلام می کند و حج نیابتی ایشان نیز صحیح است.

(۸۳) س - کسی که واجب الحج بوده از پاکستان عازم حج شد و در مدینه منوره بیمار گردید و در حال بیماری به طرف مکه رهسپار شد و در بیمارستان مکه قبل از حج وفات نمود، تمام دارائیش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است، با توجه به اینکه پول موجودش برای نیابت حج او کفایت نمی کند، آیا ورثه اش باید زمین را بفروشند و برایش نایب بگیرند، و یا اینکه با فوت او حج ساقط می شود؟
اجرکم علی الله.

ج - اگر با احرام عمره تمتّع داخل مکه شده و پیش از انجام یا اكمال اعمال عمره یا بعد از انجام آن فوت نمود، همان مقدار عمل او مُجزی و حج از او ساقط است، ولی اگر بدون احرام عمره وارد مکه شد و در آنجا فوت نمود، در صورتی که حج بر او قبلاً مستقر بوده، باید از اصل ترکّه او برایش نایب بگیرند و حج میقاتی کفایت می کند.

(۸۴) س - اینجانب در موقع ازدواج، یک سفر حج به زوجه ام و عده داده ام. ادایش چگونه می باشد؟

ج - اگر مجرّد و عده بوده است، لازم نیست ادای آن. و اگر بعنوان مهریه یا شرط ضمن عقد قرار داده شده باید به آن عمل کند.

(۸۵) س - اینجانب که به علّت کهولت سن و بالا بودن قند خون و امراض دیگر قادر به انجام فریضه حج نمی باشم، آیا می توانم نیابتاً از طرف خود کسی را حج بفرستم یا خیر؟

ج - اگر قبلاً از جمیع جهات مستطیع بوده‌اید، و لیکن اقدام بر انجام حج نکرده‌اید و در نتیجه حج بر شما مستقر شده و فعلاً در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد تمکّن از سفر حج ندارید، واجب است کسی را نایب بگیرید تا برای شما حج بجا آورد.

(۸۶)س - شخصی پدرش وصیت کرده است که فرزندش از جانب او حج بجا آورد، بعد از مرگ پدر، فرزند مستطیع می‌شود. آیا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم بدارد، و اگر حج خود را مقدم بدارد آیا صحیح است یا نه؟

ج - در صورتی که استطاعت پسر از مال الاجاره حاصل شده باشد، لازم است سال اول بعد از فوت پدر حج نیابی برای پدر انجام دهد. و در غیر این صورت باید برای خودش حج کند. و در صورت اول اگر برای خودش حج بجا آورد صحیح است، گرچه در مخالفت اجاره معصیت کرده است. ولی در صورت دوم اگر حج نیابی بجا آورد صحیح است هر چند بخاطر تأخیر حج خودش معصیت کرده است، و حج بر خودش مستقر می‌شود که باید به هر نحو شده در سال بعد اتیان کند و اگر بجانیاورد در سالهای بعد با مراعات فوراً فقوراً انجام دهد. و باید معلوم باشد که مجرد وصیت به حج بدون استیجار فرزند، نیابت را بر او واجب نمی‌کند هر چند وصیت را قبول کرده باشد. بنابراین در فرض استطاعت، فرزند بعد از فوت پدر بدون مال الاجاره حج نیابتی پدر باید برای خودش حج بجا آورد و نیابت صحیح نیست.

(۸۷)س - خانم خانه داری که حج بر او واجب شده است و شوهرش اجازه مسافرت به تنهایی را نمی‌دهد و می‌گوید چون برای حج اسم مرا نوشته‌ای من هم اجازه نمی‌دهم، وظیفه‌اش چیست؟ و آیا بدون اجازه شوهر می‌تواند به حج برود یا نه؟

ج - در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را بجا آورد ولو این که شوهر او راضی به مسافرت او برای حج نباشد.

(۸۸) س - شخصی طبق وصیت پدر که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است به نیابت او به مکه آمده در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته است آیا به نیابت پدر حج بجا آورد، یا حج خود را انجام دهد؟
ج - حج خود را انجام دهد و برای پدرش نایب بگیرد و در صورت عدم نایب برای پدرش به نیابت از پدرش حج را بجا آورد.

(۸۹) س - شخصی به جز برای هدیه، استطاعت حج را دارا است، آیا حج برای او واجب است؟

ج - بلی مستطیع است و پول هدیه، جزء استطاعت نیست.

(۹۰) س - شخصی قدرت مسافرت حج را ندارد و از قادر شدن بعد هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد، اگر به او بذل نفقه حج نمایند آیا باید قبول کند و نایب بگیرد یا اینکه قبول واجب نیست، و نیز اگر او را مهمان کنند، حج واجب می شود تا استنابه کند یا خیر؟

ج - در فرض مرقوم حج واجب نیست.

(۹۱) س - اگر در میقات مستطیع شد و حَجَّة الاسلام بجا آورد، مُجزی است یا نه؟ و آیا در فرض مسأله، رجوع به کفایت، شرط است یا نه؟

ج - اگر مستطیع شده مُجزی است ولی رجوع به کفایت شرط است، یعنی در برگشت از حج زندگی او به سختی کشیده نشود.

(۹۲) س - شخصی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده، آیا می تواند پول حج را به مصرف لازمی در غیر مؤونه خود و افراد واجب النفقه اش خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؟ مثلاً آیا می تواند در شرایط کنونی کشور، خرج جبهه کند؟

ج - مستطیع باید به حج برود، و دادن پول در مصارف مذکور کافی از حج واجب نیست، و اگر خرج کند و از استطاعت بیفتد، باید به هر نحو هست، به حج برود.

(۹۳) **س -** در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می فرستد، بدون اینکه ملزم باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است؟

ج - با فرض مشروعت آن، بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حج بذلی دارد.

(۹۴) **س -** مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت جمهوری اسلامی وقت برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن پول لازم است، و من مستطیع هستم؟

ج - اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبت نام می شود، باید ثبت نام کنید و یا اینکه از راه آزاد بدون ثبت نام می توانید به حج روید. و در غیر این دو صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول لازم نیست.

(۹۵) **س -** همسر شهیدی که دارای دو بیچه چهار ساله می باشد و عملاً سرپرستی این دو بیچه را دارد و به عنوان خانواده شهید قرعه حج هم به نام او درآمده است، آیا مشارالیه می تواند که مخارج را از مال این دو صغیر بردارد و مناسک حج را انجام دهد یا خیر؟

ج - نمی تواند مصارف حج را از اموال صغیر بردارد.

(۹۶) **س -** کسی که چهار پسر دارد و زن برای همه شان گرفته است، و خرج سالانه خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسرانش در آمدشان یک جا است، الآن خرج دو نفر را دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه، و اگر واجب شده است آیا تنها بر پدر واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است، و اگر بر پسر هم واجب شده است کدامشان حق اولویت را

دارند؟

ج - کسی که از مال خودش به مقدار حج دارد و می تواند به مکه برود و بعد از برگشت، زندگی لایق شأنش را داشته باشد مستطیع است و باید حج برود. بنابراین در فرض سؤال اگر همه شرکاء در مقدار مالی که کفایت برای حج دو نفر می کند شریکند به نحوی که سهم هر يك به اندازه مخارج يك حج نمی شود بر هیچکدام حج واجب نمی باشد.

(۹۷) س - کسی که واجد شرایط حج باشد و نوه ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد که اگر زن نگیرد به حرام می افتد، آیا کدام مقدم است و وظیفه پدر بزرگ چیست، ازدواج برای نوه اش یا حج؟

ج - حج خودش مقدم است مگر این که ازدواج نوه از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم به مکه برود.

(۹۸) س - اینجانب با داشتن استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چون معتاد به خوردن تریاک هستم طبق مقررات کشوری، اداره بهداشت از رفتن حج جلوگیری می کند، از نظر شرع تکلیف حج چیست؟

ج - اگر قبلاً مستطیع بوده اید و با امکان، حج نرفته اید، حج بر شما مستقر شده است، و اگر قبلاً استطاعت نداشته اید در فرض مذکور مستطیع نیستید، مگر آنکه بتوانید، ولو با ترک تریاک، تحصیل اجازه کنید و به مکه بروید.

(۹۹) س - آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع می شود یا نه، و آیا خمس و زکات جزء ترکه میّت است یا نه؟

ج - چنانچه به عنوان مصرف از طرف ولی امر به او داده شده، مالک شده و جزو ترکه او محسوب است، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط، مستطیع می شود.

(۱۰۰) س - هرگاه کسی سرمایه یا ابزار کار دارد که اگر مقداری از آن را

بفروشد می تواند با آن زندگی کند بدون زحمت، و با تفاوت آن قادر بر حج است آیا این شخص مستطیع است؟

ج - با وجود سایر شرایط مستطیع است.

(۱۰۱) س - شخصی باغی دارد که چند سال است درآمدی نداشته، اما از نظر قیمت برای سفر حج کافی بوده، صاحب باغ عرفاً اطمینان دارد وقت باغ ثمر بدهد او هم از کار افتاده و باید از درآمد باغ امرار معاش نماید، آیا این شخص مستطیع است؟

ج - اگر تمکن از امرار معاش به غیر از درآمد آن باغ نداشته باشد مستطیع نیست.

(۱۰۲) س - شخصی که بعد از عمره تمتع دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حج محرم کنند و وظیفه چیست؟

ج - لازم نیست، و بر دیوانه تکلیفی نیست.

(۱۰۳) س - اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکه معظمه همراه ببرد، و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد، و در طواف عمره و سعی بین صفا و مروه و طواف زیارت و طواف نساء و وقوف عرفات و مشعر و منی، مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آنچه از اعمال حج که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج - با فرض این که تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده اند از احرام خارج شده و می تواند شوهر کند.

(۱۰۴) س - اگر اطفال غیر ممیز - پسر یا دختر - را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال حج و عمره و طواف نساء

نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و حج و طواف نساء را از جانب اطفال بجا آورند و اگر هیچ کدام کارهای مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این طفل بعد از بلوغ و رشد می تواند ازدواج کند و یا باید به مکه بروند و عمره و حج و طواف نساء را انجام دهند و بعد، ازدواج نمایند، و یا تنها طواف نساء برگردن آنان است؟

ج - بر ولیّ طفل واجب نیست او را مُحرم کند یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه ای که در مناسک و در رساله ذکر شده است انجام دهند، وگرنه در بعضی صور، طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارک نکند نمی تواند ازدواج نماید.

(۱۰۵) س - اولاً با وجود دین چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟ و ثانیاً در صورتی که پول باشد لیکن به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت، تشرف را خالی از خطر ندانسته و تجویز ننمایند، آیا بایستی یک نفر برای حج اعزام گردد؟

ج - شما اگر قبل از آن که استطاعت پیدا کنید مریض شده اید که قدرت رفتن به مکه را از جهت مرض نداشته اید، مستطیع نشده اید و نایب گرفتن لازم نیست، و نیز استطاعت مالی در صورتی موجود است که پول به مقدار رفتن و برگشتن داشته باشید و پس از برگشت، امکان پرداخت دین به سهولت برای شما باشد.

نیابت در حج

(۱۰۶) م- در نایب، اموری شرط است:

۱. بلوغ، بنابر احتیاط واجب.
۲. عقل.
۳. ایمان.
۴. وثوق و اطمینان به انجام دادن او، و اما بعد از اجرا عمل نایب، لازم نیست اطمینان به صحّت آن و در صورت شك در صحّت، حکم به صحّت می شود و استنباه صحیح است هر چند قبل از عمل، شك داشته باشد.
۵. معرفت نایب به افعال و احکام حج ولو با ارشاد کسی در حال عمل.
۶. ذمه نایب مشغول به حج واجبی در آن سال نباشد.
۷. معذور در ترک بعض افعال حج نباشد.

(۱۰۷) م- در منوب عنه، اموری شرط است:

۱. اسلام.
۲. در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد یا اگر زنده است حج بر او مستقر شده و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن

آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود و در حج استحبابی این شرط نیست و در منوب عنه، بلوغ و عقل شرط نیست و مماثله بین نایب و منوب عنه نیز شرط نیست و جایز است کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود.

۱۰۸) م- نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین کند ولو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند، گرچه مستحب است.
 ۱۰۹) م- ذمه منوب عنه فارغ نمی شود مگر به اینکه نایب، عمل را صحیحاً انجام دهد. بلی اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، از منوب عنه مجزی است و در اجراء این حکم فرقی بین حجة الاسلام و غیر آن و حج تبرّعی نمی باشد.

۱۱۰) م- لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

۱۱۱) م- نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

۱۱۲) م- اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

۱۱۳) م- استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتّع، ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد است، برای کسی که وظیفه او حج تمتّع است صحیح نیست، بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد باید عدول کند و از منوب عنه مجزی است.

۱۱۴) م- در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست و در غیر واجب مانع ندارد.

۱۱۵) م- کسی که حج بر او مستقر شده یعنی سال اوّل استطاعت حج نرفته

اگر به واسطه مرض، یا پیری قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است نایب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد، و به احتیاط واجب باید فوراً نایب بگیرد و اگر مستقر نشده باشد بر او، اقوی عدم وجوب است.

(۱۱۶)م- بعد از آنکه نایب عمل رابجا آورد، حج از معذور ساقط می شود و لازم نیست خودش حج کند، اگرچه عذرش برطرف شود. و اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد، چه قبل از احرام یا بعد، باید خودش حج برود.

(۱۱۷)م- کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطا عتس باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد جایز نیست نیابت کند از غیر، و اگر نیابت کند صحیح است اما گناه کرده است.

(۱۱۸)م- اگر اجیر برای حَجَّةِ الاسلام، بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد کفایت می کند از حج کسی که برای او بجا آورده است، و لازم نیست حج کردن برای او، و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دومرتبه اجیر بگیرند، و همین حکم را دارد کسی که برای خودش به حج برود.

(۱۱۹)م- اگر کسی را برای حج اجیر کردند و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها، پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مرد، ظاهراً مستحقّ اجرت گرفتن تا محلّ موت می باشد، و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد بیشتر از آنچه ذکر شد و اجرت احرام مستحقّ نیست، اگرچه حج از میت ساقط می شود و اگر بعضی اعمال رابجا آورد و مرد، مستحقّ اجرت آن اعمال نیز می باشد و اگر اعمال را به نحوی بجا آورده است که در عرف گفته شود که عمره و حج رابجا آورده، مستحقّ تمام اجرت است اگرچه بعضی اعمال را که مضر

به صحّت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده باشد.
 (۱۲۰) م- کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه، و خودش حج واجب بجا
 نیاورده، احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره مفرده
 بجا آورد و این احتیاط واجب نیست لکن خیلی مطلوب است.
 (۱۲۱) م- کسی که اجیر شده برای حج تمتّع، می تواند اجیر دیگری شود
 برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج، چنانچه
 می تواند برای خودش طواف و عمره مفرده بجا آورد.
 (۱۲۲) م- کسی که عذر داشته باشد از بعض اعمال حج نمی شود او را اجیر
 کرد برای حج، و اگر شخص معذور از بعض اعمال، تبرّعاً از غیر، حج
 بکند، اکتفا کردن به آن اشکال دارد، اما اگر عذر بعد از اجیر شدن عارض
 شده اشکال ندارد.

مسائل متفرّقه نیابت

(۱۲۳) س- کسی مستطیع بوده و در میقات به نیابت دیگری مُحرم شده و به
 مکه آمده و عمره تمتّع را از طرف منوب عنه انجام داده است، وظیفه او
 چیست؟

ج- با اینکه خودش مستطیع است باید برگردد به میقات و از آنجا برای
 خودش مُحرم شود. و اگر نمی تواند به میقات رود هر مقدار که می تواند
 بطرف میقات رود و از آنجا برای خودش محرم شود، و اگر چنین نکرد و
 حج نیابتی را ادامه داد حج نیابتی صحیح است ولی معصیت کرده و حج بر
 خودش مستقر می شود.

(۱۲۴) س- اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده، از بعض
 اعمال معذور است آیا می تواند در این اعمال نایب بگیرد، و آیا می تواند
 پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را بجا آورد؟

ج - نایب شدن معذور، صحیح نیست مگر در صورتی که عذر طاری باشد یعنی بعداً پیش آمده که در این صورت نیابت صحیح است و می تواند برای بعضی اعمال که نمی تواند انجام دهد نایب بگیرد. اما در صورتی که نیابت صحیح نیست باید پول را به صاحبش برگرداند، مگر اینکه از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می تواند دیگری را در اصل عمل حج، نایب کند، و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنه واقع می شود ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امرکننده بپردازد.

(۱۲۵)س - از هر کاروان نو عاً چند نفر از خدمه به نیابت آمده اند و به ناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منی یا همراه ضعفا، به منی بروند، سؤال این است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر؟

ج - با توجه به اینکه از معذورین هستند و نمی توانند وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند نیابت آنان صحیح نیست، و اگر قبل از استخدام اجیر شده اند باید حج را بجا آورند و وقوف اختیاری را درک نمایند، اما اگر ابتداءً معذور نبودند و ناچار شدند همراه ضعفاء به منی بروند اشکال ندارد و نیابت صحیح است.

(۱۲۶)س - آیا شخص زنده در موردی که می تواند نایب بگیرد باید از بلد نایب بگیرد یا از میقات، و اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت می کند یا خیر؟

ج - نایب گرفتن از میقات کفایت می کند، و خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست مگر از طرف او وکالت داشته باشد.

ج (۱۲۷)س - آیا عمره مفرده یا طواف استحبابی را می توانیم به نیابت چند نفر انجام دهیم، و در اعمال آن از جمله طواف نساء نیت همه باید بشود یا نیت بعضی کافی است؟

ج - می توانید به نیابت چند نفر انجام دهید و باید نیت همه بشود.
ج (۱۲۸)س - کسی را روز عید قبل از حلق دستگیر کرده اند و او را به ایران فرستاده اند آیا رفقای او می توانند از او نیابت کنند و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر، و چگونه از احرام خارج می شود؟

ج - بدون اینکه خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست، و برای خارج شدن از احرام باید به منی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر نمی تواند برود در محلّ خودش قربانی کند و احتیاطاً حلق یا تقصیر نماید و بنابر احتیاط موهای خود را به منی بفرستد، و باید برای اعمال مترتبه نایب بگیرد.

ج (۱۲۹)س - افرادی که هر سال به حج می روند - از قبیل خدمه کاروانها - در محلّ خود از کسی نیابت قبول می کنند، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و مُحرم می شوند، بعد که متوجه شدند دوباره نیت نیابت می کنند، آیا حج نیابتی آنان درست است یا حج برای خودشان حساب می شود؟

ج - چون در ذهنش نیابت بوده احرام و نیابتش صحیح است.
ج (۱۳۰)س - شخصی در میقات برای خودش مُحرم می شود و تلبیه می گوید، بعد به فکر می افتد که چون خودش حج واجب را در سالهای گذشته بجا آورده، برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرّعی بجا آورد، آیا می شود با نیت، عدول کند و یا دوباره به نیت شخص مورد نظر مُحرم شود یا خیر؟

ج - اگر به احرام صحیحی مُحرم شده، نمی تواند نیت را عوض کند و باید

عملش را به همان نیتی که در احرام داشته، اتمام کند.

(۱۳۱)س - ناییبی در احرام عمره تمتع بعد از این که وارد مکه شد شک می‌کند که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت مُحرم شود، یا اصلاً حج برای خودش حساب می‌شود و دیگر نمی‌تواند نایب باشد

ج - در نیت، خطور لازم نیست. اگر انگیزه او در حال احرام نیابت بوده، عمل را به نیابت انجام دهد و در صورت امکان به میقات برگردد و دوباره به نیابت مُحرم شود و اگر امکان ندارد باید اعمال را تمام کند و در نیابت به آن اکتفا نکند.

(۱۳۲)س - زنی در عرفات روز نهم دیوانه شد، او را به بیمارستان بردند و تا آخرین وقتی که می‌توانستند همراهان او در مکه بمانند باقی ماندند، خوب نشد، آیا شوهرش که با او است می‌تواند برای او نایب بگیرد، و یا خودش باقی اعمال را انجام دهد یا نه؟

ج - مجنون تکلیف ندارد، و نمی‌تواند برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد حکم اشخاص مُحرم دیگر را دارد.

(۱۳۳)س - هرگاه کسی مریض شود، به طوری که بعد از احرام عمره، قادر به انجام اعمال نباشد، آیا کسی که برای عمره تمتع مستحبی مُحرم شده و عمره را انجام داده است، می‌تواند در حج نایب او شود یا خیر؟

ج - کسی که برای عمره تمتع مُحرم شده ولو مستحبی، نمی‌تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را اتمام کند، ولی اگر مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوفین را درک کند و بقیه اعمال را نایب بگیرد، جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هر چند خودشان هم حج یا عمره بجا می‌آورند.

۱۳۴) س - بنده چون مسئول گروه حج بودم به استناد وظیفه‌ام که مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود، وقوف اضطراری انجام دادم، لطفاً وظیفه شرعی اینجانب را بیان فرمایید.

ج - اگر همراه عجزه بوده‌اید که لازم بوده با آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده‌اند برای شما هم اشکالی نداشته، بلی اگر نایب کسی شده‌اید نیابت شما در عذر طاری اشکال ندارد.

۱۳۵) س - اگر کسی دفعه اول به صورت خدمه، حج بجا آورده و در دفعه دوم دوباره به مأموریت خدمه عازم مکه معظمه است، آیا می‌تواند به عنوان پدر یا مادر که فوت شده‌اند نیابت نماید، و در چنین صورتی آیا حج از عهده پدر و مادرش برداشته می‌شود؟

ج - مانعی ندارد و حج از منوب عنه کافی است.

۱۳۶) س - اینجانب حدود شانزده سال قبل نیابتاً به مکه معظمه مشرف شده و در منی چون نمی‌دانستم که ماشین ته زن با تیغ فرق دارد، بجای تیغ با ماشین ته زن سر خود را تراشیدم و بعد از آن سفر هم دو سفر دیگر مشرف شدم و در سفرهای بعدی سر خود را ماشین نموده و ناخن هم گرفته‌ام، لطفاً بفرمایید در سفر اول که بجای تیغ با ماشین سر را تراشیدم، در مقابل این کار وظیفه‌ام چیست؟ و آیا این عمل سفر اول، در سفرهای بعدی خللی وارد می‌آورد یا ذمه‌ام بری شده است؟

ج - چون حلق برای ضروره متعین نیست لذا حجهای شما هر سه صحیح است و چیزی بر شما واجب نیست.

۱۳۷) س - کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک اضطراری مشعر به منی بروند، آیا همه آنان از ذوی الاعداد می‌باشند که نیابت ولو تبرعاً مورد اشکال است یا نسبت به بعضی استثنا شده است؟

ج - در فرض سؤال زنها می‌توانند نایب شوند، و نیابت در سایر

ذوی الا عذار اگر از ابتداء حج معلوم بوده صحیح نمی باشد، ولی اگر عذر طاری بوده نیابت صحیح است.

(۱۳۸) س - شخصی در حج از میبئی نیابت کرده و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک، هیچ عذری نداشت، ولی چند سال بعد از انجام حج متوجه شد که در وقوف مشعر الحرام با زنها و مریضها به عنوان راهنما، وقوف اضطراری کرده و به منی رفته است، و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند، آیا وظیفه اش چیست؟

ج - عمل مزبور مجزی از حج نیابتی استیجاری است و اجرتی که گرفته اشکال ندارد.

(۱۳۹) س - آیا می توانم برای مادرم و برای خودم فریضه حج را انجام دهم؟
ج - در یک سال بیش از یک حج واقع نمی شود.

(۱۴۰) س - شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره مُحرم شده و به مکه آمده، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است، آیا باید اعمال عمره را به قصد خود بجا آورد یا به قصد نیابت، و اگر باید حج را به قصد خود بجا آورد نسبت به حج نیابتی چه وظیفه دارد، و آیا می تواند برای آن نایب بگیرد یا نه؟

ج - باید برگردد و از احرامی که بسته اعراض کند و برای خود احرام ببندد و اگر این کار را نکرد حج نیابتی او صحیح است هر چند معصیت کرده.

(۱۴۱) س - کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به ایران بازگردد، آیا می تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید که حج تمتع را انجام دهد؟

ج - نمی تواند.

(۱۴۲) س - آیا شرط ایمان نایب که در اصل نیابت حج شرط است، در سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رمی و ذبح و طواف، هم شرط

است یا خیر؟

ج - در سایر اعمال - غیر از ذبح - نیز شرط است.

(۱۴۳)س - شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و پدر نمی تواند بالمباشره حج را بجا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر شخصی را اجیر برای حج پدر نموده و خودش هم برای حج خود مشرف شده، در این فرض آیا حج اجیر برای حج پدر، مجزی است یا خیر؟ و هرگاه در مدینه تصمیم بگیرد که آنچه را از مال پدر به اجیر داده است با پدر حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال می شود یا نه؟

ج - در فرض مزبور استنابه در مورد پدر صدق نمی کند، و حَجَّةُ الْاِسْلَام از طرف پدر واقع نمی شود، و فرقی بین دو صورت فوق نیست، مگر اینکه وکالت مطلقه از طرف پدرش داشته باشد به نحوی که شامل نائب گرفتن در حج هم بشود که در این صورت صحیح است.

(۱۴۴)س - شخصی پس از آن که به مدینه مشرف شد جنون پیدا کرد. با توجه به اینکه سابقاً حج بر او مستقر شده است، آیا می شود برای او نایب گرفت یا خیر، و اگر نشود، تبرع حج از او چه صورت دارد؟

ج - نیابت و تبرع در فرض سؤال صحیح نیست، و پس از مرگ برای او نایب بگیرند.

(۱۴۵)س - فردی پس از استطاعت مالی برای حج اسم نویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش درآمد. ولی چند ماه قبل از حرکت فوت کرد در حالی که پسرش را نایب قرار داده بود که برای او حج بجا آورد. پسر نیز خود استطاعت مالی داشته ولی در اسم نویسی مسامحه کرده و ننوشته است، در صورتی که اگر اسم می نوشت، شاید در همان سال اول قرعه به نامش در می آمد و شاید هم سالهای بعد. اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان نیابت حج بلدی از جانب پدر و هنوز محرم نشده. چه وظیفه ای دارد؟

ج - در فرض مرقوم باید برای خودش حج نماید. ولی اگر معصیت کرد و حج نیابتی را بجا آورد نیابت صحیح است و کفایت از منوب عنه می‌کند. (۱۴۶)س - شخصی اجیر حج بلدی از قم شده و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن در نظر داشته که به قم برود و از آنجا حرکت کند، پس از چند روز در حالی که از موضوع غافل شده، برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آنجا به تهران رفته است، آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم، و بر فرض خروج از ایران، چه حکمی دارد؟

ج - اگر می‌تواند باید برگردد، و چنانچه برنگشت ولو در صورت تمکن و حج را انجام داد، حج صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد.

(۱۴۷)س - آیا بر نایب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال حج را انجام دهد یا مطابق وظیفه خودش عمل نماید؟

ج - میزان، وظیفه خود اوست، ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده، بشود.

(۱۴۸)س - آیا در اجاره برای اعمال حج لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند یا نه؟

ج - لازم نیست، و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می‌کند.

(۱۴۹)س - نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه می‌رود و به عنوان نیابت حج حرکت می‌کند و به وطن خودش یا محل دیگری می‌رود، و در ماه ذیحجه که عازم می‌شود، دیگر به بلد منوب عنه نمی‌رود، کافی است یا نه؟ و چه وقت باید برود؟

ج - کافی است.

(۱۵۰)س - در موردی که مرحوم پدرم فرموده بود پسر بزرگ نیابتاً به مکه برود و من که پسر بزرگ هستم وسیله ارث مستطیع شده‌ام اما تاکنون نتوانسته‌ام سهم خود را به پول مبدل کنم، آیا می‌توانم با این حال بجای

پدر حج بجا آورم یا نه؟

ج - با فرض حصول استطاعت مالی برای خودتان ولو از بابت ارثیه اگر امکان فروش و صرف قیمت در حج را دارید باید اول برای خودتان حج بجا آورید، و برای پدر بعداً انجام دهید یا دیگری را نایب بگیرید. و اگر نتوانستید برای خودتان پول تهیه کنید می توانید به نیابت پدر به حج بروید. (۱۵۱) **س -** آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا طواف حج که طواف را در غیر موسم حج بجا آورد یا نه؟

ج - نایب در طواف عمره تمتع باید در وقتی طواف را انجام دهد که منوب عنه بتواند بقیه اعمال را قبل از فوت و قوف در عرفات انجام دهد، و اگر طواف حج باشد تأخیر آن از ذی الحجّه جایز نیست. ولی اگر ذی الحجّه تمام شده در هر زمانی کفایت می کند. و اگر منوب عنه طواف را فراموش کرده یا اشکالی در صحت طوافش بوده و به وطن بازگشته است نایب در هر زمان می تواند آن را انجام دهد.

(۱۵۲) **س -** شخصی قبلاً مستطیع بوده و به حج نرفته و الآن هیچ گونه قدرت مالی جهت انجام حج را ندارد، آیا فرزندش می تواند تبرعاً از طرف او حج نیابی انجام دهد؟

ج - نیابت در حج از حیّ صحیح نیست مگر در صورتی که شخص از جهت پیری نتواند به حج برود یا مریض باشد و از جهت مرض نتواند برود و مایوس از خوب شدن تا آخر عمر باشد.

(۱۵۳) **س -** حج به نیابت حضرت ولیّ عصر - ارواحنا له الفداء - چون در موسم حج تشریف دارند جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

(۱۵۴) **س -** زنی که واجب الحج است وصیت کرده که از اصل ترکه اش برای او حج بلدی توسط وصیش انجام شود، حال، استطاعت جانی و مالی و

غیره برای وصیّ او فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نام‌نویسی برای حج، آن هم با عذری، استطاعت راهی ندارد، آیا می‌تواند حج نیابی را انجام دهد؟

ج - وصیّ اگر قبلاً استطاعت نداشته و فعلاً هم راه برای او باز نیست الآن هم مستطیع نیست و می‌تواند برای حج نیابی اجیر شود، ولی اگر بدون اینکه اجیر شود خود را به میقات برساند نمی‌تواند حج نیابی بجا آورد و باید برای خودش حج بجا آورد.

(۱۵۵)س - کسی که حج نیابی انجام می‌دهد اگر در قربانی، شخص ثالثی را وکیل کرد ذابح چگونه نیت کند، آیا باید نیت کند که به وکالت از میّت قربانی می‌کنم یا باید وکالت از نایب میّت کند؟ در هر صورت آیا باید نام میّت را هم ببرد؟

ج - نام میّت بردن لازم نیست، بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهده نایب است انجام دهد صحیح است.

(۱۵۶)س - کسی که برای حج اجیر می‌شود، اگر شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که نیابت بردار است نایب می‌گیرم، آیا این شرط نافذ است و می‌تواند عمل نماید یا نه؟

ج - اگر عذر دارد نمی‌تواند قبول کند، بلی در قربانی مانع ندارد و شرط لازم نیست.

(۱۵۷)س - کسی که احتمال قویّ عقلایی می‌دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حج تمتّع را بدل به افراد کند، آیا می‌تواند از حج واجب نیابت کند؟

ج - می‌تواند نیابت کند، ولی اگر وظیفه او عدول به افراد شد بنا بر احتیاط منوب عنه نباید اکتفا به آن کند. و این حکم در عذر ابتدایی است و الا در عذر طاری نیابت صحیح است و کفایت از منوب عنه می‌کند.

(۱۵۸)س - نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نموده، آیا حج از منوب عنه کافی است؟ و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا نه؟

ج - در عذر طاری نیابت صحیح است.

(۱۵۹)س - کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده‌اند و بعداً در اثناء عمل، عذر عارض شده است، آیا نیابتشان صحیح است و مستحقّ تمام اجرت می‌باشند یا نه؟

ج - اشکال ندارد و مستحقّ تمام اجرت می‌باشد.

(۱۶۰)س - خدمه‌ای که از روی جهل به مسأله اجیر شده‌اند و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده‌اند فعلاً تکلیفشان چیست، و همچنین سایر معذورین که حج ناقص از این قبیل انجام داده‌اند تبرعاً یا با اجرت؟

ج - در صورت عذر طاری نیابت صحیح است و کفایت از منوب عنه می‌کند و در صورت عذر ابتدایی نیابت صحیح نیست و کفایت از منوب عنه نمی‌کند ولی از احرام خارج شده‌اند.

(۱۶۱)س - در مناسک آمده است که معذور نمی‌تواند نایب شود، معذور به چه کسی گفته می‌شود؟ لطفاً حدّ آن را معین کنید، مثلاً کسی که نمی‌تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی‌تواند خودش رمی جمرات کند، و یا نمی‌تواند قربانی نماید، و یا نمی‌تواند یکی دیگر از واجبات حج را عم از ارکان و غیر ارکان انجام دهد، معذور است یا خیر؟

ج - هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است و نمی‌تواند نایب شود، مگر در صورتی که عذر طاری باشد که نیابت صحیح است. ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد، و لذا کسی که نمی‌تواند ذبح کند می‌تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

(۱۶۲)س - کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده است، آیا نیابت او صحیح است؟ و مفروض این است که به عنوان نیابت مُحرم شده است؟

ج - اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت او مجزی نیست ولی احرامش صحیح است و باید عمل را تمام کند، و اگر معذور نیست صحیح است و باید قرائت خود را درست کند.

(۱۶۳)س - اگر مستنوب یا منوب عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزء معذورین است و او را نایب کنند، اولاً آیا اجرت نیابت برای نایب حلال است یا نه؟ و ثانیاً آیا حج نیابتی او صحیح و از حَجَّةِ الاسلام یا غیر حَجَّةِ الاسلام منوب عنه کفایت می‌کند یا نه؟

ج - با فرض این که معذور بوده و استیجار شده، استحقاق اجرت ندارد، و کفایت نمی‌کند.

حج استحبابی

۱۶۴) م - مستحب است کسی که شرایط و جوب حج را ندارد از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در صورت امکان، حج بجا آورد و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود و مستحب است تکرار حج در هر سال، بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترک کند و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد.

۱۶۵) م - مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج بجا آورد تبرعاً، چه زنده باشند یا مرده و همچنین از طرف معصومین علیهم السلام و نیز طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آنکه در مکه نباشند یا معذور باشند.

۱۶۶) م - کسی که زاد و راحله ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود در صورتی که می تواند قرض را ادا کند.

۱۶۷) م - با مال حرام جایز نیست به حج برود و اگر مال او مشتبّه است و علم به حرمت آن ندارد می تواند آن را صرف کند.

۱۶۸) م - بعد از فارغ شدن از حج استحبابی می تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند؛ همچنان که در وقت شروع می تواند آن را نیت کند.

۱۶۹) م - کسی که مال ندارد تا با آن حج بجا آورد، مستحب است ولو با اجاره دادن خودش و نیابت دیگری نیز به حج برود.

اقسام عمره

(۱۷۰) م- عمره هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می شود و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست، بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می شود، هر چند برای حج مستطیع نباشد؛ همچنان که عکس این هم همین طور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج بجا آورد لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است هیچ گاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج، جدا نیست چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است به خلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرد است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می شود.

(۱۷۱) م- واجب است بر کسی که می خواهد داخل حرم شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می خواهد وارد حرم شود، واجب است عمره مفرد انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می شوند و از

آن خارج می‌شوند استثنا شده است، و همچنین کسانی که در يك ماه قمری عمره بجا آورده‌اند و خارج شده‌اند برای وارد شدنشان به مکه در همان ماه قمری لازم نیست محرم شوند.

(۱۷۲)م - تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و اقوی عدم اعتبار فاصله زمانی است. پس هر روز هم می‌توان عمره مفرده بجا آورد بلکه در يك روز می‌توان چند عمره بجا آورد.

اقسام حج

حج سه قسم است: «تمتع» و «قران» و «افراد».
تمتع: وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل که شانزده فرسخ است از مکه دور باشند.
قران و افراد: بر غیر آنها واجب می شود و این تفصیل در حَجَّة الاسلام است.

صورت حج افراد و عمره مفرد

(۱۷۳) م- صورت حج افراد که گاهی مورد ابتلای متمتع می شود از این قرار است که زن حائض یا کسی که به واسطه ضیق وقت نمی تواند عمره تمتع را بجا آورد، باید قصد کند حج افراد کرده برود به عرفات و مثل سایر حججاج وقوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به منی و اعمال منی را بجا آورد، مگر هدی را که واجب نیست بر او، بعد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، پس در این وقت از احرام خارج می شود، بعد از آن برگردد به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق به همان نحو که سایر حججاج بجا می آورند، پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با یک فرق که در حج تمتع، هدی

باید ذبح کند و در حج افراد واجب نیست ولی استحباب دارد.
 (۱۷۴)م- صورت عمره مفرده - که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد بعد از حج بجا آورد - آن است که خارج شود به ادنی الحل، و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تنعیم» که از همه نزدیک تر به مکه است، محرم شود، و بیاید به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر تراشد و طواف نساء بجا آورد و نماز طواف بخواند.

(۱۷۵)م- عمره مفرده با عمره تمتع که تفصیلاً خواهد آمد در صورت، فرق ندارند مگر در سه چیز:

اول آنکه در عمره تمتع باید تقصیر کند، یعنی از موی ناخن خود باید بگیرد، و سر تراشیدن جایز نیست و در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.

دوم آنکه در عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد.
سوم آنکه میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن می آید. و میقات عمره مفرده برای کسی که در حرم است ادنی الحل، و جایز است که به مواقیت پنجگانه نیز برود. ولی کسی که از خارج حرم برای بجا آوردن عمره مفرده می آید باید به یکی از مواقیت پنجگانه برود و از غیر آنها نمی تواند محرم شود.

(۱۷۶)م- کیفیت افعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکه عین کیفیت حج تمتع است، و در احکام، مشترک هستند، و کیفیت افعال عمره تمتع از حرام و طواف و سایر اعمال عین کیفیت عمره مفرده است.

(۱۷۷)م- عمره تمتع را اگر کسی بجای آورد کافی است از عمره مفرده.
 (۱۷۸)م- کسی که وظیفه اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه شانزده

فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج می‌کنند، گرچه احتیاط آن است که بجا آورد.

(۱۷۹) م- کسی که محرم شد به احرام عمره مفرده حرام می‌شود بر او جمیع چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زنها و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش بجا آورد زن هم بر او حلال می‌شود.

(۱۸۰) م- طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا سر تراشی بجا آورد.

(۱۸۱) م- کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شد اگر احرامش در ماه‌های حج بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع بجا آورد و در این صورت هدی بر او واجب می‌شود و مخفی نباشد که این مسأله در مورد حج استحبابی است.

صورت حجّ تمتع اجمالاً

بدان که حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع و عمره تمتع مقدم است بر حج. و عمره تمتع مرکب است از پنج جزء:

اول: احرام.

دوم: طواف کعبه.

سوم: نماز طواف.

چهارم: سعی بین کوه صفا و مروه.

پنجم: تقصیر، یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.

و چون محرم از این اعمال فارغ شد آنچه بر او به واسطه احرام بستن حرام

شده بود حلال می شود.

و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل:

اول: احرام بستن در مکه.

دوم: وقوف به عرفات.

سوم: وقوف به مشعر الحرام.

چهارم: انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی.

پنجم: قربانی در منی.

ششم: تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی.

هفتم: طواف زیارت در مکه.

هشتم: دو رکعت نماز طواف.

نهم: سعی بین صفا و مروه.

دهم: طواف نساء.

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم: ماندن به منی، شب یازدهم و شب دوازدهم و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص.

سیزدهم: در روزهای یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در منی ماندند روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند. آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آنها بعد ذکر می شود.

(۱۸۲)م- لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بداند ولو اجمالاً، و کافی است که نیت کند عمره تمتع را، به نحوی که واجب است بر او، و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

مسائل متفرّقه اقسام عمره و حج

۱۸۳) س- شخصی در اثناء عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده‌اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید فعلاً وظیفه او چیست؟ توضیح آن که کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه او است و او را از احرام خارج می‌کند بجا آورد.

ج- با فرض این که خود شخص نمی‌تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد، و توضیح آن که مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلاً خوب شده و این که نمی‌تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

۱۸۴) س- کسی عمره مفرده بجا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده است، فعلاً می‌خواهد برای عمره تمتع مُحرم شود، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء مُحرم شود و بعد از انجام عمره تمتع، طواف نساء را بجا آورد؟

ج- مانع ندارد.

۱۸۵) س- بعضی از مراجع فرموده‌اند فاصله بین دو عمره کمتر از يك ماه نباشد، آیا فرقی هست بین دو عمره مفرده از خود شخص و بین دو عمره مفرده‌ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد یا نه؟

ج- فاصله بین دو عمره شرط نیست، چه از طرف خودش باشد و چه از طرف دیگری نایب شود.

۱۸۶) س- فاصله بین دو عمره دقیقاً چقدر باید باشد؟

ج- فاصله بین دو عمره اصلاً شرط نمی‌باشد.

۱۸۷) س- اگر بین دو عمره کمتر از یک ماه فاصله باشد، چنانچه عمره دوم

نیابت باشد نایب می تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر؟ و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می کند یا خیر؟

ج - فاصله زمانی شرط نیست و قصد رجاء در عمره دوم لازم نیست و گرفتن اجرت اشکالی ندارد و کفایت از عمره مفرده واجب نیز می کند. (۱۸۸س) - اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می تواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلاً به ایران آمده، چه وظیفه ای دارد؟

ج - در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد و چنانچه به ایران آمده، اقدام کند و برگردد و اگر نمی تواند برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را بجا نیاورد، آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده، بر او حلال نمی شود.

(۱۸۹س) - آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و در هر جای مسجد الحرام می توان آن نماز را خواند؟

ج - حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد. (۱۹۰س) - انجام عمره مفرده در ماه های حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین صروره و غیر صروره هست یا نه؟ ج - مانع ندارد، و فرق نمی کند.

(۱۹۱س) - تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بلا عذر جایز است؟ ج - باید مبادرت نماید عرفاً علی الاحوط و از ماه ذی حجه تأخیر نشود.

(۱۹۲س) - زنی که احتمال می دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجد الحرام شود، آیا می تواند برای عمره مفرده مستحبی مُحرم شود و اگر

خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و همچنین مریض اگر احتمال می‌دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج - اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید. (۱۹۳)س - همچنان که عمره مفرده را قبل از عمره تمتّع ولو با کمتر از فاصله شدن یک ماه تجویز فرموده‌اید، آیا بعد از عمره تمتّع هم با کمتر از یک ماه فاصله تجویز می‌فرمایید؟

ج - جایز می‌باشد و فاصله زمانی شرط نمی‌باشد. (۱۹۴)س - کسی که وظیفه او عمره تمتّع است و ندانسته به نیت عمره مفرده مُحرم شده است تکلیف او چیست؟

ج - اگر قصد عمره مفرده کرده، باید عمره مفرده انجام دهد و بعد عمره تمتّع را بجا آورد، و چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتّع واقع می‌شود و صحیح است.

(۱۹۵)س - اگر تقصیر را در عمره مفرده جهلاً یا نسیاناً بجا نیاورد و طواف نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتّع مُحرم شده و عمره تمتّع را بجا آورده و بعد متوجّه نقص کار خود شده است، تکلیف این شخص با داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتّع و نداشتن فرصت چیست؟

ج - چون تقصیر نکرده از احرام عمره مفرده خارج نشده و احرام عمره تمتّع صحیح نیست و باید ابتدا تقصیر کند تا از احرام عمره مفرده بیرون آید، و چنانچه وقت داشته باشد که برای عمره تمتّع مُحرم شود می‌تواند به میقات برگردد و مُحرم شود، و در صورت عدم امکان بازگشت به میقات هرچه می‌تواند به طرف میقات رود و مُحرم شود و در صورت عدم وقت برای بجا آوردن عمره تمتّع حج او بدل به افراد می‌شود و فرقی بین حج واجب و مستحبی نمی‌باشد.

(۱۹۶)س - کسی که حجّش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد، اگر سال بعد که به حج می‌رود بعد از اعمال حج، عمره مفرده را بجا آورد کافی و مجزی است یا نه؟

ج - احوط آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده، برای عمره و حج دیگر مُحرم نشود هر چند اگر خلاف کرد، ضرر به صحت عمره و حج او نمی‌زند.

(۱۹۷)س - کسانی که از هند و پاکستان به عربستان می‌آیند و در مکه معظمه مقیم می‌شوند آیا حجّشان تمتّع است یا وظیفه دیگری دارند؟

ج - چنانچه به قصد مجاورت در مکه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند حکم اهل مکه را پیدا می‌کنند، و در غیر این صورت، صور مختلفه‌ای است که در کتاب «الهادی الی الطريقة الوسطی فی شرح العروة الوثقی» ذکر شده است.

(۱۹۸)س - کیفیت حج قران را بیان فرماید. این حج بر کدام اشخاص واجب می‌شود؟

ج - حج قران واجب تعیینی نیست و چون مورد ابتلا نیست می‌توانید به کتاب مفصله مراجعه نمایید.

باب اوّل

اعمال عمره تمتّع

فصل اوّل: محلّ احرام عمره تمتّع

فصل دوم: واجبات احرام

فصل سوم: محرّمات احرام

فصل چهارم: طواف واجب

فصل پنجم: نماز طواف

فصل ششم: سعی

فصل هفتم: تقصیر

فصل اوّل

محلّ احرام عمره تمتّع

(۱۹۹)م - محلّ احرام بستن برای عمره تمتّع که آن را میقات می نامند مختلف می شود به اختلاف راه هایی که حجّاج از آنها به طرف مکه می روند، و آن، پنج محل است:

اوّل مسجد شجره است که آن را «ذوالحلیفه» می نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می روند. و در اینجا چند مسأله است:

(۲۰۰)م - جایز است در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام.

(۲۰۱)م - میقات منطقه ذوالحلیفه است و احرام بستن در آن منطقه و در خارج مسجد شجره جایز می باشد، هر چند محرم شدن در مسجد شجره افضل می باشد.

(۲۰۲)م - شخص جنب و حائض مخیر هستند که در حال عبور از مسجد محرم شوند، بدون اینکه در مسجد توقّف کنند و یا در بیرون مسجد محرم شوند.

(۲۰۳)م - اگر جنب بواسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از

مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود، باید در خارج مسجد محرم شود.

(۲۰۴) م ۵- حائض لازم نیست تا وقت پاک شدن صبر کند و می تواند در خارج مسجد محرم شود.

دوم وادی عقیق است که اوایل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می روند.

سوم قرن المنازل است و آن میقات کسانی است که از راه طائف به حج می روند.

چهارم یلملم است که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می روند.

پنجم جحفه است و آن میقات کسانی است که از راه شام می روند و همینطور کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده اند هر چند بدون عذر.

(۲۰۵) م- اگر یبئه شرعیّه قائم شد؛ یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست، و اگر علم و یبئه ممکن نشود می تواند اکتفا کند به ظنّ حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها می باشند و یا اکتفا کند به يك شاهد موردا اعتماد. (۲۰۶) م- هرگاه از راهی برود که به هیچ یک از میقاتها عبورش نیفتند، باید از محاذات میقات احرام ببندد.

(۲۰۷) م- اگر عبور او طوری است که محاذات باد و میقات پیدا می کند احتیاط واجب آن است که از جایی که اوّل، محاذات پیدا می کند احرام ببندد، و در محاذات میقات بعد، تجدید نیّت احرام کند.

(۲۰۸) م- کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می کنند، اگر

فاصله آنها با میقات زیاد است باید با نذر محرم شوند و اگر فاصله کم باشد بنابر احتیاط واجب نذر کنند و محرم شوند و یا اینکه به یکی از مواقیت بروند.

(۲۰۹)م- شخص مستطیع اگر احرام را از میقات تأخیر بیندازد از روی علم و عمد و ممکن نشود برگردد به میقات، به واسطه عذری و میقات دیگری در پیش نداشته باشد، حج او باطل است، و باید سال دیگر حج بجا آورد.

(۲۱۰)م- شخصی که می خواهد از محاذی میقات محرم شود اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد وثوق پرسد، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکانها نیست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد قبل از رسیدن به محلی که احتمال می دهد از محاذات گذشته است به نذر محرم شود، بلکه اگر از محلّ معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود احوط است.

(۲۱۱)م- کسانی که با هواپیما به حج می روند و می خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند احتیاط آن است که بدون احرام بروند «جده» و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند، اگر جده یا «حدّه» معلوم شد محاذی با یکی از میقاتها است از آنجا محرم شوند و الا بروند به میقات دیگر، مثل جحفه و از آنجا محرم شوند و اگر نتوانستند به جحفه یا به میقات دیگر بروند با نذر از جده محرم شوند، و بهتر آن است که در «حدّه» تجدید احرام کنند اگرچه لازم نیست.

(۲۱۲)م- مراد از محاذات آن است که کسی که می رود به طرف مکه، بجایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خطّ راست به طوری که اگر از آنجا بگذرد، میقات متمایل به پشت او شود.

(۲۱۳)م- محاذات ثابت می شود به علم و به دو شاهد عادل، و اگر اینها

ممکن نشود يك شاهد مورد اعماد هم كافی است و همینطور اگر اطمینان حاصل شد از قول کسانی که مطلع به آن مکانها هستند ظاهراً كافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کنند اگر اطمینان حاصل شد ظاهراً كافی است.

(۲۱۴) م - کسی که بواسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد، پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره می توانست با برگشتن برسد واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد، چه داخل حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن نیست به نحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده هر مقداری می تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود، و اگر داخل حرم شده واجب است اگر می تواند و به اعمال عمره می رسد از حرم خارج شود و هر مقداری که می تواند بطرف میقات رود و محرم گردد، و اگر نمی تواند به نحوی که گفته شد هر قدر می تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود.

(۲۱۵) م - زن حائض اگر مسأله نمی دانست و عقیده داشت که نباید در میقات محرم شود و احرام نبست، حکمش همان است که در مسأله قبل گفته شد.

(۲۱۶) م - جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است، و باید از همانجا محرم شود. مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود، واجب است عمل کند، و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند.

(۲۱۷) م - جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراً، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد.

(۲۱۸)م- اگر از میقات بدون احرام عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب برگردد به میقاتی که از آن گذشته، و محرم شود.

مسائل متفرقه میقات

(۲۱۹)م- افضل آن است که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن و بهتر آن است که در محل اصلی مسجد محرم شود اگرچه احرام بستن از کل منطقه ذوالحلیفه جایز می باشد.

(۲۲۰)م- اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره تمتّع را در وقت خود انجام دهد باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد در صورتی که برای حَجَّةِ الاسلام محرم شده، احرام او باطل است و باید برای عمره تمتّع مجدداً محرم شود.

(۲۲۱)م- کسانی که با هواپیما به جدّه می روند نمی توانند از جدّه یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین این که قصد عمره تمتّع یا مفرده داشته باشند نیست و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای کسانی که در مکه هستند.

(۲۲۲)م- کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی توانند به گفته راهنما (بلد) یا حمله دار که می گوید فلان محل میقات است محرم شوند مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند و یا اینکه حمله دار مورد اعتماد باشد، و الا باید به عرف محل مراجعه نمایند.

(۲۲۳)م- در صورتی که ثابت نیست که «رابغ» محاذی جحفه است

احرام از آن جایز نیست.

- (۲۲۴) م- کسی که در غیر ماه‌های حج به مکه رفته و عمره مفرده بجا آورده، و در مکه مانده تا ماه‌های حج، برای احرام عمره تمتع باید به یکی از مواقیع پنجگانه معروفه برود و نمی‌تواند از تنعیم محرم شود.
- (۲۲۵) م- کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند و باید به یکی از مواقیع معروفه بروند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند و در صورت تجاوز، واجب است به میقات برگردند و از آنجا محرم شوند، و اگر کسی نتوانست برگردد هر جا که هست محرم شود.
- (۲۲۶) م- اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع بجا آورد و به عللی از رفتن به میقات عمره تمتع معذور باشد لازم است به خارج حرم برود و هر قدر می‌تواند به طرف میقات رود و از آنجا محرم شود.
- (۲۲۷) م- میقات برای شاغلین در جدّه از ایرانیان و غیر آنها در عمره تمتع و عمره مفرده همان مواقیع معروفه است، و نمی‌توانند از جدّه یا ادنی الحل محرم شوند، و اگر از روی جهل به مسأله در جای دیگر محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود چنانچه در صوت علم و عمد هم حکم همین است هر چند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیده‌اند عمل آنان صحیح است.
- (۲۲۸) م- خدمه کاروانها که می‌خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند بنا بر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند، بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیع معروفه بروند و از آنجا برای عمره مفرده محرم شوند. و ادنی الحل، میقات این اشخاص نیست، و پس از انجام اعمال عمره مفرده می‌توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست، چه به مدینه رفته باشند و چه به غیر مدینه، ولی

مستحب است برای مرتبه دوم و غیر آن محرم شوند برای عمره مفرده دیگری و فاصله بین دو عمره مفرده شرط نمی‌باشد، و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه می‌روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جُحفه، بروند و از آنجا برای عمره تمتّع محرم شوند.

۲۲۹) س - کسانی که به علت عادت ماهانه نمی‌توانند داخل مسجد شجره محرم شوند وظیفه‌شان چیست؟

ج - میقات منطقه ذوالحلیفه می‌باشد و می‌توانند در خارج مسجد محرم شوند.

۲۳۰) س - جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قرن المنازل آنان را از راه وادی عقیق فرستادند و از راه قرن المنازل منع کردند و لذا در وادی عقیق محرم شدند، آیا احرام آنان چه صورت دارد؟
ج - صحیح است.

۲۳۱) س - کسانی که امکان رفتن به میقات را ندارند و باید از محاذات میقات عبور کنند و در صورت امکان باید محاذات میقات محرم شوند اگر تشخیص محاذات میقات برای آنها مشکل است آیا می‌توانند با نذر در محلی که قطعاً قبل از محاذی میقات است محرم شوند؟

ج - احرام بستن قبل از میقات و محاذات آن با نذر صحیح است.
۲۳۲) س - زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود گمان می‌کرد که در حال عبور در مسجد شجره می‌تواند محرم شود و وظیفه‌اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط مسجد رسید، دید به جهت ازدحام نمی‌تواند با عبور محرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر محرم شد آیا کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر محرم شده است مانع ندارد.

(۲۳۳) س - زن در حال حیض به خیال این که می تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می خواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمی شود عبور کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش صحیح است؟

ج - صحیح است، ولی لازم نبود که وارد مسجد شود و در بیرون مسجد نیز می توانست محرم شود.

(۲۳۴) س - یک نفر از حجّاج به کَلّی شنوایی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلم صحیح نیست، مسئولین و سایر حجّاج همراه، به این موضوع توجه نداشته اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج - باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه مُحرم شود هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی تواند به میقات برود باید در خارج حرم هر قدر که می تواند بطرف میقات برود و از آنجا مُحرم شود، و اگر نمی تواند تلبیه را صحیح بگوید و لو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می تواند بگوید و ترجمه اش را نیز بگوید و احتیاطاً نایب نیز بگیرد.

(۲۳۵) س - نظر به اینکه مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است آیا حجّاج یا معتمرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج - میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می توانند محرم شوند و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از

ادنی الجل صحیح است، هر چند در مسجد نباشد. بنابراین در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی الحل در دوم، احرام اشکال ندارد.

(۲۳۶) س - کسی که وسایلش در جحفه مانده است، آیا می تواند برای آوردن وسایل خود، از احرام خارج گردد در حالی که برای عمره تمتع مُحرم شده، و وارد حرم گردیده است؟

ج - می تواند قبل از خروج از احرام عمره، برود و وسایل خود را بیاورد، و اگر اعمال عمره تمتع را انجام دهد و مُجَل شده است، نمی تواند از مکه خارج شود مگر در حال ضرورت، مُحرمًا به احرام حج علی الاحوط. ولی اگر احرام بستن برای حج، برای او موجب عسر و حرج است می تواند بدون احرام از مکه خارج شود.

(۲۳۷) س - کسی که از جدّه مُحرم شده و اعمال عمره تمتع را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج - اگر از رفتن به میقات معذور نبوده و وقت برای انجام عمره تمتع هست باید به میقات برود و مُحرم شود و عمره تمتع را اعاده کند، و اگر رفتن به میقات ممکن نیست به خارج حرم برود و به مقدار ممکن به طرف میقات برود و از آنجا مُحرم شود.

(۲۳۸) س - آیا جایز است کسی که به احرام عمره تمتع در یکی از میقاتها مُحرم شده است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید مکه، مثلاً از مسجد شجره به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟

ج - مانعی ندارد.

(۲۳۹) س - بعد از اتمام حج تمتع اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند آیا لازم است مُحرم شود یا خیر؟

ج - در صورتی که در ماه ذی حجّه مراجعت کند لازم نیست مُحرم شود و می تواند بدون احرام وارد مکه شود.

(۲۴۰) **س -** کسی که عمره مفرده انجام داده است، آیا می تواند در همان ماه قمری که عمره مفرده بجا آورده، بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

ج - اشکال ندارد هر چند مستحب است که برای عمره مفرده دیگری مُحرم شود.

(۲۴۱) **س -** کسی که در جدّه و یا مدینه حالت روانی پیدا می کند، آیا لازم است مُحرمماً وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج - مجنون، تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

(۲۴۲) **س -** زن حائضی که نمی تواند صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره مُحرم شد و بنا داشت مُحاذی جُحفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج - احرام بستن در منطقه ذوالحلیفه و محوطه مسجد شجره صحیح است و احتیاجی به تجدید احرام در مُحاذی جحفه نمی باشد.

(۲۴۳) **س -** اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجّه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همانجا به میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا می تواند بیاید مکه و به میقات برگردد، یا باید از همانجا مُحرم شود؟

ج - اگر می تواند به میقات برگردد ولو از مکه، نمی تواند برای عمل واجب از غیر میقات مُحرم شود، ولی برای دخول مکه از ادنی الحِل به نیت عمره مفرده مُحرم شود و بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف

برود و برای عمره تمتّع احرام ببندد.

(۲۴۴)س - زن بدون اذن شوهرش نذر می‌کند و بانذر مُحرم می‌شود، آیا احرامش درست است، و چنانچه با همان احرام اعمالش را بجا آورده باشد چگونه است؟

ج - اذن شوهر در نذری که منافاتی با حق او ندارد شرط نمی‌باشد، لذا احرام آن زن صحیح است.

(۲۴۵)س - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

(۲۴۶)س - هرگاه حائض یا جنب عصباناً وارد مسجد شجره شود و

مانند دیگران توقف نماید و مُحرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه؟

ج - احرام صحیح است.

(۲۴۷)س - کسانی که در مکه اقامت پذیرفته‌اند - موقتاً نه دائماً - آیا

میقاتشان همان مواقیت خمسه معروفه است یا اَدْنَى الحِلّ؟

ج - اگر فریضه آنها تبدیل نشده، باید از مواقیت معروفه مُحرم شوند،

و اگر تبدیل شده میقات آنها مکه است.

(۲۴۸)س - شخصی بدون احرام، عمداً یا جهلاً یا سهواً، وارد مکه

شده و بعداً از جهت گرانی بیش از حدّ کرایه یا ممنوعیت از طرف دولت

نتوانست به میقات برگردد، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر ممکن نیست به میقات برود از اَدْنَى الحِلّ باید مُحرم شود،

ولی هرچه می‌تواند بطرف میقات برود، مگر اینکه ترک احرام از میقات

بدون عذر باشد، که در این صورت نمی‌تواند حج بجا آورد و اگر مستطیع

است سال بعد باید حج انجام دهد، و گرانی بیش از حد عذر نیست مگر

موجب حَرَج باشد.

فصل دوم

واجبات احرام

(۲۴۹)م- واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول: نیت، یعنی انسان در حالی که می خواهد محرم شود به احرام عمره تمتع، نیت کند عمره تمتع را، و لازم نیست قصد کند ترک محرماتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می شود، بلکه کسی که به قصد عمره تمتع یا حج تمتع لَبَّيْكَ هَيَّاجِبٌ رَاكِعًا، محرم می شود چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرمات را یا نکند. پس کسی که می داند ارتکاب می کند بعضی محرمات را؛ مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرمات را.

(۲۵۰)م- آنچه ذکر شد که لازم نیست قصد کند ترک محرمات را در غیر آن محرماتی است که عمره یا حج را باطل می کند مثل اکثر محرمات، و اما آنچه عمره یا حج را باطل می کند مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد ارتکاب آن احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.

(۲۵۱) م - عمره و حج و اجزاء آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند تعالی بجا آورد.

(۲۵۲) م - اگر عمره را به ریا یا غیر آن باطل کند و برای اعاده و جبران آن وقت نباشد احتیاط واجب آن است که حج افراد بجا آورد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند. --

(۲۵۳) م - اگر حج را به نیت خالص بجا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

(۲۵۴) م - اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محلّ جبران باقی است و جبران کرد عملش صحیح می شود، گرچه معصیت کار است.

(۲۵۵) م - اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگری به جای نیت عمره تمتّع، حج تمتّع را قصد کند پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه بجا می آورند او هم بجا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش حج تمتّع است، ظاهراً عمل او صحیح است و عمره تمتّع است، و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

(۲۵۶) م - اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر گمان کند که حج تمتّع بر عمره تمتّع مقدم است و نیت حج تمتّع کند به عزم این که پس از احرام برود به عرفات و مشعر و حج بجا آورد و عمره را پس از آن بجا آورد احرام او باطل است، و باید در میقات تجدید احرام کند، و اگر از میقات گذشته است باید در صورت امکان برگردد به میقات و محرم شود، و الا از همانجا محرم شود، و اگر وارد حرم شده و ملتفت شد باید در صورت امکان از حرم خارج شود و محرم شود، و الا در همانجا محرم شود.

دوم: تلبیه یعنی لَبَّيْكَ گفتن، و صورت آن بنا بر اصح آن است که بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که پس از آنکه چهار «لَبَّيْكَ» را به صورتی که گفته شده گفت، بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و اگر بخواهد احتیاط بیشتر بکند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:
«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارِ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِيءِ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَغْنِي وَ يُفْتَقَرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَثَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِيكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةً إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَ بِلَاغُهَا عَلَيْكَ».

و در اینجا مسائلی است:

(۲۵۷)م- واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لَبَّيْكَ را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیر الاحرام در نماز واجب است.

(۲۵۸) م- اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند؛ یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد، دنبال او به طور صحیح بگوید.

(۲۵۹) م- اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید، احتیاط آن است که به هر نحو که می تواند بگوید، و ترجمه اش را هم بگوید، و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

(۲۶۰) م- اگر لَبَّيْكَ گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم نگفت، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان و احرام ببندد و لَبَّيْكَ بگوید و اگر نتواند برگردد به مقداری که می تواند به طرف میقات برود و آنجا لَبَّيْكَ را بگوید اگر داخل حرم نشده است. و اگر داخل حرم شده واجب است برگردد به خارج حرم و هرچه می تواند بطرف میقات رود و آنجا احرام ببندد و لَبَّيْكَ بگوید، و اگر ممکن نیست همانجا محرم شود و لَبَّيْكَ بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران، یادش آمد صحّت عمل بعید نیست.

(۲۶۱) م- اگر کسی لَبَّيْكَ واجب را نگفت چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی شود، و اگر آنچه در احرام موجب کفّاره می شود بجا آورد کفّاره ندارد، و همچنین اگر لَبَّيْكَ را به ریا باطل کند.

(۲۶۲) م- اگر بعد از گفتن لَبَّيْكَ واجب در میقات، فراموش کند که نیت عمره تمتّع کرده یا نیت حج تمتّع بنا بگذارد که نیت عمره تمتّع کرده، و عمره او صحیح است، و همچنین اگر بعد از لَبَّيْكَ گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتّع بگوید فراموش کرد که لَبَّيْكَ را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتّع گفته، و حج او صحیح است و

احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است.

(۲۶۳)م - جایز نیست لَیْکَ واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در مسأله ۲۱۴ ذکر شد، عمل کند.

(۲۶۴)م - واجب در لَیْکَ بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیادگفتن آن هر چه می تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید: «لَیْکَ اللهُمَّ لَیْکَ» یا تکرار کند «لَیْکَ» را فقط.

(۲۶۵)م - واجب است کسی که برای عمره تمتع محرم شده در وقتی که خانه‌های مکه پیدا می شود لَیْکَ را ترک کند و دیگر لَیْکَ نگوید، و مراد از خانه‌های مکه خانه‌های قدیمی مکه است، و واجب برای کسی که احرام حج بسته، آن است که لَیْکَ را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

سوم: پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «ردا» که باید آن را به دوش بیندازد، و احتیاط مستحب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لَیْکَ گفتن بپوشد و اگر بعد از لَیْکَ پوشید احتیاط آن است که لَیْکَ را دوباره بگوید.

(۲۶۶)م - لازم است که لنگ، ناف و زانو را بپوشاند.

(۲۶۷)م - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، و یکی را ردا قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، و لازم است که ردا شانه‌ها را بپوشاند.

(۲۶۸)م - احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفا نکند به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را ردا قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند.

(۲۶۹) م- در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

(۲۷۰) م- شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه حریر و غیر ماکول و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

(۲۷۱) م- لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد به طوری که بدن نما باشد، و احتیاط واجب آن است که ردا هم بدن نما نباشد.

(۲۷۲) م- احتیاط مستحب آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نباشد.

(۲۷۳) م- دو جامه‌ای که ذکر شد که باید محرم بیوشد، مخصوص به مرد است، ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود چه دوخته باشد یا نباشد ولی احتیاط مستحب است که حریر محض نباشد، چنانچه گذشت.

(۲۷۴) م- واجب است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

(۲۷۵) م- اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را کفاره ندارد.

(۲۷۶) م- احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد.

(۲۷۷) م- لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد.

(۲۷۸) م- افضل آن است که محرم اگر جامه احرام را عوض کرده وقتی

که وارد مکه می شود برای طواف همانجامه ای را که در آن محرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.

(۲۷۹)م - اگر محرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن، می تواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد، و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید به دوش بیندازد و نپوشد، و اگر اضطرار رفع نمی شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن می تواند بپوشد ولی بنا بر احتیاط واجب کفاره بدهد.

(۲۸۰)م - لازم نیست جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن، آنها را بکند، بلکه جایز است برای حاجت هر دو را بیرون بیاورد و برهنه شود.

(۲۸۱)م - شخص محرم می تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه ردا و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.

(۲۸۲)م - اگر لباس احرام را عمدتاً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می خواهد محرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی رساند و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

(۲۸۳)م - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه احرام گذاشتن و بانخ بستن نیز جایز است.

(۲۸۴)م - شرط نیست در احرام بستن، پاک بودن از حدث اصغر و

اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

(۲۸۵) م- اگر پیراهن بپوشد بعد از آنکه محرم شد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد، و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

(۲۸۶) م- اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات و نتواند جبران کند، احتیاط در بطلان عمره او است اگر چه صحّت آن به نظر بعید نیست، ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و یادش آمد عملش صحیح است.

مسائل متفرّقه احرام

(۲۸۷) س- کسی در وقت احرام این طور قصد می کند: مُحرم می شوم، یا احرام می بندم برای عمره تمتّع یا غیر آن، این احرام چه صورت دارد؟
ج- احرام صحیح است و در احرام بستن قصد احرام لازم است.

(۲۸۸) س- زنی قبل از احرام برای عمره تمتّع می دانست که عادت ماهانه او ده روز است و قبل از احرام حج، اعمال عمره تمتّع را نمی تواند انجام دهد، مع ذلک، نیت عمره تمتّع کرد، آیا در برگرداندن نیت احرام عمره تمتّع به حج افراد، باید چه کند؟
ج- نیت را به حج افراد برگرداند و اشکال ندارد، بلی اگر بالتفات به اینکه نمی تواند عمره تمتّع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست به نیت عمره تمتّع مُحرم شود، صحّت این احرام، بلکه حصول جدّ به آن، محلّ اشکال است.

(۲۸۹) س- مرد همامو لاً برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر

می‌بندند و یکی هم بر روی شانه‌ها می‌اندازند، ولی بعضی افراد برای این که موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلووار ندوخته از وسط پا عبور می‌دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می‌گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد.

(۲۹۰) س - آیا می‌شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب

گرفت یا خیر؟

ج - آخرس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم

حرکت دهد و به احتیاط واجب نایب نیز بگیرد.

(۲۹۱) س - کسی که در گذشته حج واجبش را انجام داده، و بنا دارد

حج مستحبی بجا آورد، ولی از روی ناآگاهی و یا فراموشی در نیت احرام عمره می‌گوید «احرام عمره تمتع از حج تمتع از حجة الاسلام می‌بندم قربة الی الله» آیا آوردن و در نیت داشتن حجة الاسلام، در حالی که حج مستحبی است، اشکالی دارد یا خیر؟

ج - اشکال ندارد.

(۲۹۲) س - اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، مُحرم

نمی‌شود، و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است یا نه؟

ج - چنانچه از روی عمد بوده صحیح نیست، و اگر عمدی نبوده و از

روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده، در فرض مرقوم صحّت عمل بعید نیست.

(۲۹۳) س - اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام

اعمال حج فهمید که صحیحاً مُحرم نشده است، آیا وظیفه او نسبت به سایر

اعمال، و همچنین عمره قبلی او چگونه است؟

ج - با فرض اینکه بعد از وقت جبران متوجه شده عمل او صحیح است، و احتیاط مستحب عدم اکتفا به این حج است.
(۲۹۴) **س -** ترجمه تلبیه (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ)

چیست؟

ج - ترجمه جمله مذکور چنین است: اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا، اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

(۲۹۵) **س -** لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد منبر است یا

وجوهای شرعی، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ج - با فرض شک، لازم نیست، هر چند احتیاط مطلوب است.

(۲۹۶) **س -** کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می‌کند و خودش

فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محرم نشده است و

باید در صورت امکان به میقات برگردد، و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود و هر مقدار که می‌تواند بطرف میقات برود و مجدداً محرم شود.

(۲۹۷) **س -** آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید

باشد

ج - مقدار واجب آن، دو جامه است و زیادتر مانعی ندارد.

مستحبات احرام

(۲۹۸) م - مستحبات احرام چند چیز است:

- ۱ - آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را ازاله نماید.
- ۲ - کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.
- ۳ - آنکه پیش از احرام، در میقات غسل احرام بنماید، و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را عاده نماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است، باز هم عاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را عاده نماید.
- ۴ - آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد.
- ۵ - آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد: در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر، و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد، سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ أَسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَأَوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَ

قَدْ ذَكَرْتُ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ نُقُوتِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ أَجْعَلَنِي مِنْ وَفِكَ الَّذِي رَضِيتَ وَ أَرْضِيتَ وَ سَمَّيتَ وَ كَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمَرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةَ فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخِّي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ».

۶- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَ أَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَّلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ جِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنَجَايَ وَ دُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي».

۷- آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد

آینده:

الف - وقت برخاستن از خواب.

ب - بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج - وقت رسیدن به سواره.

د - هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن.

ه - وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و - آخر شب.

ز - اوقات سحر.

جنب و حائض و نفساء نیز این تلبیه‌ها را بگویند.
و شخص متمتع تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آنکه
خانه‌های قدیمی مکه را ببیند، و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.

مکروهات احرام

- (۲۹۹)م - مکروهات احرام چند چیز است:
- ۱- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.
 - ۲- خوابیدن محرم بر رخت و بالش زرد رنگ.
 - ۳- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود
بہتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.
 - ۴- احرام بستن در جامه راه راه.
 - ۵- استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام
باقی بماند. اما اگر قصد زینت داشته اشکال دارد.
 - ۶- حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را باکیسه و مثل آن
نساید.
- اما احوط ترک لئیک گفتن محرم در جواب کسی است که او را صدا
نماید.

فصل سوم

محرّمات احرام

و آن چند امر است:

اول: شکار صحرائی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته

باشد از آزار آن. و در اینجا مسائلی است:

(۳۰۰م) - خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است چه خودش شکار

کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم.

(۳۰۱م) - نشان دادن شکار را به شکارچی حرام است و همین طور

اعانت او به هر نحوی حرام است.

(۳۰۲م) - اگر محرمی صید را ذبح کند در حکم میتة خواهد بود بنا بر

مشهور، و به احتیاط واجب هم درباره محرم و هم مُحل.

(۳۰۳م) - شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و

جوجه هر دو را در دریا کند.

(۳۰۴م) - ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و

گوسفند و شتر مانع ندارد.

(۳۰۵م) - پرندگان، جزء شکار صحرائی می باشند و ملخ نیز در حکم

شکار صحرائی است.

(۳۰۶) م - احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت

محرم را نداشته باشد.

(۳۰۷) م - نگاه داشتن صید حرام است اگرچه خودش مالک آن باشد.

(۳۰۸) م - اگر پرندۀ ای که نزد او است «پر» در نیآورده یا پر او را

چیده‌اند واجب است آن را حفظ کند تا پر در آورد و آن را رها کند، بلکه احتیاط واجب است حفظ بچه صید مثل آهو بزه تا بزرگ شود و آن را رها کند.

(۳۰۹) م - هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.

بدان که در شکار، احکام بسیار است و چون چندان محل حاجت نیست از بیان آنها خودداری شد.

دوم: جماع کردن با زن و بوسیدن و دست بازی کردن و همچنین در

آغوش گرفتن با شهوت، و نگاه به شهوت، بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن.

(۳۱۰) م - اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد با زن چه در

قُبُل و چه در دُبُر و یا با مرد جماع کند ظاهراً عمره اش باطل نشود و لکن موجب کفاره است که بیان آن می آید، و احتیاط مستحب است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه بجا آورد، و اگر وقت تنگ است حج افراد بجا آورد و بعد از آن عمره مفرده بجا آورد، و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند.

(۳۱۱) م - اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از

سعی مرتکب شود کفاره بر او واجب می شود، و کفاره بنابر احتیاط واجب یک شتر است چه ثروتمند باشد یا نباشد.

(۳۱۲)م- اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد بجا آورد
اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج او فاسد است مسلماً، و اگر بعد از
وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعر الحرام بوده، حج او فاسد است
بنابر اقوی، و در هر دو صورت کفاره آن یک شتر است.

(۳۱۳)م- در این دو صورت که حج فاسد شد باید حج را تمام کند و در
سال دیگر نیز حج بجا آورد.

(۳۱۴)م- اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و مشعر واقع شد دو
صورت دارد:

یکی آنکه قبل از تمام شدن شوط سوم طواف نساء مرتکب شده، در
این صورت حج او صحیح است، و فقط باید کفاره بدهد.
دوم آنکه بعد از تمام شدن شوط سوم طواف نساء مرتکب شده،
پس حج او صحیح است و کفاره هم ندارد بنابر اقوی.

(۳۱۵)م- اگر غیر زن خود را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر
است، و اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن یک گوسفند است. و احتیاط
مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد. ولی اگر زن خودش را با
شهوت ببوسد در صورت خروج منی یک شتر و بدون خروج منی یک
گوسفند کفاره بدهد.

(۳۱۶)م- اگر عمد آنگاه کند به غیر زن خود و انزالش شود اگر می تواند
یک شتر کفاره بدهد، و اگر نمی تواند یک گاو، و اگر آن را هم نمی تواند
یک گوسفند کفاره بدهد.

(۳۱۷)م- اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود
یک شتر کفاره بدهد، ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد.

(۳۱۸)م- اگر کسی با زن دست بازی کند به شهوت و انزالش نشود یک
گوسفند کفاره آن است، و اگر انزالش شود احتیاط آن است که یک شتر

کفّاره بدهد اگرچه کفایت گوسفند، خالی از قوّت نیست.
 (۳۱۹)م - هر یک از این امور که موجب کفّاره است اگر با جهل به
 مسأله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود به عمره و حج او ضرر
 نمی‌رساند و بر شخص کفّاره نیست.

(۳۲۰)م - اگر مردی بازن خود که مُحرم است از روی اجبار جماع کند،
 بر زن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفّاره خود کفّاره زن را هم بنا بر
 احتیاط واجب بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفّاره بر خود
 اوست، و مرد باید کفّاره خودش را بدهد، و کفّاره‌ای که باید بدهند
 گذشت.

سوم: عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا
 نبسته باشد و مُجَل باشد.

(۳۲۱)م - جایز نیست شخص محرم شاهد شود از برای عقد، گرچه آن
 عقد برای غیر محرم باشد.

(۳۲۲)م - احتیاط آن است که شهادت ندهد بر عقد اگرچه شاهد عقد
 شده باشد، در حال محرم نبودن، اگرچه جایز بودن آن خالی از قوّت
 نیست.

(۳۲۳)م - اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز
 است. و احتیاط در ترک است.

(۳۲۴)م - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.
 (۳۲۵)م - اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله،
 آن زن بر او حرام دائمی می‌شود.

(۳۲۶)م - اگر زنی را با جهل به مسأله برای خود عقد کند عقدی که
 کرده است باطل است، لکن حرام دائمی نمی‌شود، ولی احتیاط آن است

که آن زن را نگیرد خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.
م (۳۲۷) - ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه ای نیست در احکامی که ذکر شد.

م (۳۲۸) - احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند او را، با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را، و در صورت علم به مسأله او را طلاق دهد، و با او هیچ وقت ازدواج نکند.

م (۳۲۹) - اگر کسی زنی را برای مُحرمی عقد کند و مُحرم دخول کند، اگر هر سه عالم به حکم و موضوع باشند بر هر کدام یک شتر کفّاره است، و اگر دخول نکند کفّاره نیست، و در این حکم فرق نیست بین آن که زن و عاقد مُجَلِّ باشد یا مُحرم، و اگر بعضی از آنها حکم را می دانند و بعضی نمی دانند بر آنکه می داند کفّاره است.

چهارم: استمناء یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن به دست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا دیگری به هر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود کفّاره آن یک شتر است، اما استمناء موجب بطلان عمره یا حج نمی شود.

پنجم: استعمال عطریات است از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق هر قسم که باشد.
و در اینجا چند مسأله است:

م (۳۳۰) - مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همین طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد اگرچه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد.

م (۳۳۱) - خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می دهد مثل زعفران جایز نیست.

(۳۳۲) م- اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می دهد اضطراب پیدا کند بنا بر احتیاط واجب بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

(۳۳۳) م- بنا بر احتیاط واجب از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می دهد اجتناب کند، مگر بعضی انواع که صحرایی است، مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزومی» که می گویند از خوشبوترین گلها است.

(۳۳۴) م- بنا بر احتیاط واجب از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند.

(۳۳۵) م- از میوه های خوشبو از قبیل سیب و به، اجتناب لازم نیست، و خوردن و بویدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط آن است که بویدن را ترک کند.

(۳۳۶) م- اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

(۳۳۷) م- خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.

(۳۳۸) م- کفّاره استعمال بوی خوش، یک گو سفند است بنا بر احتیاط واجب.

(۳۳۹) م- مشهور آن است که استعمال «خلوق کعبه» - که کعبه را به آن خوشبو می کنند - حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست احتیاط مستحب آن است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است.

(۳۴۰) م- اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد در وقت واحد بعید نیست یک گو سفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدّد است، و اگر در اوقات متعدّد استعمال کرد احتیاط ترک نشود، و اگر بعد از استعمال کفّاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفّاره بدهد.

ششم: پوشیدن چیز دوخته مثل پیراهن و زیرجامه و قبا و امثال آنها.

و در اینجا چند مسأله است:

(۳۴۱)م- چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهن هایی که با چرخ یا دست می بافند یا چیزهایی را که با نمد، به شکل بالا پوش می مانند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن، جایز نیست پوشیدن آنها.

(۳۴۲)م- بنا بر احتیاط مستحب از مطلق دوخته اجتناب کند هر چند کم باشد، مثل کمر بند دوخته و شب کلاه.

(۳۴۳)م- همیانی را که در آن پول می گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد، هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی گره باشد.

(۳۴۴)م- فتنی بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد و کفاره ندارد.

(۳۴۵)م- اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد.

(۳۴۶)م- جایز است گره زدن لباس احرام را، ولی احتیاط در گره نزدن است، و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.

(۳۴۷)م- جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند، گرچه احتیاط در ترک است.

(۳۴۸)م- از برای زنها جایز است لباس دوخته هر قدر می خواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زنه‌های عرب در آن پنبه می گذاشتند و دست می کردند برای حفظ از سرما.

(۳۴۹)م- کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است.

(۳۵۰)م- اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا

برای هر یک باید کفّاره بدهد اگر تعدّد پوشیدن صدق کند، و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید، باز برای هر یک کفّاره بدهد.

(۳۵۱) م - اگر از روی اضطرار لباسهای متعدّد پوشید، کفّاره ساقط نمی شود مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

(۳۵۲) م - اگر یک قسم لباس بپوشد مثل پیراهن و کفّاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده، بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفّاره بدهد.

(۳۵۳) م - احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد، مثل چند قبا یا چند پیراهن، چه در یک مجلس یا در چند مجلس، اگر تعدّد پوشیدن صدق کند برای هر کدام کفّاره بدهد.

هفتم: سر مه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد، هر چند قصد زینت نکند، و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سر مه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنا بر اقوی حرام است.
و در اینجا چند مسأله است:

(۳۵۴) م - حرام بودن سر مه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

(۳۵۵) م - در سر مه کشیدن کفّاره نیست، لکن اگر در سر مه بوی خوش باشد احتیاط کفّاره دادن است.

(۳۵۶) م - در صورتی که احتیاج داشته باشد به سر مه کشیدن، مانعی ندارد.

هشتم: نگاه کردن در آینه.

و در اینجا چند مسأله است:

(۳۵۷)م - در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

(۳۵۸)م - نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن

پیدا است و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.

(۳۵۹)م - عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت

محسوب شود جایز نیست.

(۳۶۰)م - در نظر کردن به آینه کفاره نیست لکن مستحب است که بعد

از نگاه کردن لبتیک بگوید.

(۳۶۱)م - اگر در اتاقی که ساکن است آینه باشد و بدانند که گاهی چشم

او سهواً به آینه می افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آن را

بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

(۳۶۲)م - جایز نیست در آینه به خودش نگاه کند، اما اگر شخص یا

چیز دیگری را نگاه کند یا به خود آینه نگاه کند اشکال ندارد.

نهم: پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و آنچه شبیه به کفش و

جوراب باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

(۳۶۳)م - این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.

(۳۶۴)م - اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می گیرد

احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.

(۳۶۵)م - در پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد کفاره نیست.

دهم: فسوق است و آن اختصاص به دروغ گفتن ندارد. بلکه فحش

دادن و فخر کردن به دیگران نیز فسوق است. برای فسوق کفاره نیست و فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

یازدهم: جدال است و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است.

و در اینجا چند مسأله است:

(۳۶۶) م - آنکه گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات مترادف آن مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد، بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

(۳۶۷) م - قسم اگر به لفظ «الله» باشد یا مترادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال است، و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

(۳۶۸) م - احتیاط مستحب الحاق سایر اسماء الله به لفظ جلاله است، پس اگر کسی قسم بخورد به «رحمان» و «رحیم» و «خالق سماوات و ارض»، جدال محسوب می شود به احتیاط واجب.

(۳۶۹) م - در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن و نیز برای اظهار محبت و اکرام مؤمن جایز است قسم بخورد.

(۳۷۰) م - اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در سه مرتبه کفاره باید بدهد، و کفاره آن یک گوسفند است.

(۳۷۱) م - اگر در جدال دروغگو باشد در مرتبه اول يك گوسفند و در مرتبه دوم يك گوسفند دیگر و در مرتبه سوم يك گاو کفاره دهد.

(۳۷۲) م - اگر در جدال به دروغ در دفعه اول يك گوسفند کفاره ذبح

کرد اگر بعد از آن جدال کند به دروغ کفاره آن یک گوسفند است.
(۳۷۳)م- اگر به دروغ دو مرتبه جدال کرد و دو گوسفند برای کفاره ذبح نمود، و باز یک مرتبه دیگر جدال به دروغ کرد، ظاهراً یک گوسفند کفاره اوست. و اگر بعد از ذبح گوسفند دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً یک گوسفند کفاره آن است.

(۳۷۴)م- اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه هر چند باشد یک گوسفند کفاره است مگر آنکه بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند.

(۳۷۵)م- اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند کفاره یک گاو است ظاهراً، مگر آنکه پس از سه مرتبه یا زیادتر، کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گوسفند دیگر و در دفعه سوم گاو بعنوان کفاره است.

دوازدهم: کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند مثل شپش و کک
و کنه که در بدن حیوان است.

(۳۷۶)م- انداختن شپش و کک از بدن جایز نیست.

(۳۷۷)م- نقل دادن آن از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد جایز است، هر چند احتیاط به ترک این کار خوب است.

(۳۷۸)م- احتیاط مستحب آن است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظ تر باشد.

(۳۷۹)م- بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن کفاره نباشد، لکن احتیاطاً یک کف از طعام صدقه بدهد.

سیزدهم: انگشتر به دست کردن به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد.

و در اینجا چند مسأله است:

(۳۸۰م) - اگر انگشتر به دست کند نه برای زینت و نه برای استحباب مثل آن که برای خاصیتی به دست کند اشکال ندارد.

(۳۸۱م) - احتیاط واجب آن است که محرم «حنا» برای زینت نبندد بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند، احتیاط در ترک است بلکه حرمت آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست.

(۳۸۲م) - اگر قبل از احرام می خواهد «حنا» ببندد در صورتی که می داند اثرش تا حال احرام باقی می ماند بنابر احتیاط واجب از آن خودداری کند.

(۳۸۳م) - انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

چهاردهم: پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.

و در اینجا چند مسأله است:

(۳۸۴م) - اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.

(۳۸۵م) - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.

(۳۸۶م) - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید به مرد نشان دهد حتّی به شوهر خود.

(۳۸۷م) - پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.

پانزدهم: روغن مالیدن است به بدن.

و در آن چند مسأله است:

(۳۸۸)م- احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگرچه بوی خوش در آن نباشد.

(۳۸۹)م- جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام اگر اثرش باقی می ماند تا وقت احرام.

(۳۹۰)م- اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.

(۳۹۱)م- خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

(۳۹۲)م- اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.

(۳۹۳)م- اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن یک گوسفند است، اما در حال اضطرار کفاره ندارد.

شانزدهم: ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه مُحرّم باشد چه مُجَل.

و در آن چند مسأله است:

(۳۹۴)م- در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.

(۳۹۵)م- ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد، مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می کند.

(۳۹۶)م- اگر در وقت غسل یا وضو مویی بدون قصدکنده شود اشکال ندارد.

(۳۹۷)م- در ازاله مو فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

(۳۹۸) م- کفّاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد دوازده «مُد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. و «مُد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.
(۳۹۹) م- اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد واجب است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

(۴۰۰) م- اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، اما اگر از زیر یک بغل ازاله مو کند کفّاره آن اطعام سه مسکین است.

(۴۰۱) م- واجب است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن کفّاره تراشیدن را بدهد.

(۴۰۲) م- اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.

هفدهم: پوشانیدن مرد است سر خود را به هر چه او را بپوشاند.

و در اینجا چند مسأله است:

(۴۰۳) م- احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهای غیر پوششی هم نپوشاند، مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.

(۴۰۴) م- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.

(۴۰۵) م- جایز است به بعض بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آن که دستها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترک است.

(۴۰۶) م- جایز نیست سر را زیر آب کند بلکه بنا بر احتیاط مستحب زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن نیز نکند.

(۴۰۷) م- در حکم سر است بعض سر، پس نباید بعض سر را هم

پوشاند و نه زیر آب کند، و بنا بر احتیاط مستحب زیر مایع دیگری نیز نکند.

(۴۰۸) م- گوشها بنا بر احتیاط واجب از سر محسوب می شود؛ پس نباید آنها را پوشانید.

(۴۰۹) م- پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

(۴۱۰) م- گذاشتن بند خیک آب بر سر از حکم پوشش استثنا شده و مانع ندارد.

(۴۱۱) م- دستمالی را که برای سردرد به سر می بندد عیب ندارد.

(۴۱۲) م- گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

(۴۱۳) م- اگر پارچه ای را روی کمانی بیندازند، به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کنند برای حفظ از پشه مانعی ندارد و همچنین رفتن در پشه بند اشکال ندارد.

(۴۱۴) م- زیر دوش حمام رفتن برای مُحرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فراگیرد جایز نیست.

(۴۱۵) م- اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشک کند، و بعضی سر هم در حکم همه است.

(۴۱۶) م- در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند، و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند، و همین طور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.

(۴۱۷) م- در پوشاندن سر چه کل سر چه بعضی آن کفاره واجب نیست اگر چه موافق احتیاط استحبابی است.

هیجدهم: پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و روبند و برقع.

و در اینجا چند مسأله است:

(۴۱۸) م- پوشانیدن رو را به هر چیز اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جائز نیست بنا بر احتیاط، و جایز نیست با بادبزنی روی خود را بپوشاند.

(۴۱۹) م- بنا بر احتیاط واجب بعضی رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند.

(۴۲۰) م- اگر دستهای خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.

(۴۲۱) م- اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

(۴۲۲) م- واجب است برای نماز سر را بپوشاند، و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند، لکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

(۴۲۳) م- جایز است برای روی گرفتن از نامحرم چادر یا جامه راکه به سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن، و چیزی بر او نیست.

(۴۲۴) م- بهتر آن است که آن چیزی راکه در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به صورت نجسبند، بلکه این کار احوط است.

(۴۲۵) م- بعضی برای دور نگه داشتن جامه را از صورت، کفاره لازم دانسته‌اند، و آن احوط است گرچه اقوی واجب نبودن آن است.

(۴۲۶) م- در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است.

نوزدهم: سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود.

و در اینجا چند مسأله است:

(۴۲۷)م - سایه قرار دادن جایز نیست از برای مردان، و برای زنها و

بیچه‌ها جایز است، و کفاره هم ندارد.

(۴۲۸)م - حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص به حال منزل

طی کردن است، و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگرچه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن.

(۴۲۹)م - فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن

منزل بین آن که در محملی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سرپوشیده یا در هواپیما یا زیر سقف کشتی باشد.

(۴۳۰)م - احتیاط آن است که در وقت طی منزل، به پهلوئی محمل یا هر

چیزی که بالای سر او باشد استظلال نکند، اگرچه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

(۴۳۱)م - کسانی که از تهران یا جای دیگر می‌خواهند به مکه مشرف

شوند با هواپیما، اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران، نذر آنها صحیح است و باید محرم شوند، اما اگر می‌دانند که در صورت چنین نذری به محرمات احرام مبتلا می‌شوند صحّت نذر آنها محلّ اشکال است.

(۴۳۲)م - کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود باید

محرم شود، و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه در طی منزل قرار نگیرد. و اگر راهی نباشد که در طول روز زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر، صحّت نذر او محلّ اشکال

است.

(۴۳۳) م - کسانی که می خواهند با هواپیما به مکه بروند لازم است با هواپیما به مدینه بروند، و از آنجا در مسجد شجره محرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آنکه بروند جدّه به قصد رفتن به جحفه و در صورت امکان بروند به جحفه و از آنجا محرم شوند و با اتومبیل بی روپوش بروند به مکه معظمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت با نذر از جدّه محرم شوند. و بهتر آن است که در «حدّه» هم که بین جدّه و مکه است تجدید احرام کنند.

(۴۳۴) م - نشستن در زیر سقف در حال طیّ منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید نیست. بنابراین بعید نیست جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می کند.

(۴۳۵) م - در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن فرق نیست بین سواره و پیاده.

(۴۳۶) م - کسانی که کشتی سوار می شوند در حال احرام زیر سقف آن نباید بروند، لکن در کنار دیوار کشتی که سایه است اشکالی ندارد.

(۴۳۷) م - استظلال در وقت طیّ منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید کفّاره بدهد.

(۴۳۸) م - کفّاره سایه قرار دادن در حال طیّ منزل یک گوسفند است چه با عذر سایه افکننده باشد چه با اختیار.

(۴۳۹) م - اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره، هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد، و یک گوسفند است در احرام حج، هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد.

بیستم: بیرون آوردن خون است از بدن خود.

و در اینجا چند مسأله است:

(۴۴۰)م- بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا

دندان او را کشیدن حرام نیست.

(۴۴۱)م- جایز نیست به مثل خراشیدن بدن خون از آن بیرون آورد، و

همین طور به مسواک نمودن، خون از بن دندانها بیرون آورد.

(۴۴۲)م- جایز است در حال احتیاج خون بگیرد به حجامت و غیر آن،

و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جرب را

خاراندن در صورتی که موجب آزار است، اگرچه از آن خون در آید.

(۴۴۳)م- خون از بدن در آوردن کفاره ندارد.

بیست و یکم: ناخن گرفتن.

و در آن چند مسأله است:

(۴۴۴)م- جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار

شود، مثل آن که بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.

(۴۴۵)م- جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جایز نیست ناخن

دست را بگیرد.

(۴۴۶)م- فرقی نیست بین آلات ناخن گیری قیچی باشد یا چاقو یا

ناخن گیر، و احتیاط واجب آن است که ازاله ناخن نکند به هیچ وجه حتی

به سوهان و دندان.

(۴۴۷)م- اگر انگشت زیادی داشته باشد بنا بر احتیاط واجب جایز

نیست ناخن آن را بگیرد، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط

آن است که ناخن آن را نگیرد.

(۴۴۸)م- اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مُدّ طعام باید کفاره

بدهد، و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مُدّ طعام بدهد، و همچنین در ناخنهای پا.

(۴۴۹)م- اگر تمام ناخن دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفّاره آن است.

(۴۵۰)م- اگر ناخن دستها را تماماً بگیرد در یک مجلس یا چند مجلس و در محلّ دیگر یا چند محلّ دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفّاره آن است.

(۴۵۱)م- اگر تمام ناخن دستها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخنهای پا یک مُدّ طعام باید بدهد و همچنین است اگر ناخن پاها را بگیرد تماماً و ناخن دستها را کمتر از ده بگیرد.

(۴۵۲)م- اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست، برای هر یک باید یک مدّ طعام کفّاره بدهد، و همچنین است اگر کمتر از ده، در هر یک از دست و پا بگیرد برای هر یک باید کفّاره بدهد.

(۴۵۳)م- کسی که بیشتر از ده ناخن دارد اگر تمام را بگیرد باید یک گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای ناخن زیادی از ده تا، برای هر یک، یک مُدّ طعام کفّاره بدهد.

(۴۵۴)م- اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد ده ناخن اصلی را بگیرد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند بدهد، و اگر بعضی از ناخنهای اصلی را و بعضی از ناخنهای زیادی را بگیرد برای ناخنهای اصلی یک مُدّ طعام بدهد و برای زیادها احتیاط مستحب آن است که کفّاره بدهد.

(۴۵۵)م- اگر تمام ناخنهای دست را گرفت و کفّاره آن را داد و بعد در همان مجلس ناخنهای پا را تماماً گرفت باید یک گوسفند دیگر کفّاره بدهد.

(۴۵۶)م- اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هر یک، یک مُد طعام باید بدهد، و احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند ذبح کند.

(۴۵۷)م- اگر محتاج باشد به گرفتن ناخن احتیاط واجب آن است که کفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.

بیست و دوم: گندن دندان است هر چند خون نیاید بنا بر احتیاط مستحب، و احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

بیست و سوم: گندن یا بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد. و در اینجا چند مسأله است:

(۴۵۸)م- اگر گیاه یا درختی در منزل محرم روییده باشد بعد از آنکه منزل او شده پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آن را بکند.

(۴۵۹)م- اگر درختی در منزل او روییده، بعد از آنکه منزل او شده، لکن خودش آن را نکاشته باشد احتیاط آن است که آن را قطع نکند، گرچه اقوی جواز است.

(۴۶۰)م- اگر گیاهی در منزل او روییده، بعد از آنکه منزل او شده و خودش آن را نکاشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را قطع نکند.

(۴۶۱)م- اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است نباید آن را قطع کند.

(۴۶۲)م- درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می تواند آنها را قطع کند، و در گیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از این حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

(۴۶۳)م- اگر درختی را که جایز نیست کندنش، بکند باید قیمت آن را

بعنوان کفّاره صدقه دهد.

(۴۶۴) م - اگر بعض درخت را قطع کند باید قیمت آن را کفّاره بدهد.

(۴۶۵) م - در قطع گیاه‌ها، بجز استغفار کفّاره نیست.

(۴۶۶) م - جایز است شتر خود را بگذارد که علف بخورد، یا اینکه

خودش برای او قطع کند.

(۴۶۷) م - آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم، مختص به مُحرم

نیست بلکه برای همه ثابت است.

(۴۶۸) م - اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود

اشکالی ندارد.

بیست و چهارم: سلاح در برداشتن بنا بر اقوی مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و

هرچه از آلات جنگ باشد، مگر برای ضرورت. و مکروه است سلاح را

همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد و ظاهر باشد، و احوط ترک آن

است.

مسائل متفرّقه محرّمات احرام

(۴۶۹) م - جایز است حاجی در حال احرام برای سردرد دستمالی به

دور سر ببندد اگر چه تمام سر را بگیرد.

(۴۷۰) م - آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است.

بنابراین اگر ماشین از زیر پلهایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار

محرمین از زیر پلها عبور کنند و یا در محلّ بنزین در زیر سقف متوقّف

شود و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی شود و کفّاره ندارد.

(۴۷۱) م - شخصی که با ماشین مسقّف رانندگی می کند باید در هر

احرام یک گوسفند کفّاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفّاره تکرار

نمی‌شود. و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

(۴۷۲)م - پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد در حال احرام مانعی ندارد.

(۴۷۳)م - در شب، استظلال نیست بنابراین جایز است محرم در شب با ماشین سقف‌دار به مکه برود ولی در هوای ابری در روز جایز نیست مگر ابر به طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند.

(۴۷۴)م - جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر محرم شود، ولی اگر در طول روز زیر سقف سفر می‌کند و موقع نذر کردن متوجه این مطلب می‌باشد، صحت نذر محل اشکال است.

(۴۷۵)م - تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد، ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت.

(۴۷۶)م - در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن، منظور سایه‌ای است که با شخص حرکت می‌کند مثل چتر و ماشین مسقف، اما سایه ثابت مثل پل و غیره اشکالی ندارد، و فرقی بین اجبار و اختیار نیست.

(۴۷۷)م - کسی که حجش را باطل کند اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده از احرام خارج شده و گرنه در احرام باقی است.

(۴۷۸)م - بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند می‌تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشینهای مسقف سوار شود یا زیر سایه برود.

(۴۷۹)س - آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج - بنا بر احتیاط واجب جایز نمی‌باشد.

(۴۸۰)س - اگر از روی علم و عمد در احرام حج، قبل از وقوف عرفه با زوجه خود جماع نماید مسلماً حج او باطل است، و قبل از وقوف مشعر

الحرام هم بنابر اقوی باطل است و کفّاره دارد و بعد از اتمام در سال آینده اعاده کند، آیا در صورت جهل چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - در صورت جهل، عمل او صحیح است و کفّاره هم ندارد.
(۴۸۱) س - آیا شوهر پس از مُحل شدن می‌تواند زوجه محرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج - بر مرد مزبور منعی نیست، ولی اگر زن نیز لذّت می‌برد، در فرض سؤال نباید حاضر شود علی‌الحوط.

(۴۸۲) س - فردی که از احرام درآمده، زنش را که محرم است می‌بوسد اگرچه زن راضی نیست. این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ج - اگر زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست، اما مرد بنابر احتیاط واجب يك گوسفند کفّاره بدهد.

(۴۸۳) س - صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد، آیا می‌شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج - اگر صدق بوی خوش می‌کند، از آن اجتناب کنند، و در غیر این صورت مانع ندارد.

(۴۸۴) س - حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می‌شود، برای محرم چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

(۴۸۵) س - در مورد نظر کردن در آینه، گاهی نگاه می‌کند که خود را ببیند، و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا برای محرم فرق می‌کند و یا یکسان است؟

ج - در صورتی که به خودش نگاه کند حرام است.

(۴۸۶) س - در حال احرام عده‌ای از همدیگر عکس می‌گیرند، و در دوربین عکّاسی که آینه است و یا حالت شفاف و آینه ماندی دارد نظر

می‌کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج - اشکال ندارد.

س (۴۸۷) - آیا سوگند معمولی در حال احرام اشکال دارد، همانند

سوگندهای روزمره مردم کوچه و بازار؟

ج - قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست.

س (۴۸۸) - بعضی به علت عرق سوز شدن بدن، احتیاج به پمادی دارند

که چربی دارد. آیا مُحرم می‌تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج - نمی‌تواند مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر

مورد ضرورت، مگر آنکه بوی خوش داشته باشد، که کفاره آن یک

گوسفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد.

س (۴۸۹) - در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و

صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج - فرقی نمی‌کند به شرط آنکه دست کشیدن عمدی باشد.

س (۴۹۰) - اگر غیر مُحرم از مُحرم، ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که

بر مُحرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر مُحرم به اختیار خود حاضر شود که مثلاً محلی سر او را

بتراشد، حرام است و باید کفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد

کفاره ندارد، حتی بر محل مزبور.

س (۴۹۱) - آیا تراشیدن سر غیر کفاره دارد؟ اگر مویی عمدتاً از غیر

بکند چطور؟ اگر دست به سر دیگری بکشد و مویی بیفتد چطور؟

ج - در هیچ یک از موارد فوق کفاره نیست.

س (۴۹۲) - مُحرم سرش تراست، اگر بخواهد صبر کند تا خودش

خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می‌کند و نمازش قضا می‌شود، آیا

وظیفه اش تیمم است؟

ج - اگر می‌تواند با دست سر را خشک کند به نحوی که رطوبت دست

بر رطوبت سر غالب شود این کار را بکند، و الا احتیاطاً همین طور وضو بگیرد و تیمم هم بکند.

س (۴۹۳) - کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج مُحرم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟
ج - ضرر به عمره و حج ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته مرتکب حرام شده است.

س (۴۹۴) - با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزء صورت محسوب می شود و باید باز باشد یا اینکه اگر مقنعه ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لبها پیوشاند مانعی ندارد؟
ج - زیر چانه جزء صورت محسوب نمی شود، ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد.

س (۴۹۵) - آیا زن مُحرم می تواند صورت خود را با حوله پاک کند، یا حکم سر مرد را دارد که نمی تواند روی آن را پیوشاند؟
ج - احتیاط مراعات شود.

س (۴۹۶) - زنها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، صورتشان پوشیده می شود، چه صورت دارد؟
ج - باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

س (۴۹۷) - فرموده اید که مُحرم از منزل تا مسجد الحرام می تواند زیر سقف برود، آیا کسانی که در مسجد الحرام برای حج مُحرم می شوند می توانند در مکه زیر سقف باشند؟
ج - تا عرفاً در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می توانند استظلال نمایند.

س (۴۹۸) - کسی که از تنعیم مُحرم می شود استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج - چون تنعیم جزو مکّه شده و مکّه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد.

(۴۹۹) س - میقات عمره مفرده در خود مکّه واقع شده است، آیا کسی که در آنجا برای عمره مفرده احرام بست می تواند در اتوبوس سقف دار سوار شود یا خیر، با توجه به اینکه محلّ سکونت او مکّه است؟
ج - در فرض مذکور مانع ندارد.

(۵۰۰) س - افرادی که از مسجد شجره مُحرم شدند و شبانه برای مکّه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدّتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، کفّاره دارد یا خیر، و الآن که ایستادند و می خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟
ج - کفّاره واجب نیست.

(۵۰۱) س - در حال احرام وقتی ماشینهای بی سقف حرکت می کند و سفر انجام می شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟
ج - مانع ندارد.

(۵۰۲) س - کسانی که از مسجد الحرام برای حج مُحرم می شوند و از مسجد الحرام در ماشین سقف دار سوار می شوند و مثلاً در عزیزیه که منزل ایشان است پیاده می شوند، آیا سوار شدن در اتومبیل سقف دار از مسجد الحرام به منزل چه صورت دارد، و اگر پیاده نشوند و از اوّل قصد عرفات داشته باشند حکم چیست؟

ج - در فرض اوّل مانع ندارد، و در فرض دوم احتیاط کنند.
(۵۰۳) س - اینجانب یکی از خدمه کاروان حج هستم، بعد از درک عرفات به اتفاق مدیر کاروان و معاون و اینجانب و بانوان کاروان در یک

اتوبوس سر بسته قرار گرفتیم و برای درک اضطراری مشعر الحرام رفته و چون در مسیر مزدلفه به منی به راه بندان برخوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سر بسته بودم، ناگاه به یادم آمد که نباید در زیر طاق اتوبوس قرار بگیرم، چند دقیقه‌ای با علم به اینکه اتوبوس سر پوشیده است مانده و پس از توقف اتوبوس بر اثر راه بندان پیاده شدم، و مابقی راه را تا محل چادر کاروان در منی پیاده طی نمودم، لذا از محضر آن بزرگوار تقاضا دارم بفرماید:

۱- آیا کفاره تعلق می‌گیرد یا نه؟

۲- در صورتی که تعلق گرفته باشد باید حتماً در منی ذبح گردد؟

۳- در حالی که اکنون در تهران هستم آیا می‌توانم قربانی را در محل

اقامت ذبح نمایم؟

۴- در صورتی که خدمه کاروان بودم به دستور مدیر گروه برای

کمک نمودن به بانوان مسن برای رمی جمره عقبه عازم منی بودم و از خود استقلال نداشتم، آیا وجه این گوسفند را چه کسی باید پردازد؟ ستاد حج، مدیر گروه یا اینجانب؟

۵- چنانچه ستاد حج تقبل نموده باشد ذبح را، آیا از گردن اینجانب

ساقط می‌گردد یا نه؟

ج- باید قربانی کنید، و اگرچه باید در منی ذبح نمایید لکن ذبح در

محل خودتان هم برای کفاره کفایت می‌کند، و می‌توانید به مسئولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند، و در این صورت ذبح آنها هم کافی است، ولی بدون نیابت صحیح نیست.

(۵۰۴)س- آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش

عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می‌شود؟

ج- فرقی نمی‌کند.

ج (۵۰۵)س - آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می باشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق می کند؟

ج - صدق نمی کند.

ج (۵۰۶)س - آیا استظلال فقط مربوط به سقف می باشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم می شود؟

ج - شامل نمی شود.

ج (۵۰۷)س - آیا در عرفات هم مثل منی می شود زیر چتر حرکت کرد یا حکم عرفات غیر از حکم منی است؟

ج - زیر چتر حرکت کردن در عرفات اشکال ندارد.

ج (۵۰۸)س - در شهر مکه تونلهایی احداث کرده اند که طولش بیش از ۱۵۰۰ قدم می باشد آیا بعد از احرام حج می شود داخل آن با اتومبیل سفر کرد با علم به اینکه مسقف است؟

ج - مانع ندارد. حتی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود اشکال ندارد.

ج (۵۰۹)س - آیا مُحرم به محض وصول به مکه می تواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج - مکه منزل است، و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.

ج (۵۱۰)س - اخیراً از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات، مسقفی را درست کرده اند، آیا عبور از این راه برای مُحرمی که هنوز منزل نکرده و از مشعر مستقیم به جمرات می رود. جایز است یا نه؟

ج - مانع ندارد.

ج (۵۱۱)س - آیا گرفتن ناخن توسط مُحرم از غیر مُحرم جایز است؟

ج - اشکال ندارد.

ج (۵۱۲)س - آیا مُحرم می تواند ناخن مُحرم دیگر را به قصد تقصیر

بگیرد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

(۵۱۳) س - کندن دندان که بر مُحرم حرام است مقصود دندان خودش می‌باشد یا شامل دندان غیر هم می‌شود؟ و در فرض حرمت، در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

ج - شامل دندان غیر نمی‌شود، هر چند خون از آن بیرون آید.
(۵۱۴) س - آیا در حال احرام می‌توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می‌کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خون ریزی شود؟

ج - اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولی احتیاطاً کفاره بدهد، هر چند اقوی عدم لزوم کفاره است.

(۵۱۵) س - هرگاه مُحرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند آیا یک کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

ج - یک کفاره کافی است برای لباس دوخته و پوشیدن سر کفاره ندارد. و اگر از روی جهل و نسیان بوده کفاره ندارد.

(۵۱۶) س - در بین مردم معروف است که مُحرم نباید به کسی دستور بدهد، مثلاً نباید به کسی بگوید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهید و باید خودش بردارد، آیا اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکند گناه کرده است یا نه؟ و در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

مستحبات دخول حرم

(۵۱۷) م - برای داخل شدن در حرم اموری مستحب است:

۱. همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

۲. برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق - جل و علا - پابرهنه شده و کفشهای خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳. وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ». اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَفَدَّ جَنَّتِي مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجَّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي مِنَ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴ - وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

مستحبات دخول مکه معظمه

(۵۱۸) م - برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل

بنماید. و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب دخول مسجد الحرام

(۵۱۹) م - مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از «باب بنی شیبه» وارد شود، و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل «باب السلام» است. بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد.

و مستحب است بر درب مسجد الحرام ایستاده، بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ اللَّهُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ أَحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُؤَارِهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَا تَبِيَّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ

مَأْتِي وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفُوًا أَحَدٌ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس می گوید:

«وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ أَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده و

بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَ فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُكَ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب می کند به سوی کعبه و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بِعِبَادَةِ

الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجر الاسود افتاد توجه به سوی او کند و

بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَى وَأَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ سَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أَصَدِّقُ رُسُلَكَ وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالاسود

رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و صلوات

بر پیغمبر ﷺ بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند، پس

از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و

اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتَ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ سُبْحَتِي وَ

أَعْفِرْ لِي وَ أَرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي

الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

فصل چهارم

طواف

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.

و در اینجا چند مسأله است:

(۵۲۰) م- طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

(۵۲۱) م- طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.

(۵۲۲) م- چنین کسی که عمره خود را باطل کرد، احوط آن است که حج افراد بجا آورد و پس از آن عمره بجا آورد و حج را در سال بعد اعاده کند.

(۵۲۳) م- وقت فوت طواف وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره بجا آورد نتواند وقوف به عرفات کند.

(۵۲۴) م - اگر از روی سهو ترک کرد طواف را، لازم است آن را بجا آورد هر وقت که باشد، و اگر برگشته به محلّ خود و نتواند برگردد به مکّه یا مشقّت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.
(۵۲۵) م - اگر سعی را بجا آورده پیش از آنکه طواف را بجا آورد اقوی آن است که سعی را هم بعد از طواف بجا آورد، و اگر نماز طواف را بجا آورده باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند.

(۵۲۶) م - اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند اگرچه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.
(۵۲۷) م - شخص مریض را که طواف می دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند.

واجبات طواف

و آن دو قسم است:

قسم اوّل

چیزهایی که شرط طواف است

و آن پنج امر است:

اوّل: نیت است یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد.

و در اینجا چند مسأله است:

(۵۲۸) م - نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذراند، بلکه همان که بنا دارد این عمل را بجا آورد و با این بنا بجا آورد، کفایت می کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این

جهت فرق ندارد، پس همان طور که انسان با قصد آب می خورد و راه می رود عبادت را اگر همان طور بجا آورد با نیت بجا آورده.

(۵۲۹)م- باید عبادت را برای اطاعت خدا بجا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند بجا آورد.

(۵۳۰)م- اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریا کند؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن بجا آورد طواف او و همین طور هر چه را این طور بجا آورده باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است. (۵۳۱)م- ریا بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی شود.

(۵۳۲)م- اگر عمل را برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب صحیح است و کفایت می کند.

(۵۳۳)م- اگر در عملی که برای خدا می آورد رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

دوم: آن است که طاهر باشد از حدث اکبر (یعنی جنب، حائض یا نساء نباشد) و از حدث اصغر (یعنی با وضو باشد).
و در اینجا چند مسأله است:

(۵۳۴)م- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

(۵۳۵)م- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجد الحرام

وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد صحیح است.
(۵۳۶) م- طواف (یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن) مستحب است، بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب است. و در این طواف طهارت شرط نیست.

(۵۳۷) م- اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند باطل است، چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد.

(۵۳۸) م- اگر در اثنای طواف حدث عارض شود، اگر بعد از سه دور و نیم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند.

(۵۳۹) م- در فرض سابق اگر پیش از سه دور و نیم حدث اصغر عارض شود طواف باطل است و باید اعاده کند.

(۵۴۰) م- اگر در اثناء طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود، پس اگر قبل از سه دور و نیم باشد، بعد از غسل طواف را اعاده کند.

(۵۴۱) م- اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، واجب است بدل از وضو یا بدل از غسل تیمم کند.

(۵۴۲) م- اگر بدل از غسل تیمم کرد و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند.

(۵۴۳) م- احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود.

(۵۴۴)م- اگر با وضو بوده و شك کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد، و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شك کند که حدث عارض شده.

(۵۴۵)م- اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شك کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

(۵۴۶)م- اگر بعد از تمام شدن طواف شك کند که با وضو آن رابجا آورده یا نه یا شك کند با غسل آن رابجا آورده یا نه طواف او صحیح است، لکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

(۵۴۷)م- اگر در اثناء طواف شك کند که وضو داشته یا نه پس اگر بعد از سه دور و نیم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همانجا تتمه طواف رابجا آورد، و اگر قبل از سه دور و نیم است طواف را اعاده کند.

(۵۴۸)م- در تمام صورتهایی که در شك گفته شد که بنا بر طهارت بگذارد یا طوافش صحیح است، بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءاً غسل بجا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می شود.

(۵۴۹)م- اگر در اثناء طواف شك کند که غسل کرده است از حدث اکبر یا نه، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود، پس اگر بعد از سه دور و نیم بود و شك کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه رابجا آورد، و الا بعد از غسل طواف را اعاده کند، و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.

(۵۵۰)م- اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند موجود نباشد حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط مستحب آن است که اگر

جنب، حائض یا نفساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون بجا آوردن غسلهایی که بر او لازم است نمی تواند وارد مسجد الحرام شود باید بر طبق وظیفه جنب و حائض عمل کند و فقط نائِب بگیرد.

سوم: طهارت بدن و لباس از نجاست.

و در آن چند مسأله است:

(۵۵۱) م- احتیاط واجب آن است که از نجاساتی هم که در نماز عفو شده (مثل خون کمتر از درهم) اجتناب کند، ولی از جامه ای که با آن نتوان نماز خواند (مثل عرقچین و جوراب) و چیزهایی مانند انگشتر نجس اجتناب لازم نیست.

(۵۵۲) م- در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.

(۵۵۳) م- در خون قروح و جروح تا آن اندازه ای که می شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

(۵۵۴) م- احتیاط آن است که اگر می تواند طواف را تأخیر بیندازد، تا بشود بی مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود.

(۵۵۵) م- اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف، اظهر آن است که طوافش صحیح است.

(۵۵۶) م- اگر شك داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می تواند با آن حال طواف کند، و صحیح است چه بداند که پیشتر از این پاک بوده یا نداند، لکن اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

(۵۵۷) م- اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او برسد اظهر آن

است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همانجا تمام کند، و طواف او صحیح است.

(۵۵۸م) - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد.

(۵۵۹م) - اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده، احتیاط آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همانجا بقیه طواف را تمام کند و عاده طواف لازم نیست، هر چند احتیاط خوب است، خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد و در این صورت بهتر است بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را عاده کند. و نماز طواف را نیز عاده کند، و در این احتیاط فرقی نیست بین آن که بعد از سه دور و نیم علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط مؤکد است.

(۵۶۰م) - اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط مستحب عاده است، و همین طور است اگر در بین طواف یادش بیاید.

چهارم: ختنه کردن برای مردان، و احتیاط واجب آن است که درباره بچه‌های نابالغ نیز مراعات شود.

(۵۶۱م) - اگر بچه را که ختنه نشده و ادار به احرام کنند یا او را محرم کنند احرام او صحیح است ولی طواف او بنا بر احتیاط صحیح نمی‌باشد و در صورت امکان باید بعد از ختنه شدن طواف را خودش بجا آورد و در صورت عدم امکان نائب بگیرد.

(۵۶۲م) - اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

پنجم: پوشاندن عورت. اگر بدون پوشاندن عورت طواف کند باطل است، و معتبر است در آن اباحه، پس با پوشش غصبی طواف صحیح

نیست بلکه بنا بر احتیاط واجب از لباس غضبی که بعنوان پوشش عورت هم استفاده نشود اجتناب کند. و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنماید.

(۵۶۳) م- اقوی آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند، یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.

قسم دوم

چیزهایی است که گفته‌اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی‌کند، و آن هفت چیز است:

اول: آنکه ابتدا کند به حجرالاسود.

و در اینجا چند مسأله است:

(۵۶۴) م- در ابتدا کردن به حجرالاسود لازم نیست که تمام اجزاء بدن طواف کننده، به تمام اجزاء حجرالاسود عبور کند، بلکه واجب آن است که انسان از حجرالاسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همانجا ختم کند.

(۵۶۵) م- حدّ واجب آن است که در عرف گفته شود از حجرالاسود شروع به طواف کرد و به حجرالاسود ختم کرد، چه از ابتدای آن شروع کند، چه از وسطش و چه از آخرش.

(۵۶۶) م- از هر جای حجرالاسود که شروع کرد باید در دور هفتم به همانجا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم کند، و همچنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همانجا ختم کند.

(۵۶۷) م- در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف

می‌کنند، از محاذات «حجر الأسود» بدون دقتهای صاحبان و سوسه، شروع کنند. و در دورهای دیگر بدون توقّف دور بزنند تا هفت دور تمام شود. (۵۶۸)م - گاهی دیده می‌شود که اشخاص نادان در هر دوری که می‌زنند می‌ایستند و عقب و جلو می‌روند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی حرام است.

دوم: ختم نمودن هر دور به حجر الاسود، به این صورت که بدون توقّف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همانجا که شروع کرده ختم کند، و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهّال را نباید بکنند.

سوم: آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.

و در اینجا چند مسأله است:

(۵۶۹)م - لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ، خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتّی اگر خانه متمایل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.

(۵۷۰)م - اگر در موقع رسیدن به گوشه‌های خانه، شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر به طور متعارف دور زند، حتّی اگر خانه متمایل به پشت شود.

(۵۷۱)م - گاهی دیده می‌شود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می‌کند، و به دست دیگری می‌دهد و تکیه به دست او می‌دهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور می‌دهد، این طواف باطل نیست، ولی خلاف احتیاط است.

(۵۷۲)م- احتیاط به اینکه خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن به حجر اسما عیل یا ارکان کعبه به طوری که خلاف متعارف و موجب انگشت نمایی نشود مانع ندارد.

(۵۷۳)م- اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد مثل آن که روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.

(۵۷۴)م- اگر به واسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود، بردند و دور دادند کفایت می‌کند.

(۵۷۵)م- در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته یا تند برود و می‌تواند بدود یا سواره طواف کند، لکن بهتر است که بطور میانه روی برود.

چهارم: داخل کردن حجر اسما عیل ع در طواف، و حجر اسما عیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسما عیل نیز بگردد.

و در اینجا چند مسأله است:

(۵۷۶)م- اگر دور حجر اسما عیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است، و باید عاده کند.

(۵۷۷)م- اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت.

(۵۷۸)م- اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

(۵۷۹)م- اگر در بعضی از دورها، حجرا سما عیل را داخل در دور زدن نکرد احتیاط واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد، و اعاده کند طواف را اگر چه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست.

(۵۸۰)م- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسما عیل علیه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمی کند تمام کردن دور را از آن جایی که از روی دیوار رفته است.

پنجم: قرار دادن طواف بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف، اما در صورت ازدحام جمعیت طواف در دورتر از مقدار معین شده صحیح است.

و در اینجا چند مسأله است:

(۵۸۱)م- مراد از این که طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همه اطراف خانه کعبه طواف کننده از آن مقدار از خانه کعبه دورتر نباشد و مابین مقام و خانه کعبه چنانچه گفته اند تقریباً بیست و شش ذراع^(۱) و نصف است. پس در همه اطراف باید همین قدر بیشتر دور نباشد.

(۵۸۲)م- اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم هم داخل طوافش شود، طوافش باطل است و باید اعاده کند، اما در صورت ازدحام جمعیت اشکالی ندارد.

(۵۸۳)م- اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند مگر اینکه بخاطر ازدحام جمعیت چنین شده باشد، که در این صورت اعاده همان جزء هم لازم نمی باشد.

۱- هر ذراع تقریباً نیم متر است.

(۵۸۴) م- چون در طرف حجراسما عیل عَلَيْهِ السَّلَام محلّ طواف تنگ می شود زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می شود و چنانچه گفته اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محلّ طواف باقی می ماند، باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشوند، مگر اینکه در اثر ازدحام جمعیت دورتر بروند که اشکالی ندارد.

(۵۸۵) م- اگر از جانب حجراسما عیل بیشتر از شش ذراع و نیم در دور زدن دور شد اظهر آن است که آن دور را اعاده کند مگر در حالت ازدحام جمعیت که اشکال ندارد.

ششم: خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است. و در اینجا چند مسأله است:

(۵۸۶) م- در اطراف دیوار خانه یک پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند، و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید خارج از شاذروان طواف کند.

(۵۸۷) م- اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است، و باید آن را اعاده کند.

(۵۸۸) م- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آن جایی که شاذروان است جایز است، و به طواف ضرر نمی رساند گرچه احتیاط مستحب ترک آن است.

(۵۸۹) م- در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجراسما عیل عَلَيْهِ السَّلَام جایز است، و به طواف ضرر نمی رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

هفتم: آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادتر. و در اینجا چند مسأله است:

(۵۹۰م) - اگر از روی عمد، طواف کننده از اوّل قصد کند کمتر از هفت دور و یا بیشتر بجا آورد طواف باطل است، اگر چه به هفت دور تمام کند، و احتیاط مستحب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت هم باشد طواف را عاده کند.

(۵۹۱م) - اگر در اثناء طواف از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده به احتیاط واجب باطل است و باید عاده کند، و اگر با این قصد زیادتر آورد اصل طواف باطل می شود.

(۵۹۲م) - اگر از اوّل قصد کند که هشت دور بجا آورد لکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

(۵۹۳م) - اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است.

(۵۹۴م) - اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آن که یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور بجا آورد طواف صحیح است.

(۵۹۵م) - اگر کم کند از طواف واجب، چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور، از روی عمد، واجب است آن را تمام کند، و اگر نکند بنا بر اظهار حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده (که در مسائل فصل چهارم گذشت) و حکم جاهل به مسأله حکم عالم است.

(۵۹۶م) - اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می آید.

(۵۹۷م) - اگر سهواً از طواف کم کند پس اگر تجاوز از نصف کرده

باشد اقوی آن است که از همانجا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد، و الا فقط اعاده کند.

م(۵۹۸) - اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را عاده

نماید.

م(۵۹۹) - اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از

مراجعت به وطن خود احتیاط آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست یا برگشتن مشکل بود، نایب بگیرد.

م(۶۰۰) - در طواف واجب، «قران» مکروه است یعنی کراهت دارد

طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب نیز قران مکروه است.

م(۶۰۱) - اگر یک دور یا کمتر یا بیشتر بر طواف زیاد کند و قصدش آن

باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف نمی باشد و اشکال ندارد.

م(۶۰۲) - اگر سهواً بر هفت دور زیاد کند پس اگر کمتر از یک دور

است، قطع کند آن را و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا زیادتر است احوط آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آنکه تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.

م(۶۰۳) - جایز است طواف مستحب را ولو بدون عذر قطع کند و اقوی

این است که قطع طواف واجب بدون عذر و به مجرد خواهش نفس کراهت دارد، و احوط قطع نکردن آن است، به این معنی که قطع نکند به طوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه به هم بخورد.

م(۶۰۴) - اگر بدون عذر طواف را قطع کرد عاده طواف کافی است و

احوط آن است که اگر سه دور و نیم بجا آورده باشد طواف را تمام کند و بعدا عاده کند، و این در صورتی است که منافی بجا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد.

(۶۰۵) م- اگر طواف را قطع کند و منافی بجایا آورده باشد اگر برگردد و تمام کند طوافش صحیح است.

(۶۰۶) م- اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار، پس اگر بعد از تمام شدن سه دور و نیم بوده بعد از رفع عذر برگردد و از همانجا تمام کند و اگر قبل از آن بوده طواف را عاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

(۶۰۷) م- اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده نتوانست بجا آورد تا آن که وقت تنگ شد اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند.

(۶۰۸) م- اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از سه دور و نیم رها کرد از همانجا طواف را تمام کند، و الا عاده کند.

(۶۰۹) م- جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

(۶۱۰) م- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتر از هفت دور بجا آورده یا نه یا شک کند کمتر بجا آورده یا نه اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از شک نیست و احتیاط ترک نشود.

(۶۱۱) م- اگر بعد از طواف شك کند که صحیح بجا آورده آن را یا نه مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا مُحدث بوده یا از داخل حجر اسما عیل عَلَيْهِ السَّلَامُ طواف کرده اعتنا نکند، و طوافش صحیح است اگر چه باز در محلّ طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی کم و زیاد. (۶۱۲) م- اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شك کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شك نکند و طوافش صحیح است.

(۶۱۳) م- اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور، شك کند که آنچه را دور می زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است. (۶۱۴) م- اگر در آخر دور یا اثناء آن شك کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.

(۶۱۵) م- اگر در طواف مستحب شك کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد، و طوافش صحیح است. (۶۱۶) م- شخص کثیر الشک در عدد دورها تا به حدّ وسواس نرسیده به شكش اعتنا نکند، و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

(۶۱۷) م- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شك را دارد. (۶۱۸) م- اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف بجا نیاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را عاده کند. (۶۱۹) م- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص بجا آورده باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند اگر فوت موالات نشده، و برگردد تتمّه سعی را بجا آورد و طواف و سعیش صحیح است، لکن احتیاط آن است که اگر کمتر از سه دور و نیم بجا آورده طواف

را تمام کند و اعاده نماید، و همچنین اگر سعی را کمتر از سه و نیم بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

(۶۲۰) م - اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی وضو بجا آورد طوافش باطل است، و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس بجا آورد.

(۶۲۱) م - اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

(۶۲۲) م - در حال طواف صحبت کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد، و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

(۶۲۳) م - واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به راست و چپ نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند، اما احتیاط واجب آن است که در حال راه رفتن به حدی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را ببیند. و می تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

(۶۲۴) م - جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همانجا اتمام کند، ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد، و اگر آن قدر نشست طوافش باطل است و باید اعاده نماید.

مسائل متفرقه طواف

(۶۲۵) م - در طواف در مقابل حجرا سما عیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت، صادق باشد و به نحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر سما عیل از بیت نیست هر چند باید در خارج آن طواف کرد.

(۶۲۶) م- در صورت امکان باید طواف در حدّ بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت آن بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دورتر از آن حدّ، کفایت نمی‌کند و در صورت ازدحام جمعیت، طواف در خارج حدّ مزبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

(۶۲۷) م- هرگاه در طواف خانه خدا مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل پشت به کعبه شدن همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجر الاسود به قصد آن دور شروع کند، اشکال دارد.

(۶۲۸) م- اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت یا در پشت مقام طواف نماید، ولی باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود بر می‌دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

(۶۲۹) م- اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده اعاده شود و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید.

(۶۳۰) م- اگر حاجی در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.

(۶۳۱) م- اگر کسی پس از انجام عمل حج تمتّع فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسما عیل دور زده، حج او صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

(۶۳۲) م- زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده، با شرایط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است، اعمالش صحیح است و در صورت اول، حج او صحیح است و باید طواف و نماز را عاده کند و احتیاطاً سعی را نیز عاده کند، و اگر در عمره بوده در صورت ضیق وقت، حجش بدل به افراد می شود و باید بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد.

(۶۳۳) نس- جوان ۱۷ ساله غیر مختون، که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او خطر دارد، مستطیع شده و فعلاً در مدینه است. تکلیف او نسبت به حج چیست؟

ج- باید مُحرم شود و خودش طواف کند و به احتیاط واجب نایب هم بگیرد برای طواف، و بعد از طواف خودش و نایبش در صورتی که دو طواف با هم انجام شود خودش یک نماز بخواند کفایت می کند.

(۶۳۴) نس- اگر در اثناء طواف، نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج- اگر بعد از سه دور و نیم طواف یا سعی قطع شده، از همانجایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند. و اگر قبل از سه دور و نیم طواف یا سعی بوده و فصل طویل شده طواف و سعی را از سر بگیرد، هر چند احتیاط آن است که طواف را تمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را عاده کند و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در تمام و عاده است.

(۶۳۵) نس- کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی

او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، وظیفه او چیست؟

ج - طواف و نماز و سعی و تقصیر را عاده کند و تا انجام نداده از احرام عمره خارج نمی شود.

س (۶۳۶) - شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال می دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلاً وظیفه او چیست و البته این شک بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج - طواف او صحیح است.

س (۶۳۷) - اگر در اثناء طواف شک در صحّت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محلّ آن گذشته است بکند چه حکمی دارد، مثلاً نمی داند که از مقابل حجر که عبور کرده، از حدّ مطاف خارج بوده است یا نه؟

ج - در هر صورت عمل او صحیح است.

س (۶۳۸) - اگر طواف یا سعی نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجّه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجّه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست و کفّاره دارد یا نه؟

ج - باید عمل باطل شده را جبران کند، و احتیاطاً احکام محرم را رعایت نماید تا تقصیر کند، و احتیاطاً کفّاره هم بدهد.

س (۶۳۹) - کسی که در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوطهای قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجّه به مسأله، طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را عاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - عمل او صحیح است.

(۶۴۰) س - کسی در اثناء طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است آیا طواف او صحیح است یا خیر و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده و وظیفه او چیست؟
ج - طواف و اعمال مترتبه صحیح است و با تقصیر از احرام خارج شده.

(۶۴۱) س - کسی در شوط آخر مُحدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را عاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟
ج - طواف دوم صحیح است و اعمال بعد از آن نیز صحیح است.
(۶۴۲) س - کسی توهّم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده ولی برای او جزمی نیست، و چون نمی توانسته برگردد و تدارک کند، بقیه شوط تا محلّ تدارک را به قصد احتیاط و رجاء انجام می دهد که اگر شوط او باطل است زیادی لغو باشد و اگر شوط او صحیح است زیاده از طواف باشد و بعد بقیه اشواط طواف را بجا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟
ج - بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست.

(۶۴۳) س - کسی در وقت طواف شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود، بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحّت طواف خود پیدا کرد آیا طواف او صحیح است؟
ج - صحیح است.

(۶۴۴) س - کسی در شوط چهارم از حجر الاسود تا اول حجر اسما عیل را پیمود و فکر کرده است که چون اول شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت شوط را عاده کند لذا بقیه شوط را بدون

نیت رفته، و از حجر الاسود به قصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می شود؟

ج - اشکال دارد.

(۶۴۵) س - کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می کنند و بلافاصله از نو شروع می کنند، طواف آنها چه صورت دارد، و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟

ج - اشکال ندارد.

(۶۴۶) س - درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن این که متصدیان و سیله نامبرده، در خارج محدوده مطاف طواف می دهند؟

ج - احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگرچه طواف دادن در خارج مطاف کفایت می کند.

(۶۴۷) س - شخصی در حال طواف اشتبهاً به قصد طواف وارد حجر اسما عیل عليه السلام می شود و بعد که متوجه شد بر می گردد و از همانجا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - طوافش صحیح است.

(۶۴۸) س - اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

ج - صحیح است.

(۶۴۹) س - زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد، و با او ادامه داد و بعد از شوط آخر مرد که شوط ششم زن

است، او به جای این که یک شوط دیگر بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سر گرفت. طواف اول و دوم زن چگونه است؟

ج - طواف دوم صحیح است.

(۶۵۰)س - در مَطاف چیزهایی از افراد می افتد از قبیل ساعت،

احرامی و غیره، و کسانی که طواف می کنند پا روی آن می گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی شود؟

ج - موجب بطلان طواف نمی شود، ولی عمداً پا روی آنها نگذارد.

(۶۵۱)س - اگر انسان می داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران

موجب اذیت و عدم رضایت او می گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج - به طواف ضرر نمی زند، ولی عمداً پا روی آن نگذارد.

(۶۵۲)س - اگر کسی قبل از شوط چهارم طوافش را قطع و از نو طواف

کند. آیا طواف او صحیح است؟

ج - طوافش صحیح است.

(۶۵۳)س - شخصی طواف را از حجرالاسود شروع کرد، و در هر

شوط به رکن یمانی که می رسید نیت ختم می کرد و از حجرالاسود نیت

شوط بعد را می نمود و هفت شوط طواف را اینگونه تمام کرد به گمان

اینکه ختم طواف و اشواط آن باید در رکن یمانی باشد. وظیفه اش

چیست؟

ج - این طواف اشکال دارد، و باید عاده شود.

(۶۵۴)س - گاهی مأمورین نظافت مسجد الحرام از کنار کعبه دست به

دست هم می دهند و همان طور توسعه می دهند تا انسان از مَطاف خارج

می شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مَطاف، ضرورت حاصل است

که طوافش در خارج از مَطاف صحیح باشد یا باید صبر کند تا نظافت تمام

شود، و اگر افرادی گمان می‌کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

ج - اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد، طواف کند، و در این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست.

(۶۵۵) س - کسی که از اول بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نداده است، اگر به حج مشرف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیه و قربانی و مصارف در حج بکند، آیا برای حج او ضرر ندارد؟

ج - اگر به ذمه خریداری کرده اعمالش صحیح است.

(۶۵۶) س - شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شده، و طواف و نماز بجا آورد، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر به ذمه خریداری کرده اعمالش صحیح است، و اگر به عین پول خمس نداده خرید کرده اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد باید طواف و نماز را عاده کند.

(۶۵۷) س - اگر با پولی که معلوم نیست متعلق به خمس است یا نه لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آنچه صورت دارد؟

ج - با فرض شک لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.

(۶۵۸) س - شخصی در سال گذشته که حج تمتع واجب خود را انجام می‌داده، تنها نماز طواف را به گمان این که کفایت می‌کند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - با فرض این که طواف حج را از روی جهل به مسأله ترک کرده و به محلس برگشته است باید حج را عاده کند، و یک شتر قربانی نماید.

(۶۵۹)س - تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند، که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف کننده‌ها از مطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده است، طواف را از سر گرفته‌اند، بفرمایید در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج - اشکال دارد.

(۶۶۰)س - زنی که قادر بر طواف کردن نیست، امر دائر است بین این که با تخت در خارج مطاف، طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟

ج - با تخت او را طواف دهند.

(۶۶۱)س - کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوپهای طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج - فرقی نیست.

(۶۶۲)س - شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا می‌تواند از همانجا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

ج - اگر قبل از سه دور و نیم بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید، و اگر بعد از سه دور و نیم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.

(۶۶۳)س - آیا بعضی شوپهای طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟

ج - خیر، باید برای همه عمل نائب بگیرد.

(۶۶۴)س - با وضعیت فعلی که جمعیت حجّاج خیلی زیادند، و عدّه

ای از ضعفاً نمی‌توانند در مَطاف طواف کنند، آیا توسعه در مَطاف هست؟ و نیز خلف مقام که یا نمی‌شود نماز خواند و یا مصادف با اذیت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز مخصوصاً برای ضعفاً نیست، نماز خواندن در دورتر چه حکمی دارد؟ و آیا شخصی که وارد مکه شد می‌تواند فوراً به اعمال طواف و نماز هر جور که ممکن باشد مشغول شود یا باید در حال احرام بماند که وقت ضیق شود، مثلاً تا شب نهم، و آن وقت چنین کند، و معلوم است برای همه کس میسر نیست؟

ج - در حالت شروغی و ازدحام، طواف از خلف مقام با مراعات الاقرب فالاقرب اشکالی ندارد، و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد، و صبر لازم نیست.

(۶۶۵) س - دختری در کودکی و یا اوایل سنین بلوغ جنب شده و تا کنون هم ازدواج نکرده است، با توجه به اینکه در سنین بالاتر نمی‌دانسته به واسطه فعلی که در کودکی انجام شده جنب گشته است و در نتیجه غسل جنابت را تا حال انجام نداده است و با این کیفیت، به حج نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسلهایی که یقیناً انجام داده است، حیض و جمعه بوده است با توجه به موارد یاد شده فوق، این سؤالها مطرح است:

۱ - وضع نماز و روزه و کلیه عباداتی که بعد از بلوغ تا کنون انجام داده است چیست؟

۲ - آیا در زمان حال محرم است، و به صورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و در صورت محرم بودن آیا تا زمانی که اعاده حج نکند، جمیع محرمات که در آن ایام حرام است بر این شخص حرام می‌باشد یا خیر؟

۳ - در صورتی که فقط حجّش باطل باشد ولی محرم نباشد چگونه می‌تواند با وضع اعزام حجّاج به بیت الله الحرام که چند سال یک بار این

توفیق حاصل می شود، اعاده حج کند؟

ج - اگر یقین دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف او صحیح نیست و غسل‌های دیگر کفایت از غسل جنابت نمی‌کند، و در فرض مسأله نمازهایی را که با این حال خوانده باید قضا کند، و اگر نمی‌دانسته جنب است و روزه گرفته روزه‌های او صحیح است و قضا ندارد، و حج در مفروض سؤال صحیح است ولی طوافهای عمره و حج و نساء و نمازهای آنها را باید دو مرتبه بجا آورد، و اگر خودش نمی‌تواند برود برای آنها نایب بگیرد، و تا طواف حج و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت، نایب او بجا نیاورده باید از بوی خوش و ازدواج و محرّماتی که با طواف نساء حلال می‌شود، اجتناب نماید.

(۶۶۶)س - شخصی در اثناء طواف، مُحدث شده و خجالت کشیده بگوید و با همین حالت اعمال را تمام کرده و به ایران بازگشته، مستدعی است بفرمایید:

۱ - حجّش چه صورت دارد؟

۲ - اگر اعاده لازم است، آیا می‌تواند نایب بگیرد یا باید شخصاً انجام

دهد؟

ج - اگر با اعتقاد صحّت، اعمال را اتمام کرده حجّش صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند، و اگر خودش نمی‌تواند برود باید نایب بگیرد، و اگر در فرض مزبور، حدث بعد از سه دور و نیم باشد به تفصیل مذکور در مناسک، طواف را تدارک کند، و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحّت انجام داده، شقوق و صوری دارد که در بعض آنها صحّت حج مشکل است.

(۶۶۷)س - مادر شب، ساعت ۹ از مسجد شجره برای زیارت و انجام

اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم،

و چون زائران قبلی مشغول نماز صبح بودند سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمی صبر کنیم تا پس از نماز، ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد چند بار من خوابم برد چون آب در دسترس خود نمی‌دیدم و جایی را نمی‌شناختم، روی ریگهای اطراف باغچه تیمم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل حج من با این توصیف صحیح است یا نه؟

ج - با این که برای شما امکان داشته که وضو بگیرد ولو به این نحو که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعدا اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است، و اگر عمل شما با اعتقاد به صحت بوده از احرام خارج شده‌اید و فقط باید طواف و نماز را عاده کنید، و اگر خودتان نمی‌توانید بروید باید نایب بگیرید.

س (۶۶۸) - اگر کسی قبل از حجرالاسود طواف را شروع نمود و به همانجا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

ج - خیر، اگر کمبود طواف را جبران کند طوافش صحیح است.
س (۶۶۹) - اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت را به قصد جزئیت بجا بیاورد، آیا مبطل طواف است؟
ج - اگر عمدی باشد مبطل است، و در صورت سهو، قطع کند، و طوافش صحیح است.

س (۶۷۰) - شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد، و بدون اینکه نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟
ج - اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل است و باید تمام اعمال را عاده کند.

س (۶۷۱) - کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را

انجام دهد، و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج - با فرض عذر حتّی در آینده باید برای همه طواف نایب بگیرد.
 (۶۷۲) س - آیامی شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر به هم زد و آن را کأن لم یکن دانست، و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟
 ج - قطع مانع ندارد.

(۶۷۳) س - کسی که از طواف حتّی در خارج مَطاف عاجز است و به خاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمی‌کند؟

ج - اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است نایب بگیرد.
 (۶۷۴) س - اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر بجا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج - باید یک شوط طواف و نماز طواف را عاده کند، و اگر با اعتقاد صحّت بوده بقیه اعمال صحیح است.

(۶۷۵) س - در مواردی که شخص شک در اشواط کند حکم به بطلان طواف می‌فرماید، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اوّل شش شوط داشته، و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج - طواف دوم را به اتمام رساند و همین صحیح است.
 (۶۷۶) س - بعضی به تصوّر این که طواف ۱۴ دور است با این کیفیت طواف انجام داده‌اند، آیا مُخَل به طواف است؟

ج - اگر به قصد ۱۴ شوط طواف کرده، طوافش باطل است.
 (۶۷۷) س - اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد، تکلیف او چیست؟ و آیا انجام و یا

تتمیم آن فوریت دارد؟

ج - می تواند بعد از اعمال منی آن را تدارک کند و فوریت ندارد، و سعی را نیز بعد از طواف احتیاطاً عاده کند.

(۶۷۸)س - اگر کسی جهلاً طواف را بیش از هفت شوط آورد و بقیه اعمال بعد از آن را بجا آورد، تکلیف او چیست؟

ج - چه از اول قصد بیش از هفت شوط را داشته و یا چنین قصدی نداشته عاده کند طواف و نمازش را و احتیاطاً اعمال بعد از آن را نیز عاده کند.

(۶۷۹)س - شخصی طواف حج واجب خود را غلط انجام داده و پس از آن چندین بار حج نیابی انجام داده است، تکلیف او در مورد حج خود و دیگر حجها چیست؟

ج - حجّش باطل است، مگر اینکه از روی سهو و نسیان طوافش را غلط بجا آورده باشد، اما حجهای نیابی صحیح است.

(۶۸۰)س - شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجاءاً برای جبران نقص احتمالی بجا می آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می رساند؟

ج - ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمی کند.

(۶۸۱)س - شخصی در دو روز پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعداً باید همین طواف را تکمیل کند، یا طواف دیگری انجام دهد؟

ج - باید همین طواف را تکمیل کند.

(۶۸۲)س - شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود می بیند و آن را با دستمال پاک می کند و طواف خود را تمام می نماید، آیا این طواف صحیح است؟

ج - اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و طواف را

تکمیل کند، و اگر بدون تطهیر بینی طواف را ادامه داده، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز، طواف و نماز را اعاده کند. و اگر شك دارد که ظاهر بینی او نجس شده و ارسای لازم نیست و طوافش صحیح است و همراه داشتن دستمال نجس در حال طواف اشکالی ندارد.

(۶۸۳)س - شخصی در شوط دوم طواف شك می کند که آیا طواف را به نیت منوبّ عنه یا به نیت خود آغاز کرده است، وظیفه او چیست؟

ج - باید طواف را به نیت منوب عنه از سر بگیرد.

(۶۸۴)س - شخصی در اثناء طواف به خاطر تقییل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی داند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

ج - طوافش صحیح می باشد.

(۶۸۵)س - شخصی در اثناء طواف بر اثر فشار جمعیت چندگام به جلو رانده شده است، پس از آن به جای این که همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می شود، آیا این طواف صحیح است؟

ج - طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

(۶۸۶)س - شخصی بعد از اتمام طواف سهواً یک شوط زیاد کرده است و بعد مردّد است که سه یا چهار شوط دیگر بجا آورده است، و سپس همه اعمال عمره را نیز انجام داده است، آیا طواف او باطل است، و آیا تردید در عدد اشواط اضافی مضر نیست؟

ج - مضر است، و باید طواف و نماز را اعاده کند.

(۶۸۷)س - شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مطاف انجام داد، و بعد نیز بقیه اعمال را انجام داده است، تکلیف او

چیست؟

ج - اعمالش صحیح است.

(۶۸۸)س - کسی که وظیفه او وضوی جیره‌ای و تیمم است اما از روی

جهل، بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟
ج - طواف و نماز آن، باید اعادة شود و احتیاطاً اعمال بعد را نیز اعادة کند.

(۶۸۹)س - شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد

طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

ج - مانع ندارد.

(۶۹۰)س - کسی که اشتبهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همانجا

ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثناء طواف متوجه شد و طوافش را به حجر الاسود ختم کرد، مقدار زیادی، مضر به طوافش می‌باشد یا خیر؟

ج - در صورت اول کمبود طواف را بجا آورد و طوافش صحیح

است و در صورت دوم که تا حجر الاسود رفته طوافش صحیح است.

(۶۹۱)س - کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد که مقداری از طوافش

را بدون اختیار انجام می‌دهد، یعنی جمعیت او را می‌برند، آیا می‌تواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می‌برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج - باید طواف را شروع کند، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند

همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه دهد، اما اگر به کلی سلب اختیار از او نشود طوافش صحیح است.

(۶۹۲)س - مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند آیا اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند، کافی است یا خیر؟

ج - این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است، و گفته شد که در این موارد عاده طواف کفایت می‌کند.

(۶۹۳)س - شخصی در عمره تمتع بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی و صحیح است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج - طواف و سعی او صحیح است، و اعاده تقصیر لازم است.

(۶۹۴)س - شخصی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم می‌کند به قصد این که آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج - صحیح است، مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.

(۶۹۵)س - کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شک می‌کند که در مطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اگر از اول در مطاف بوده و شک در خارج شدن دارد طوافش

صحیح است و اگر از اول شک دارد، با جهل مذکور در سؤال نمی تواند به طواف مزبور اکتفا کند.

(۶۹۶)س - شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می کند و مشغول نماز می شود و پس از نماز، طواف را از سر می گیرد و هفت شوط کامل بجای می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - طوافش صحیح است.

(۶۹۷)س - شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می نماید و از این تماس متلذذ می گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می کند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - مضر به طواف نیست. و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده باید کفاره بدهد.

(۶۹۸)س - اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می تواند در ماه های غیر حج انجام دهد؟

ج - مانع ندارد.

(۶۹۹)س - شخصی شوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها می کند و پس از آن شش شوط دیگر بجای می آورد و بعد از آن نقیصه شوط اول را بجای می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - صحیح نیست.

(۷۰۰)س - اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگهای رمی به دیگری اعتماد کند کافی است؟

ج - اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد.

(۷۰۱)س - شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همانجا که

طواف را قطع نموده بود شروع می‌کند، چون به سه دور و نیم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟

ج - اگر موالات به هم نخورده صحیح است.

(۷۰۲) س - آیا واجب است برای درک خلوتی مَطاف و طواف در محدودهٔ بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا رجحان دارد، خصوصاً اگر پس از ایام تشریق مَطاف خلوت نشود؟

ج - در حال ازدحام و عدم امکان طواف در حدّ مذکور، می‌تواند با رعایت الاقرب فالاقرب از خارج مَطاف طواف کند و صبر کردن لازم نیست.

(۷۰۳) س - آیا مُحرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می‌تواند همین طوافها را برای معذور نیابت کند؟

ج - احتیاطاً بعد از اعمال خود آن را نیابت کند.

(۷۰۴) س - شخصی در طواف عمره تمتّع در اثر فشار احساس می‌کند که لنگِ احرامش تر و نجس شده ولی اعتنا نمی‌کند و با همان حال طواف را تمام می‌کند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام می‌دهد و به منزل می‌رود، بعد از بررسی می‌بیند مقداری نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا می‌کند که در همان حال طواف چنین شده است، بعد از اعمال حج و مراجعت به وطن به او می‌گویند باطل است، مستدعی است حکم الله را با توجه به این نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده درباره این شخص بفرمایید، و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

ج - اگر در حال طواف، شبهه داشته و یقین نداشته که نجس شده و وضوی او باطل شده، از احرام خارج شده است، و اگر می‌تواند باید

خودش طواف و نماز را عاده کند هر چند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد و احتیاطاً سعی را نیز عاده کند، و اگر نمی تواند نائِب بگیرد که طواف و نماز آن را عاده کند و نائِب لازم نیست سعی را عاده کند.

(۷۰۵)س - آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، مصداق عدم امکان طواف در محدوده معین و مجوّز برای تجاوز به غیر این محدوده می شود یا خیر؟

ج - شامل نیست.

(۷۰۶)س - در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه برخورد می کند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

ج - آنچه ذکر شده عذر نیست.

(۷۰۷)س - اگر صاحب عادت و قتیّه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را بجا آورد ولی بعداً لک دید، اعمالش چگونه است؟

ج - اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرده محکوم به حیض است که در وسعت وقت باید طواف و نماز را عاده کند، و در ضیق وقت، محلّ اشکال است که مراعات احتیاط بشود.

(۷۰۸)س - بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان بر هم می خورد، بطوری که گاهی در مدّت طولانی مرتّب خون و لک می بینند. وظیفه آنها در حج چیست؟

ج - اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد، وگرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

(۷۰۹)س - اگر زن در عمره تمتّع قبل از سه شوط و نیم، حائض شد و تا

قبل از رفتن به عرفات، پاک نمی‌شود، وظیفه او چیست؟

ج - مورد عدول به افراد است.

(۷۱۰) نس - اگر زنی بعد از سه شوط و نیم در طواف عمره تمتع حائض

شد و تا وقت وقوف به عرفات پاک نشد، وظیفه اش چیست؟

ج - باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و محرم شود

برای حج تمتع و در وقت انجام طواف حج، قبل از آن، بقیه طواف عمره

تمتع و نماز آن را هم بجا آورد.

(۷۱۱) نس - زنی عمره تمتع را انجام داد، بعد متوجه شده که طواف او

باطل بوده است، پس از این که متوجه شد، ملاحظه نمود دید عذر زنانه

دارد تکلیف او چیست؟

ج - هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند و سعی و

تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده نماید، و اگر قبل از وقوف، پاک نمی‌شود برای

حج محرم شود و مورد عدول به حج افراد است.

(۷۱۲) نس - زنی مسأله رانمی دانست، بعد از پاک شدن از حیض، خیال

می‌کرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت می‌کرد و با همین حال، حج

انجام داد، بفرمایید حج او چگونه است؟

ج - اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و

اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

(۷۱۳) نس - آیا مستحاضه کثیره باید برای طواف یک غسل، و برای

نماز طواف غسل دیگر بکند یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج - در صورتی که تحفظ کند یک غسل و وضو برای طواف و نماز

آن کافی است.

(۷۱۴) نس - زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و

یک سال و نیم خون ندیده است، ولی در عرفات خون می‌بیند، بنابراین

آیا در یائسگی او می توان تردید داشت یا نه، و وظیفه او چیست؟
ج - اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیده نیست، حکم مستحاضه را دارد.

(۷۱۵) س - آیا نماز و طواف، برای زن مستحاضه یک حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز، جدا و مستقل هستند؟
ج - یکی محسوب می شوند.

(۷۱۶) س - زنی بعد از وقوفین حیض می شود، با مصرف قرص، خون قطع می گردد و اعمال را انجام می دهد ولی بعد از آن لک می بیند، وظیفه او چیست؟

ج - اگر خون سه روز مستمر نبوده و حتی در باطن فرج هم قطع شده حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه، عمل او صحیح است.
(۷۱۷) س - زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می شود، وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از تمام شدن سه دور و نیم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند، و اگر قبلاً بوده پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اعاده نماید.

(۷۱۸) س - زن مستحاضه ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود، در اثناء طواف لک می بیند، وظیفه او چیست؟

ج - اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست، و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.
(۷۱۹) س - زنی به تصور این که پاک شده است، طواف انجام می دهد و در اثناء سعی متوجه می شود که هنوز پاک نشده است، آیا سعی او نیز باطل است، و اگر بعد از سعی متوجه شد چگونه است؟
ج - در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض،

طواف و نماز را عاده کند، و سپس سعی را انجام دهد و در فرض دوم نیز عاده طواف و نماز لازم و عاده سعی مبنی بر احتیاط است.

(۷۲۰) **س** - زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله‌ای بین اعمال پیش می‌آید که شاید طولانی هم باشد، مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟
ج - در صورتی که از بیرون آمدن خون تحفظ کند يك غسل و وضو برای طواف و نماز آن کافی است.

(۷۲۱) **س** - زن مستحاضه که باید برای نماز و طواف يك غسل کند طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف، نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

ج - در صورتی که تحفظ کند و خون خارج نشود با همان غسل و وضو طواف را ادامه دهد در صورتی که قطع طواف بعد از سه دور و نیم بوده، و اگر قطع طواف قبل از سه دور و نیم بوده باید طواف را دوباره بجا آورد.

(۷۲۲) **س** - زنی که حیض نمی‌شود ولی هر دو ماه یک بار، دو سه روزی لک و ترشحات می‌بیند، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر خون استمرار تا سه روز ندارد ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد.

(۷۲۳) **س** - هرگاه زن قرشیه پس از شصت سال، و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طوافها و نماز چه کند؟

ج - حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات.

س (۷۲۴) - زنهایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می‌کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لگه کم‌رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می‌زند یا خیر؟

ج - حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند، و اگر در اثناء طواف لگه دیده تفصیلی بین ماقبل از تمام شدن سه دور و نیم و مابعد آن هست که در مناسک ذکر شده است.

س (۷۲۵) - شخصی غسل مس میت به گردش بوده ولی بعد از اعمال حج متذکر می‌شود، وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از مس میت غسل جنابت کرده باشد - چون جنب هم بوده یا بعداً جنب شده - غسل جنابت کفایت می‌کند و عملش صحیح است، و الاً باید طواف و نماز آن را عاده کند.

س (۷۲۶) - مُحرمی است که مبتلاً به خروج ریح است، یعنی مرتب ریح از او جدا می‌شود، و در عرض سال شاید یکی دو ماه فی الجمله تخفیف پیدا می‌کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می‌شود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج - حکم مبطلون را دارد. و علی‌ای حال چنانچه نتواند در اثناء طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثناء طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند، و همچنین است حکم در نماز طواف، و بنا بر احتیاط واجب مبطلون در طواف نایب هم بگیرد.

س (۷۲۷) - مدتی است که به علت ابتلا به بیماری و در اثر عمل جراحی هنگام خروج مدفوع احساس نمی‌کنم و از کیسه مخصوص

استفاده می‌کنم، البته برای وضو و نماز و وظیفه‌ام مشخص و معین است، که بدان عمل می‌کنم، ولی چون سال آینده به امید خدا تصمیم دارم خانه خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم حج، تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمایید؟

ج - اگر در طواف و نماز آن، رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارید، بنمایید، عمل حج شما صحیح است، اگرچه بنا بر احتیاط واجب مبطون در طواف باید نایب هم بگیرد.

(۷۲۸) نس - شخصی عمل جزّاحی انجام داده است، و فعلاً کیسه‌ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد، لکن نه از مجرای بول بلکه از موضع جزّاحی که در پهلو قرار داده‌اند، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟

ج - حکم مسلوس را دارد.

(۷۲۹) نس - کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می‌کند، مقداری که می‌آید گمان می‌کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا بر می‌گردد و نیت را با زبان می‌گوید و طواف را از نو شروع می‌کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟

ج - طوافش صحیح است.

(۷۳۰) نس - به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال حج داده می‌شود، و به خصوص در طوافها و نماز آن، غالباً یک عملی را به عنوان احتیاط و رجاء چندین بار بجا می‌آورند ولو این که عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حدّ و سواس هم نمی‌رسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

ج - و سواس همین است، و نباید به و سوسه اعتنا شود، بلی انجام عمل احتیاطی بدون و سوسه مانع ندارد.

(۷۳۱) نس - کسی به جهتی طواف یا سعیش قطع می‌شود و به جلو

می‌رود، می‌خواهد از همانجا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمی‌تواند خود را به آنجا برساند و در مُحاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می‌گیرد، آیا می‌تواند از مُحاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد

ج - لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه مُحاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود.

(۷۳۲) س - قرآن در طواف آیا طواف را باطل می‌کند یا خیر؟

ج - قرآن در طواف کراهت دارد و موجب باطل شدن نمی‌شود.

(۷۳۳) س - آیا یک شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید

طواف هفت شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی بجا آورد و بعد، نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی دارد؟

ج - استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مزبور صحیح است.

(۷۳۴) س - معیار در کثیر الشُّکُک بودن در طواف چیست؟

ج - عرفی است.

(۷۳۵) س - طواف کردن در محدود ۲/۵ ذراع، و نماز خواندن پشت

مقام هر چه نزدیک‌تر به مقام، آن طوری که در مناسک بیان شده است، گویی نزد آنان بدعت است، آیا باید همان‌گونه که آنان در خارج از حد طواف می‌کنند و دور از مقام نماز می‌خوانند، انجام شود؟

ج - چنین چیزی نیست، و باید به وظیفه عمل شود.

(۷۳۶) س - در مواردی که باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کرد،

بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج - در چنین مواردی اعاده کفایت می‌کند هر چند که اگر بخواهد

عمل به احتیاط کند اول اتمام کند و بعد اعاده نماید.

(۷۳۷) س - کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده، نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که مُحرم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مَخیط هم جایز است؟

ج - هیچ یک از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد.
(۷۳۸) س - شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقتی دارد که بتواند طواف و نماز را با وضو انجام دهد باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک بجا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید، و اگر چنین وقتی ندارد در صورتی که مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد و در هر دو صورت احتیاطاً نایب هم بگیرد.

(۷۳۹) س - آیا در مواردی که طواف و نماز باید عاده شود لازم است با لباس احرام باشد

ج - لازم نیست، ولی در بعضی صور که علت بطلان فراموشی نبوده محرم است و باید از محرمات احرام پرهیز کند.

(۷۴۰) س - هرگاه مُحرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، جهلاً یا عمداً، آیا طواف و سعی او صحیح است؟ و عمره او مُجزی است یا نه؟

ج - طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مُجزی است، هر چند که در صورت عمد گناه کرده و کفاره دارد.

(۷۴۱) س - هرگاه مُحرم به احرام عمره تمتع، جنب باشد و آب برای او ضرر دارد یا آب ندارد و یا وقت عمره می‌گذرد، آیا طواف و نماز با تیمم

کافی و مجزی است؟ یا باید نایب هم بگیرد؟

ج - نایب گرفتن لازم نیست.

۷۴۲) س - آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا

فرق می‌کند؟

ج - فرق می‌کند، و در طواف باید صورت باز باشد ولی در نماز جایز

است باز باشد یا پوشیده شود.

۷۴۳) س - اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که

باید در حال طواف بپوشاند ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر می‌رساند یا

نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام دهد طواف او باطل است یا

نه؟

ج - طوافش صحیح است هر چند گناه کرده است.

۷۴۴) س - شخصی در عمره تمتع طواف را تمام کرده است،

ولی می‌گوید دلچسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز

طواف اوّل بجای آورد و نماز و سعی بجای آورد و تقصیر می‌کند، آیا

عملش صحیح است یا نه؟

ج - عمل او صحیح است، هر چند داخل در قران مکروه است.

۷۴۵) س - اکل و شرب در حال طواف جایز است یا نه؟

ج - مانع ندارد.

۷۴۶) س - کسی که در حال طواف، شخصی را از روی زمین بلند

می‌کند، و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این

حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمی‌داند که آیا مقداری از مسافت را

بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - چون قصد طواف داشته تدارک لازم نیست.

۷۴۷) س - کودک نابالغی با اذن پدر مُحرم شد و طواف را نیمه‌کاره به

تصوّر این که همین مقدار کافی است رها کرده و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده است، تکلیف چیست؟

ج - طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر را عاده نماید.

(۷۴۸) نس - کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست که ادامه دهد، و دیگری به جای او بقیه را بجا آورد، ولیکن نماز طواف را خودش خوانده و بعداً متوجّه شده است ه استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی‌رساند و او با استراحت، می‌توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج - بقیه طواف را تمام کند و نماز را عاده نماید.

(۷۴۹) نس - شخصی طواف خود را به هم می‌زند و طواف دوم را شروع می‌کند، آن را نیز به هم می‌زند و طواف سوم را آغاز کرده به اتمام می‌رساند، وظیفه او چیست؟

ج - اشکالی ندارد و طواف سوم صحیح است.

(۷۵۰) نس - اگر شخصی رکن مستحجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجر الاسود است، لذا طواف را از مستحجار به عنوان حجر الاسود شروع کرد و هفت شوط کامل بجا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

ج - طواف مزبور باطل است، و باید تدارک شود.

(۷۵۱) نس - گاهی انسان شک می‌کند که این شوط طوافم به هم خورد یا نه، آیا می‌شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج - به وسوسه نبایدا عتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می‌شود، و با آوردن یک

شوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی شود.

س (۷۵۲) - شخص در حالی که مشغول طواف است در شوط پنجم یقین کرد که ۵ متر در شوط اول و ۵ متر در شوط سوم بی اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

ج - حرکت با فشار جمعیت مبطل طواف نیست و طواف اشکالی ندارد.

س (۷۵۳) - شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج - ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثنا نکرده معتبر است.
س (۷۵۴) - در طواف مستحبی زنان می دانند که به بدن مردان نگاه می کنند و احياناً هم در بین فشار مردان قرار می گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج - اگر اختیارات نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند. و در هر صورت طواف صحیح است.

س (۷۵۵) - آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟
ج - بلی شرط است.

س (۷۵۶) - مُحرم وارد مکه شد، آیا می تواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از اعمال عمره مفرده، و همچنین پس از مُحرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی بجا آورد یا خیر؟ و اگر بجا آورد به عمره و حجّش ضرر می زند یا نه؟

ج - احوط ترک طواف مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر نمی زند.

س (۷۵۷) - آیا می شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین بجا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر بجا آورد؟

ج - نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.

(۷۵۸)س - آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب بجا آورد یا نه؟

ج - جایز نیست مگر در مورد ضرورت و ازدحام جمعیت و از این جهت با طواف واجب فرقی نمی کند.

(۷۵۹)س - اگر حاجی از منی برگشته و هنوز طواف واجب را بجا نیاورده است، آیا می تواند طواف مستحبی بجا آورد یا نه؟

ج - احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند.

آداب و مستحبات طواف

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرَشُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ الْفَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ ﷺ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُعْزِرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلْ أَسْمِي».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد به خصوص وقتی که به در

خانه کعبه می رسد. و بخواند این دعا را:

«سَائِلُكَ فَقِيرُكَ مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ. اللَّهُمَّ الْبَيْتُ
بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ
النَّارِ فَأَعْتِقْنِي وَوَالِدَيَّ وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا
جَوَادُ يَا كَرِيمُ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و

بگوید:

«اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ
وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ
فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي
وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُنْعِمَ
بِالْعَافِيَةِ وَ الْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا
رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْزُقْنَا
الْعَافِيَةَ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ
جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنَّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید:

«رَبُّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِفُهُ لِي وَ أَغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقَكَ أَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمنی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ فَتَّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي».

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه و حجر الاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدِيئُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالمُؤَافَاةِ».

فصل پنجم

نماز طواف

و در آن مسائلی است:

- (۷۶۰)م - واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح.
- (۷۶۱)م - می تواند نماز طواف را با هر سوره ای که خواست بخواند مگر سوره های سجده دار، و مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد» سوره «قل هو الله احد» را بخواند، و در رکعت دوم سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.
- (۷۶۲)م - جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.
- (۷۶۳)م - شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند، و بعید نیست اعتبار ظن در رکعات، و در ظن افعال احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.
- (۷۶۴)م - احوط آن است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد.
- (۷۶۵)م - واجب است این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود و احتیاط

واجب آن است که پشت مقام بجا آورد که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود، و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیک بایستد، لکن به طوری که مزاحمت با سایرین نکند.

(۷۶۶) م - اگر بخاطر زیادی جمعیت برای نماز خواندن پشت مقام مجبور باشد آنقدر دور شود که گفته نمی شود نزد مقام نماز می خواند، در یکی از دو جانب بجا آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می خواند. (۷۶۷) م - هنگام ازدحام جمعیت برای نماز طواف، بارعایت الاقرب فالاقرب پشت مقام نماز بخواند و همین مقدار که عرف بگوید پشت مقام است کفایت می کند و لازم نیست که به خط مستقیم پشت مقام باشد.

(۷۶۸) م - جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد بجا آورد اگرچه در حال اختیار، بلکه گفته اند که آن را می تواند عمداً ترک کند.

(۷۶۹) م - اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم بجا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۷۶۹ به بعد ذکر شده عمل نماید.

(۷۷۰) م - اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید از همانجا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همانجا تمام کند.

(۷۷۱) م - شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است.

(۷۷۲) م - اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هر جا یادش آمد نماز را بجا آورد اگرچه در شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم نیست اگرچه آسان باشد.

(۷۷۳م) - اگر کسی این نماز را بجای آورد و بمیرد واجب است بر پسر بزرگ او که آن را قضا کند به نحوی که در کتاب «صلاة» تفصیل داده شده است.

(۷۷۴م) - جاهل به مسأله در احکامی که برای ناسی ذکر شد شریک است با او.

(۷۷۵م) - واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که می خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند.

(۷۷۶م) - اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می تواند خودش بجا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل اکتفا کند، لکن اکتفا به نماز جماعت نکند چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست.

(۷۷۷م) - نماز طواف را در همه اوقات می شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

(۷۷۸م) - اگر کسی از روی بی مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد نماز را به هر نحو که می تواند باید بخواند و صحیح است، لکن معصیت کار است، و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۷۷۶ عمل کند، و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.

مسائل متفرقه نماز طواف

(۷۷۹) م - نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجد الحرام جایز است به خصوص در موقع ازدحام، مناسب است مراعات سایر حجّاج را بنماید.

(۷۸۰) س - کسی نماز طواف عمره را در داخل حجراسما عیل بجا آورده و بعد از تقصیر متوجّه شده است، وظیفه او چیست؟
ج - باید نماز را عاده کند.

(۷۸۱) س - شخصی بعد از طواف، وضوی او باطل شده و خجالت کشیده که بگوید نمازش را بی وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و مُحل شده است، وظیفه او چیست؟
ج - باید نماز و سعی و تقصیر را عاده کند.

(۷۸۲) س - زنی نماز طواف خود را در حجراسما عیل خوانده است و چون به منزل آمده، ملتفت شده که حائض شده است و تا وقوف به عرفات پاک نمی شود، وظیفه او نسبت به نماز چیست، و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - عمره او صحیح است و باید برای حج تمتّع محرم شود و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد قبل از آن، نماز طواف عمره تمتّع را بجا آورد.

(۷۸۳) س - کسی که هر چه سعی نمود که موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد وظیفه اش چیست؟
ج - به هر نحو قدرت دارد بخواند، و به جماعت خواندن حتّی در فرض امکان واجب نیست.

(۷۸۴) س - در موقعی که شخص طواف می کرده جمعیت زیاد بوده و

بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره‌ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

ج - اگر امکان نداشته با فرض اضطرار مانع ندارد.

(۷۸۵) س - آیا در صورت ازدحام که نشود پشت مقام یا احد الجانین آن نماز طواف خواند تا حدود منبر، و نماز در قسمت راست یا چپ منبر خوانده شد، باز هم نماز در مقام در صورت امکان همان روز یا روزهای دیگر لازم است؟

ج - در صورتی که تا بعد از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز آن عذر باقی بوده عاده واجب نیست.

(۷۸۶) س - آیا جماعت در نماز طواف و نماز احتیاط مشروعت

دارد؟

ج - بهتر است جماعت در نماز احتیاط ترک شود بلکه مطابق احتیاط است و در مورد نماز طواف نیز اکتفاء به جماعت نشود.

(۷۸۷) س - برای کسانی که قرائشان درست نیست و می‌خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می‌توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست، و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتدا کنند یا نه؟

ج - اکتفا به جماعت نباید بکنند، و احتیاط در همه موارد سؤال حاصل می‌شود.

(۷۸۸) س - کسی که قرائتش درست نیست، آیا می‌تواند تبرعاً از کسی

که حج واجب بر عهده دارد نیابت کند و حج انجام دهد؟

ج - نیابت چنین شخصی صحیح نیست هر چند تبرعی باشد، مگر آنکه بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی‌الاعذار محسوب نباشد،

که در این صورت می‌تواند نیابت را قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

(۷۸۹)س - افرادی با اینکه قرائتشان درست نیست و کلمات نماز را نمی‌توانند درست بگویند، در حج نایب می‌شوند و عمره را به نیت منوبّ عنه انجام می‌دهند، بعد متوجه می‌شوند که نمی‌توانند نایب شوند. چگونه از احرام خارج شوند، و برای حج چه وظیفه‌ای دارند؟

ج - در صورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند. بلی اگر ممکن نیست و معذور هستند، احرام آنها صحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند.

(۷۹۰)س - کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکرش که در نماز می‌گوید درست است و نماز طواف را عم از طواف زیارت و نساء همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است. باید چه کند؟

ج - اگر احتمال غلط بودن آن را نمی‌داده، نمازش صحیح است.

(۷۹۱)س - چند روزی که اطراف کعبه به قدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم علیه السلام می‌آید، و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست مگر این که چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرمایید آیا حتماً نماز باید پشت مقام و نزدیک آن باشد ولو به این صورت، یا دورتر تا هر جا که می‌توان به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج - اگر امکان دارد و محذوری در بین نیست، باید خلف و نزد مقام نماز بخواند، و در مورد ضرورت، تأخیر مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

(۷۹۲)س - در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی

ندارد؟

ج - اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته، مانع ندارد، و در غیر این صورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آنکه وسوسه نباشد.

(۷۹۳) س - آیا محمول نجس در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج - در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد.

(۷۹۴) س - بین طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر بجا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج - احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

(۷۹۵) س - گاهی در پشت مقام ابراهیم عليه السلام جمعیت زیاد است، و چون زن و مرد کنار هم قرار می‌گیرند احیاناً مورد فشار ازدحام واقع می‌شوند، بدون اینکه ریه و فسادی در بین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی‌رساند؟

ج - برای نماز ضرر ندارد.

(۷۹۶) س - احیاناً انسان می‌داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کننده‌ها می‌آیند و او را حرکت می‌دهند و جا بجا می‌کنند، در عین حال نماز را شروع می‌کند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج - اگر صحیحاً تمام کند، مانع ندارد.

(۷۹۷) س - در مناسک فرموده‌اید بر هر مکلفی واجب است قرائت نمازهای یومیه‌اش را یاد بگیرد خصوصاً برای حج، حال اگر حاجی کوتاهی کرد و برای تعلّم و یادگیری قرائت نماز اقدام ننمود آیا همین نماز باطل کفایت می‌کند و یا اینکه باید نایب بگیرد، و در صورتی که نیابت را لازم نمی‌دانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟

ج - نماز را خودش بخواند و در صورت امکان نائب هم بگیرد.
(۷۹۸) س - زنی مُحْرَم به احرام عمره تمتّع شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف قبل از این که نماز طواف بخواند حائض گردیده، چه وظیفه دارد؟

ج - اگر وقت وسعت دارد صبر کند تا پاک شود و نماز را بخواند و بقیه اعمال را انجام دهد، و چنانچه وقت تنگ باشد سعی و تقصیر عمره تمتّع را انجام دهد و مُحْرَم شود به حج تمتّع، و قبل از طواف حج، نماز را بخواند و سپس بقیه اعمال را انجام دهد.

(۷۹۹) س - کسی که نمازش را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد می فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می تواند عمره مفرده مستحبی بجا بیاورد؟

ج - در صورت امکان اول نمازش را تصحیح کند و سپس برای عمره محرم شود و اگر بدون تصحیح نماز محرم شد برای نماز طواف اول خودش بخواند و نائب هم بگیرد.

(۸۰۰) س - شخصی طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟

ج - باید نماز و سعی را بجا آورد، و بعد از آن دو تقصیر را عاده کند.
(۸۰۱) س - آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است یا شامل دو طرف مقام نیز می شود؟

ج - دو طرف مقام را هم شامل می شود.
(۸۰۲) س - اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحّت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج - فقط نماز را باید عاده کند.

(۸۰۳) س - اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا

زیر زمین صحیح است؟

ج - در صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خواننده، صحیح نیست.

(۸۰۴) س - شخصی نماز طواف را به اعتقاد این که حجر اسما عیل مقام ابراهیم است در حجر اسما عیل خوانده، چه باید بکند؟
ج - باید نماز را عاده کند.

(۸۰۵) س - آیا نماز طواف واجب رومی توان بانماز جماعت یومیه بجا آورد؟

ج - جایز نیست.

(۸۰۶) س - پشت مقام تا چه اندازه ای صادق است، و آیا حدّ معینی نمی توان برای آن فرض کرد؟

ج - عرفی است.

(۸۰۷) س - آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله مُخل است؟
ج - مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است.

(۸۰۸) س - گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می رسد، آیا در این صورت میشود نماز طواف را پشت سر طواف کنندگان بجا آورد، و آیا صدق پشت مقام می نماید؟
ج - صدق خلف، به نظر عرف است.

(۸۰۹) س - شخصی مُحرم به احرام عمره تمتّع، وارد مکه شده است و هفت روز مثلاً در مکه توقّف دارد و نماز او غلطهای زیادی دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند یا وظیفه دیگری دارد؟
ج - نمازش را تصحیح کند و بعد طواف و نماز را بجا آورد و اگر

نمی‌تواند بعد از طواف نماز را بخواند و نایب هم بگیرد.
 (۸۱۰) س - اینجانب چند سال قبل به مکه معظمه مشرف شدم و در آنجا اولاً نماز طواف نساء و نماز طواف برای هر دو طواف واجب را که یکی عمره مفرده و دیگری حج می‌باشد نخوانده‌ام و ثانیاً در تعداد اشواط طواف دوم هم در شک می‌باشم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.
 ج - اگر بعد از طواف و انصراف از آن، شک در عدد اشواط کرده‌اید به شک اعتنا نکنید و نمازهایی را که نخوانده‌اید اگر نمی‌توانید به مکه بروید در محل خود بخوانید و تا نخوانده‌اید حرمت نساء باقی است.

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَ يَرْضَى. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ أَرْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَ أَجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می‌گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَ جِهِي تَعْبُدُ أَوْ رِقًا لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ»

وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ
لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقَرَّرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ
لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا
در آب فرو رفته باشد.

فصل ششم

سعی

و در آن چند مسأله است:

- (۸۱۱) م- واجب است بعد از بجا آوردن نماز طواف سعی کند بین صفا و مروه که دو کوه معروفند.
- (۸۱۲) م- مراد از سعی آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.
- (۸۱۳) م- واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند، به این معنی که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.
- (۸۱۴) م- واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید باید اعادة کند، و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.
- (۸۱۵) م- احتیاط آن است که ابتدا کند از جزء اول صفا و از آنجا شروع به سعی کند، و در صورتی که روی کوه برود و همان طور به نحو متعارف سعی کند کفایت می‌کند.
- (۸۱۶) م- در سعی بین صفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمل،

چه در حال اختیار و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است.
 (۸۱۷) م- طهارت از حدث و خبث و پوشاندن عورت در سعی معتبر نیست گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

(۸۱۸) م- واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن بجا آورد، و اگر عمداً پیش از آنها بجا آورد باید بعد از طواف و نماز آن را عاده کند.
 (۸۱۹) م- اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف، اقوی آن است که آن را عاده کند و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد.

(۸۲۰) م- واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه، سعیش باطل است.
 (۸۲۱) م- اگر بین صفا و مروه راد و طبقه یا چند طبقه کنند سعی از غیر طبقه اول فقط در صورت اضطرار جایز است.

(۸۲۲) م- اگر طبقه زیر زمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه دار بود و سعی بین آن دو واقع شد صحیح است علی الظاهر، و احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

(۸۲۳) م- واجب است در وقت رفتن به طرف مروه متوجه به آن جا، و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

(۸۲۴) م- جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه، و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنا بر اقوی.

(۸۲۵) م- جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب گرچه

احتیاط در تأخیر نینداختن است.

(۸۲۶) م- جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض.

(۸۲۷) م- سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای فرمان

خدای تعالی بیاورد.

(۸۲۸) م- سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا

سهو چنان است که در طواف گذشت.

(۸۲۹) م- زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل

شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.

(۸۳۰) م- اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از یک مرتبه

یا بیشتر سعی او صحیح است، و بهتر آن است که زائد را رها کند، گرچه

بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.

(۸۳۱) م- اگر سعی را کم کند سهواً واجب است آن را اتمام کند هر

وقت یادش بیاید، و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت

ندارد باید برگردد، و اگر نمی تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد.

(۸۳۲) م- اگر کمتر از سه دور و نیم از سعی را بجا آورده و بقیه را

فراموش کرده با فوت موالات باید سعی را از اول بجا آورد، اما اگر سه دور

و نیم یا بیشتر بجا آورده سعی را از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و تمام

کند.

(۸۳۳) م- با تمام کردن سعی حلال نمی شود بر او آنچه حرام شده بود

به واسطه احرام.

(۸۳۴) م- اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره تمتع پس به گمان

این که اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شد و بعد از آن نزدیکی با

زنان کرد واجب است برگردد و سعی را تمام کند، و واجب است که یک

گاو برای کفاره ذبح کند.

(۸۳۵) م- اگر فراموش کرد بعضی سعی را در عمره تمتع و تقصیر کرد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد واجب است که به دستور مسأله سابق عمل کند، بلکه احتیاط واجب آن است که در این دو حکم سعی در غیر عمره تمتع را نیز ملحق به تمتع کند در کفاره و اتمام.

(۸۳۶) م- اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیرا اعتنا نکند، و اگر شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد چون بنا گذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک خالی از اشکال نیست احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می دهد اتمام کند، خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمدتاً برای حاجتی ترک کرده است سعی را که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست، و اگر شک در زیاده دارد و می داند ناقص نشده اعتنا نکند.

(۸۳۷) م- اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری شک در درست آوردن آن کند اعتنا نکند و سعیش صحیح است، و همین طور اگر در بین رفت و آمد شک در صحیح بجا آوردن جزء پیش کند، اعتنا نکند.

(۸۳۸) م- اگر در مره شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتر مثل اینکه شک کند که این دور هفت است یا کمتر ظاهراً سعی او باطل است، و همچنین است هر شکّی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا.

(۸۳۹) م- اگر طواف را در روزی بجا آورد و روز بعد شک کرد که سعی کرده است یا نه بعید نیست بنا گذاری بر آوردن، گرچه احتیاط در آوردن است، مگر آنکه بعد از تقصیر شک کند که در این صورت لازم نیست سعی کند.

مسائل متفرقه سعی

(۸۴۰) م- کسی که می دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده احتیاط آن است که سعی را عاده کند اگرچه اقوی کفایت همان سعی است.

(۸۴۱) م- کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را بجای آورد و سعی را شب انجام می دهد اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد اگرچه اقوی کفایت است.

(۸۴۲) م- سعی در طبقه فوقانی فقط در صورت اضطرار جایز است.

(۸۴۳) س- کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از

هفت شوط بوده تکلیف او چیست؟

ج- می تواند سعی را رها کند و همه اعمال را از ابتدا شروع کند، یعنی

طواف و نماز و سعی را دوباره بجا آورد.

(۸۴۴) س- اگر از مروه شروع کند و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده

است، وظیفه او چیست به خصوص اگر تقصیر کرده باشد

ج- باید سعی را عاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.

(۸۴۵) س- کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا گمان تمام شدن

هفت شوط را کرد و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفته اند که باید یک شوط

دیگر بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او

صحیح است یا خیر، و کفاره دارد یا نه؟

ج- عمل صحیح است ولی در عمره تمتع کفاره دارد، و کفاره آن

یک گاو است.

(۸۴۶) س- کسی در اثناء سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده

و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟

ج - اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده، یا اگر قطع کرده از جایی که سعی را قطع کرده یا مُحاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.

س (۸۴۷) - کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است آیا طواف و نماز را باید عاده کند؟

ج - اگر بدون عذر تأخیر انداخته طواف و نماز را باید عاده کند.

س (۸۴۸) - آیا زنهایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب

می گیرند در سعی هم می توانند نایب بگیرند؟

ج - محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان بجا آورند با

مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

س (۸۴۹) - اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را

تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه می شود که پنج شوط بوده، اولاً آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافی است؟

ج - باید سعی را اتمام کند، و پس از سعی تقصیر را عاده کند.

س (۸۵۰) - شخصی بعد از طواف عمره تمتع گم شده و بعد از پیدا

شدن به رفقاییش گفته که سعی صفا و مروه را بجا آورده ام، و تقصیر نمود و مُحرم شد برای حج تمتع، ولی بعد از مراجعت از عرفات و منی و موقع طواف و سعی صفا و مروه اعمال حج اظهار کرده: مثل اینکه من در اعمال عمره به صفا نیامده ام، همین طور گفته اند ان شاء الله آمده ای، بعد از مراجعت به ایران چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده، و قبل از فوتش وصیت نموده است برای او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق

الذَّكَرُ باطل شد وُزَّاتٌ او حاضرند این جانب را بفرستند تا اعمال حج او را انجام بدهم، نظر حضرت تعالی چیست؟

ج - حج او باطل است مگر آنکه سعی را فراموش کرده باشد که در این صورت فقط برای سعی نایب می‌گیرند.

(۸۵۱)س - بین صفا و مروه طوری است که از یک طرف می‌روند و از طرف دیگر آن بر می‌گردند، یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که به صفا رفته، به مروه برود اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

(۸۵۲)س - شخصی در حال سعی کردن بود، یک وقت دید مقداری راکه برای هروله علامت گذاری کرده‌اند به طور عادی سیر کرده است، گمان می‌کرد لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداری راکه عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد.

(۸۵۳)س - شخصی در سعی بین صفا و مروه، از جایی که به صفا یا مروه رسید برای شوط بعدی شروع نمی‌کند، بلکه تقریباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به شکل عرضی می‌آید و شروع می‌کند، و در این مقدار متوجه نیست که با نیت سعی کرده است یا نه، ولی اگر از او سؤال شود چه می‌کنی جواب می‌دهد سعی می‌کنم، آیا مضر نیست؟

ج - راه رفتن مزبور روی کوه مضر به سعی نیست، و در فرض مسأله سعی، صحیح است.

(۸۵۴)س - آیا سعی کردن از همانجا که مریضها را با چرخ می‌برند و بر می‌گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سرایشی شروع می‌کنند) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به

سنگهای سیاه بعد از سنگهای صاف که بقایای کوه است برسند؟

ج - سعی باید بین دو کوه باشد احراز شود، و لازم نیست بالا برود.
(۸۵۵)س - در مناسک فرموده‌اید کسی که بین صفا و مروه، سعی می‌کند واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد، و بالعکس، آیا این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

ج - وضعی است.

(۸۵۶)س - گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجد الحرام عبور کند، در این صورت تکلیف حائض و نفساء چیست، و آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟
ج - اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند باید تأخیر بیندازند، و اگر آن هم ممکن نیست نوبت به نیابت می‌رسد، و بر فرض مخالفت چنانچه از آن راه رفت و خودش سعی کرد سعیش صحیح است هر چند گناه کرده است.

(۸۵۷)س - زیادی در سعی جهلاً، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی؟

ج - حکم زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است.

(۸۵۸)س - کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخ‌های معمولی در مسعی سعی کند لکن تمکن مالی ندارد، چون ارز خود را صرف سوغات کرده، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر می‌تواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استنابه صحیح نیست مگر آنکه مشقت و حرج در کار باشد.

(۸۵۹)س - شخصی شوط سوم سعی را به هم زد و با فاصله اندکی

هفت شوط دیگر بجا آورد، و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟
ج - صحیح می‌باشد.

(۸۶۰) س - شخصی به اعتقاد این که هر شوط سعی رفت و برگشت از صفا به مروه است سعی را شروع می‌کند و در شوط سوم متوجه مسأله می‌شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می‌دهد. سعی او چه حکمی دارد؟

ج - سعی او صحیح است.

(۸۶۱) س - شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، تکلیف او چیست؟

ج - اگر از محل آن گذشته می‌تواند عاده کند و یا اینکه مقدار اضافی را رها کند و آنچه عقب عقب رفته جبران نماید و ادامه دهد.

(۸۶۲) س - سعی از طبقه دوم فعلی که بالاتر از کوه صفا و مروه می‌باشد، جایز است یا نه؟

ج - فقط در صورت اضطرار جایز است.

(۸۶۳) س - شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی گاهی به عقب بر می‌گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده، آیا سعی او صحیح است؟

ج - اشکال ندارد.

(۸۶۴) س - شخصی سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می‌شود انجام داده است، و آن‌گاه که متوجه مسأله شد سعی را از همانجا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال احوطاً عاده سعی است.

(۸۶۵) س - شخصی به تصور این که رفتن بالای کوه صفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته لذا برای عاده

آن مقداری وارد مسعی شده و بعد به نیت سعی برگشته است و در واقع مقداری مسافت را دوبار طی کرده است، آیا سعی او درست است؟

ج - اگر به نیت احتیاط عمل کرده باشد ضرر ندارد.

(۸۶۶) س - شخصی به تصوّر این که سعی نیاز به وضو دارد بعد از یک

شوط و نیم سعی خود را قطع می کند و وضو می گیرد و هفت شوط دیگر سعی می نماید، تکلیف او چیست؟

ج - اشکال ندارد.

(۸۶۷) س - کسی که قدر متیقن عدد اشواط را می داند، اما تردید دارد

که شوط بعدی را انجام داده است یا نه، مثلاً می داند پنج شوط انجام داده، ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - فرض مزبور شک در اشواط است، و مُبطل است.

(۸۶۸) س - اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود،

تکلیف او چیست؟

ج - از احرام خارج شده، و هر وقت یادش آمد سعی را بجا آورد.

(۸۶۹) س - اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شک

کرد، تکلیف او چیست؟

ج - مُبطل است، و باید سعی را اعاده کند.

(۸۷۰) س - آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، و یا

اختصاص به بعضی دارد؟

ج - در سه دور و نیم موالات عرفیه معتبر است.

(۸۷۱) س - اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا

باشد آیا به سعی او ضرر می زند یا نه؟

ج - ضرر نمی زند.

(۸۷۲) س - شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک می کند و با

حال تردید به سعی خود ادامه می‌دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آنکه صد متر سعی کرده یا وارد شوط بعدی شده است یقین به عدد حاصل می‌شود و با یقین، باقی سعی را هم انجام می‌دهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟
ج - صحیح است.

مستحبات سعی

مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته، یک یا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

پس از آن به نزد حجر الأسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجر الأسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجر الأسود در آن است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد آن گاه این اذکار را بگوید:

«الله اکبر» هفت مرتبه.

«الحمد لله» هفت مرتبه.

«لا اله الا الله» هفت مرتبه.

«لا اله الا الله وَ حده لا شريك له، له الملك وَ له الحمد يحيي وَ يميت وَ

هو حي لا يموت بيده الخير وَ هو على كل شيء قدير» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«الله أكبر على ما هدانا وَ الحمد لله على ما أبلانا وَ الحمد لله الحيّ

القيوم وَ الحمد لله الحيّ الدائم» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَأَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«الله اكبر» صد مرتبه.

«لا اله الا الله» صد مرتبه.

«الحمد لله» صد مرتبه.

«سبحان الله» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمَلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ

أَعِدَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید: «الله اکبر» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یک بار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنَّ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ اِرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي. أَصَبَحْتُ أَتَقِيَّ عَدْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ اِرْحَمْنِي».

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَ لَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخوهد مال او زیاد شود ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ وَ ظُلْمَتِهِ وَ ضَيْقِهِ وَ ضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلَمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوُ، الْعَفْوُ، الْعَفْوُ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ أَرُدُّ عَلَى

نِعْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلِنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جایی که محلّ بازار عطّاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ أَرْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، وَ أَهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَ بِكَ حَوْلِي وَ قُوَّتِي تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

و همین که از محلّ بازار عطّاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ وَ النَّعْمَاءِ وَ الْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و بجا آورد آنچه راکه در صفا بجا آورد و بخواند عاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد. و پس از آن بگوید:

«يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ: الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ».

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وا دارد و در حال سعی، دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَ صِدْقَ النَّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

فصل هفتم

تقصیر

و در آن چند مسأله است:

(۸۷۳)م- واجب است بعد از آنکه سعی کرد تقصیر کند، یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند، و از موی هم قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه حرام است. و اگر عمداً چنین کرده باید يك گوسفند كفاره بدهد.

(۸۷۴)م- تقصیر نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره اش می‌شود مگر آنکه جبران کند.

(۸۷۵)م- اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره اش صحیح است و مستحب است فدیة يك گوسفند، و احتیاط آن است که فدیة بدهد. (و تقصیر کند)

(۸۷۶)م- اگر عمداً تقصیر را ترک کند تا احرام بستن برای حج، عمره او باطل می‌شود بنابر اقوی، و ظاهراً حج او حج افراد شود، و باید پس از تمام کردن حج افراد عمره مفرده بجا آورد و بنا بر احتیاط مستحب در سال

بعد حج تمتع بجا آورد.

(۸۷۷) م - عمره تمتع، طواف نساء ندارد.

(۸۷۸) م - بعد از آنکه شخص مُحرم در عمره تمتع تقصیر کرد حلال

می شود بر او به غیر از تراشیدن سر هر چه حرام شده بود بر او به واسطه احرام حتی نزدیکی با زن.

مسائل متفرقه تقصیر

و احکام بین عمره و حج تمتع

(۸۷۹) م - در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن

است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و احوط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

(۸۸۰) س - آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن

محرمات احرام را بجا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج - با جهل کفاره ندارد مگر در صید به تفصیلی که در کتب ذکر شده

است.

(۸۸۱) س - کسی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر کرد، بعد به شك

افتاد که آیا تقصیری که کردم صحیح است یا نه، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج - اگر در حال عمل عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد.

(۸۸۲) س - یکی از خدمه کاروانها به احرام عمره مفرده از میقات

مُحرم می شود و به مکه می آید و طواف و نماز آن و سپس سعی بین صفا و

مروه را به همان عنوان بجا می آورد، ولی برای تقصیر، گمان می کرد کندن

مو کافی است و چند نخ مو را به عنوان تقصیر کند و به حساب خودش از

احرام خارج شد، سپس برای عمره تمتع که وظیفه اش بود به میقات رفت و

مُحرم شد و به مکه آمد و کلیه اعمال، از طواف تا تقصیر را، انجام داد. اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه‌اش چیست؟

ج - کندن مو در تقصیر کافی نیست، و عمره تمتع او صحیح نیست مگر آنکه قبل از احرام برای آن، از احرام عمره مفرده با تقصیر صحیح خارج شود.

(۸۸۳) س - اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا می‌تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است، و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

ج - تقصیر را در هر جا می‌تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده کند. و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

(۸۸۴) س - هرگاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

(۸۸۵) س - شخصی در حج به عوض تقصیر در عمره تمتع یک مواز

بدن‌کنده است و الآن متوجه شده است. آیا حج او اشکال دارد یا نه؟

ج - حج او بدل به افراد می‌شود و باید عمره مفرده بعد از آن بجا آورد و احتیاط مستحب است که در سال آینده حج تمتع بجا آورد.

(۸۸۶) س - شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس

سعی را بجا آورد و دوباره تقصیر کرد، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر ساهی بوده چیزی بر او نیست، و در صورت جهل احتیاطاً

کفاره بدهد.

(۸۸۷) س - کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارند، اگر بعد

از سعی تقصیر نمودند، آیا موجب مُحل شدن و یا کفاره می‌گردد؟

ج - مُحل نمی‌شوند، و اگر ساهی بوده‌اند کفاره ندارد. و در صورت

جهل احتیاطاً کفاره بدهد.

۸۸۸) س - اگر کسی به جای تقصیر حلق نمود آیا کفایت می‌کند؟

ج - در عمره تمتع کفایت نمی‌کند.

۸۸۹) س - کسی که بعد از انجام اعمال عمره تمتع در منزل تقصیر

کرده است، وظیفه‌اش چیست؟

ج - مانع ندارد.

۸۹۰) س - حضرت عالی در مسأله دوم تقصیر می‌فرمایید: اگر

کسی تقصیر را به ریا انجام دهد عمره‌اش باطل است، مقصود از بطلان

عمره چیست؟ دیگر این که وظیفه او چه می‌شود؟

ج - مقصود این است که در تقصیر ریا کند و بدون تدارک تقصیر،

برای حج، مُحرم شود و حج انجام دهد، که در این صورت حکم کسی را

دارد که بدون تقصیر وارد اعمال حج شده است، که حج او بدل به حج

افراد می‌شود و باید بعد از حج عمره مفرده به جا آورد و به احتیاط

مستحب در سال بعد حج تمتع را بجا آورد.

۸۹۱) س - اگر کسی در اثناء سعی تقصیر نمود، وظیفه او چیست؟

ج - باید سعی را تمام کند و تقصیر را عاده کند. و اگر از اول سعی،

قصد هفت شوط نداشته، سعی را نیز عاده کند.

۸۹۲) س - اگر کسی از روی جهل، تقصیر را ترک نمود چه

حکمی دارد؟

ج - در این مسأله، جهل، حکم عمد را دارد.

۸۹۳) س - در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و

نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - باید تقصیر نماید و طواف نساء را عاده نماید، و فرقی بین صور

عمد و سهو و علم و جهل نیست علی‌الاحوط.

۸۹۴) م - بعد از انجام عمره تمتع و قبل از حج تمتع اشکالی ندارد

عمره مفرده بجا آورده شود، هر چند احتیاط در ترک آن است.

(۸۹۵) م- خدمه کاروانهای حج اگر عمره مفرده بجا آورده باشند هر دفعه که از مکه خارج می‌شوند و به جدّه می‌روند و بر می‌گردند لازم نیست محرم شوند ولی اگر عمره تمتّع بجا آورده‌اند بنا بر احتیاط نباید از مکه خارج شوند مگر در صورت حاجت در حالی که محرمند به احرام حج.

(۸۹۶) س- خدمه کاروانها که پس از انجام عمره تمتّع باید به عرفات و منی بروند برای دیدن چادرها و کارهای دیگر و برگردند به مکه، وظیفه آنان چیست؟

ج- بنا بر احتیاط واجب نمی‌توانند از مکه خارج بشوند مگر در مورد ضرورت، و در این صورت باید برای حج مُحرم شوند و بیرون بروند. بلی اگر احرام برای آنان حَرَجی باشد و رفتن به عرفات و منی بر آنان ضرورت دارد می‌توانند بدون احرام به آنجا بروند.

(۸۹۷) س- آیا بین عمره تمتّع و حج تمتّع ماشین کردن سر جایز است؟
ج- ماشین کردن مانع ندارد ولی نباید سر را بتراشد، و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است باید اجتناب شود علی‌الاحوط.

(۸۹۸) س- بین عمره تمتّع و حج تمتّع که جایز نیست سر بتراشد آیا سر تراشیدن کفّاره دارد یا خیر؟
ج- کفّاره ثابت نیست.

(۸۹۹) س- زنی که حیض بوده و نمی‌دانست و اعمال عمره را کلاً بجا آورد، بفرماید باید دوباره بجا آورد یا کافی است؟

ج- اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند، ولی اگر وقت ندارد حج او بدل به افراد می‌شود.

(۹۰۰) س- همچنان که تراشیدن سر بعد از عمره تمتّع و قبل از احرام

حج حرام است، آیا تراشیدن صورت نیز همین حکم را دارا است؟
ج - غیر از حکم تراشیدن ریش در غیر این مورد، حکم خاصی ندارد.

(۹۰۱) س - آیا غار حرا جزء محدودۀ مکه است؟ و بنابراین آیا می توان قبل از وقوف، به آنجا رفت و صدق خروج از مکه نمی کند؟
ج - اشکال ندارد و صدق خروج از مکه نمی کند.

(۹۰۲) س - کسی که از کارمندان سازمان حج است و به ناچار باید بعد از عمره تمتع و قبل از حج از مکه خارج و به عرفات برود، با توجه به اینکه حج او نیابتی است، آیا لطمه به حج او نمی زند؟

ج - ضرر به حج و نیابت نمی زند، ولی در صورت امکان باید مُحرم شود به احرام حج و از مکه خارج شود علی الاحوط.

(۹۰۳) س - بعضی از حجّاج منزلشان از مکه خارج است، بعد از عمره تمتع و قبل از احرام به حج تمتع، خارج شدن آنان از مکه چه حکمی دارد؟

ج - خروج از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست علی الاحوط، مگر در مورد ضرورت که در این صورت هم باید مُحرم شوند به احرام حج و خارج شوند.

(۹۰۴) س - اخیراً خط کمربندی در اطراف مکه از پای جبل النور و جبل ثور می گذرد، که غار حرا و غار ثور در این دو جبل است، بین عمره و حج، رفتن برای زیارت این دو مکان مقدّس، چه صورت دارد؟
ج - اشکال ندارد و صدق خروج از مکه نمی کند.

(۹۰۵) س - خروج از مکه برای کسی که عمره تمتع انجام داده برای کار غیر ضروری جایز است یا نه، و ملاک ضرورت چیست؟
ج - بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، و ضرورت عرفی است.

تبدل حج تمتع به افراد

و در اینجا چند مسأله است:

(۹۰۶)م- اگر شخصی که احرام عمره تمتع بسته است به واسطه عذری دیر وقت وارد مکه شد به طوری که اگر می خواست عمره بجای آورد وقت وقوف به عرفات می گذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد، و پس از بجا آوردن آن، عمره مفرده بجا آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است.

(۹۰۷)م- اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد به واسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف بجا آورد و اگر می خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد به دستوری که در مسأله قبل گفته شد باید عمل کند.

(۹۰۸)م- اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام به واسطه عذری بوده و وقت هم تنگ باشد باید در مکه احرام حج افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.

(۹۰۹)م- اگر از روی عمد و بی جهت احرام نبسته و عمره خود را باطل کرده و وقت تنگ شده از عمره تمتع، احتیاط واجب آن است که حج افراد بجا آورد و پس از آن، عمره مفرده، و بنا بر احتیاط مستحب در سال دیگر

حج را عاده کند.

(۹۱۰) م - مراد از تنگی وقت در مسأله‌های پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی‌الحجه است تا غروب.
(۹۱۱) م - کسی که حج مستحب بجا می‌آورد و پس از ورود به مکه دید وقت تنگ است، عدول به افراد کند و حج افراد بجا آورد، و عمره مفرده بر او واجب نیست.

(۹۱۲) م - کسی که مُحرم شد به احرام عمره تمتع از حج واجب و عمدتاً تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد باید به دستوری که در مسأله ۹۰۹ ذکر شد عمل نماید.

(۹۱۳) م - کسی که وظیفه او حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر بخواهد عمره تمتع بجا آورد به وقوف عرفات نمی‌رسد می‌تواند از اول، مُحرم شود به حج افراد و آن را بجا آورد. و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و عملش صحیح است.

مسائل متفرقه تبدل

(۹۱۴) س - کسی قصد بیرون رفتن از مکه را داشت، به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده مُحرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را بجا آورد، بعداً از خارج شدن از مکه منصرف شد، آیا این عمره، از عمره تمتع کفایت می‌کند، یا باید برگردد به میقات و برای عمره تمتع مُحرم شود؟

ج - اگر عمره مفرده او در ماههای حج بوده تبدیل آن به عمره تمتع جایز است، چه در حج واجب و نیابی و چه در حج استحبابی.

(۹۱۵) س - اگر بعد از نیت عمره و احرام، مجدداً برای عمره دیگر مُحرم شود، مثلاً به نیت عمره مفرده مُحرم شده بعداً نیت عمره تمتع کند و

تلبیه بگوئید، آیا کدام عمره صحیح است؟

ج - اگر نیت کرده و تلبیه گفته، مُحرم شده است و تجدید احرام موضوع ندارد، و نمی تواند برای نوع دیگر عمره، نیت کند و احرام دوم باطل است.

(۹۱۶) س - زنی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه داشت و مثلاً روز هفتم ماه پاک می شد همان روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال عمره اش را بجا آورد، روز بعد لک دید، باز غسل کرد و اعمال را انجام داد تا روز دهم و برای عرفات حرکت کرد، روز یازدهم هم لک دید، آیا حجش افراد است یا تمتع؟

ج - در فرض مزبور وظیفه او تمتع است.

(۹۱۷) س - زنی روز هشتم خون دید، خیال کرد حیض است، احرامش تبدیل به حج افراد کرد، بعد که به عرفات رفت متوجه شد که استحاضه است، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقت عمره ضیق شده و طواف را عمدتاً تأخیر نینداخته حج افراد را تمام کند و اگر حج واجب است سپس عمره مفرده بجا آرد.

(۹۱۸) س - اینجانب مدیر گروه حج می باشم، اعمال حجی که انجام می دهم مستحبی است، آیا می شود به جای حج تمتع نیت حج افراد نمود و به جای عمره تمتع، عمره مفرده انجام داد؟ و همچنین سایر خدمه، واجب الحج نیستند آیا می توانند چنین کنند؟

ج - می توانند عمره مفرده انجام دهند و برای حج مُحرم نشوند، و می توانند حج افراد بجا آورند، ولی میقات حج افراد مواقیت معروفه است.

(۹۱۹) س - کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است و به قصد حج افراد در یکی از میقاتها مُحرم شده است، آیا می تواند نیت حج افراد خود

را به عمره تمتع تبدیل نماید و بعد از انجام آن، حج تمتع بجا آورد، و همچنین آیا می‌تواند حج افراد را به عمره مفرده تبدیل نماید و بعد از انجام آن، برای عمره تمتع مُحرم شود؟

ج - نمی‌تواند عدول کند و تبدیل نمی‌شود.

(۹۲۰) س - شخصی با احرام عمره تمتع وارد مکه شده و بعد از اعمال

عمره برای حج افراد مُحرم شده است، آیا حج او صحیح است؟

ج - اگر از مکه خارج شده و از میقات برای حج افراد مُحرم شده بعید نیست صحت حج، ولی تمتع نمی‌شود، و اگر از مکه مُحرم شده، در صورت اشتباه در تطبیق، حج او صحیح و تمتع است، و در غیر این صورت حج او صحیح نیست.

(۹۲۱) س - شخصی در حرم برای حج افراد مُحرم شده و بعضی از

اعمال را انجام داد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر از روی جهل بوده، چنانچه ممکن نیست که به میقات برود و از آنجا مُحرم شود و به وقوف برسد، در همان محلی که هست محرم شود و اعمالی که امکان تدارک آن با احرام هست تدارک کند، و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و بعد متوجه شده، حج او صحیح است.

باب دوم

اعمال حجّ تمتّع^س

فصل اول: احرام حج

فصل دوم: وقوف به عرفات

فصل سوم: وقوف به مشعرالحرام

فصل چهارم: واجبات منی

فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی

فصل ششم: بیتوته در منی

فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه

فصل اوّل

احرام حج

و در آن چند مسأله است:

- (۹۲۲) م- واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد برای حج تمتّع.
- (۹۲۳) م- اگر نیت کند حج تمتّع را و لیتیک‌های واجب را به طوری که در احرام عمره ذکر شد بگوید محرم می‌شود، و لازم نیست قصد کند احرام بستن را و همچنین لازم نیست قصد کند ترک محرمات را چنانچه در احرام عمره گذشت.
- (۹۲۴) م- نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد، و ریا موجب بطلان عمل است.
- (۹۲۵) م- کیفیت احرام بستن و لیتیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد.
- (۹۲۶) م- تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام هم حرام است، و آنچه کفّاره داشت کفّاره دارد به همان ترتیب.
- (۹۲۷) م- وقت احرام موسّع است، و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقت اختیاری عرفة برسد می‌تواند تأخیر بیندازد و از آن وقت نمی‌تواند

عقب بیندازد.

(۹۲۸) م - احتیاط واجب آن است که کسی که از عمره تمتع فارغ شد و مُجَلَّگَر دید از مکه خارج نشود بدون حاجت، و اگر حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد احتیاط واجب آن است که محرم شود به احرام حج و بیرون رود و به همان احرام برای اعمال حج برگردد.

(۹۲۹) م - اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه لکن برگشت و احرام بست و حج بجا آورد عملش صحیح است.

(۹۳۰) م - مستحب است احرام بستن در روز ترویبه (هشتم ذی حجه)، بلکه احوط است.

(۹۳۱) م - محل احرام حج، شهر مکه است هر موضع که باشد گرچه در محله‌های تازه ساز، ولی مستحب است کنار مقام ابراهیم عليه السلام یا در حجر اسما عیل عليه السلام واقع شود.

(۹۳۲) م - اگر فراموش کند احرام بستن را و بیرون رود به منی و عرفات، واجب است برگردد به مکه و احرام ببندد، و اگر ممکن نشد به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر از همانجا که هست محرم شود.

(۹۳۳) م - اگر یادش نیاید که احرام نبسته مگر بعد از تمامی اعمال، حجّش صحیح است ظاهراً و احتیاط مستحب آن است که اگر یادش آمد بعد از وقوف به عرفات و مشعر یا قبل از فارغ شدن از اعمال، تمام کند حج را و در سال بعدا عاده کند.

(۹۳۴) م - جاهل به مسأله اگر احرام نبندد در حکم کسی است که به واسطه فراموشی احرام نبسته.

(۹۳۵) م - اگر کسی از روی علم و عمد ترک کند احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفات و مشعر، حج او باطل است.

مسائل متفرقه احرام حج

(۹۳۶)س - فاصله بعضی از محلات جدید الاحداث مکه تا مسجد الحرام بیش از ۱۸ کیلومتر است و شاید عرفاً از توابع مکه حساب شوند نه این که جزء مکه باشند، چرا که تابلوی راهنمایی با فلش جهت مکه را مشخص نموده‌اند، با این کیفیت آیا می‌توان برای حج در محلات فوق الذکر مُحرم شده

ج - اگر از محلات مکه است مانع ندارد، و اگر از محلات آن نیست یا مورد شک است، کفایت نمی‌کند.

(۹۳۷)س - اشخاص معذوری که می‌توانند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارند اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام دادند چه صورتی دارد؟

ج - کفایت نمی‌کند و باید یا قبل از وقوفین، آنها را با احرام عاده کنند یا بعد از وقوفین و اعمال، آنها را بجا آورند.

(۹۳۸)س - حاجی در عرفات یا منی فهمید که در احرام حج تلبیه نگفته است آیا در لحظه التفات، تلبیه کافی است و تکلیف او چیست؟

ج - اگر می‌تواند به مکه برود و مُحرم شود و بقیه اعمال را که باید با احرام انجام دهد بجا آورد، باید چنین کند، و اگر ممکن نیست همانجا لُتیک بگوید، و اگر بعد از تقصیر یا حلق متذکر شده، عملش صحیح است و لازم نیست لُتیک بگوید.

(۹۳۹)س - شهر مکه را چند رشته کوه‌های طولانی و مرتفع فرا گرفته و هر دو جانب کوه ساختمان شده است، گاهی چند کیلومتر باید از این جانب کوه رفت تا به جانب دیگر رسید، و ساکنین احد الجانبین جدای از جانب دیگرند، مثل شعب بنی عامر که نزدیک مسجد الحرام است و عزیزیه که ۹ کیلومتر یا بیشتر در جانب دیگر است، و به حساب مسامحه عرفی به همه

این قطعات مکه گفته می‌شود، آیا احرام حج تمتع از تمام این نقاط و نقاط مشابه صحیح است یا نه؟

ج - اگر در مکه است، احرام حج از آنجا صحیح است، هر چند از ساختمانهای جدید الاحداث باشد.

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از این که شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید: «اللَّهُمَّ أَيَّاكَ أَرْجُو، وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَ أَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ».

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ مِنِّي وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِكَ مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ فِيهَا بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ».

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد، و چون نماز صبح را بخواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ فَأَسْأَلُكَ
أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رَحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ
مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

فصل دوم

وقوف به عرفات

و در آن چند مسأله است:

- (۹۴۰)م- واجب است وقوف به عرفات - که محلّی است معروف و محدود است به حدود معروفه - به قصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.
- (۹۴۱)م- مراد از وقوف، بودن در آن مکان است چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.
- (۹۴۲)م- اگر در تمام وقت بیهوش باشد یا خواب، وقوف او باطل است، مگر اینکه پس از زوال قصد وقوف کرده باشد و خواب رفته یا بیهوش شده باشد که در این صورت وقوفش صحیح است.
- (۹۴۳)م- به احتیاط واجب، لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقّف کند.
- (۹۴۴)م- تأخیر انداختن از اوّل ظهر اگر کم باشد مثلاً به مقدار نماز ظهر و عصر که جمع بین آنها کند، جایز است.
- (۹۴۵)م- بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقّف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقّف کند حج

او صحیح است اگر چه توقّف نکردن از روی عمد و علم باشد.
 (۹۴۶) م- آنچه در وقوف رکن است مسمّای وقوف است به این معنی
 که گفته شود قدری در عرفات بوده، پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را
 ترک کرده.

(۹۴۷) م- اگر از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترک کند یعنی در
 هیچ جزء از بعد از ظهر تا غروب آفتاب در عرفات نباشد حجّش باطل
 است، و کفایت نمی‌کند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری
 است.

(۹۴۸) م- اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و
 از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب
 توقّف کند چیزی بر او نیست بنا بر اقوی، لکن احتیاط در کفّاره است به
 یک شتر، و همچنین اگر بدون آن که پشیمان شود از کار خود، برای
 حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقّف کند چیزی بر او
 نیست.

(۹۴۹) م- اگر در فرض سابق مراجعت نکرد کفّاره آن یک شتر است
 که باید در راه خدا قربانی کند. هر جا بخواهد، و احتیاط مستحب آن است
 که در مکه قربانی کند، و اگر متمکن از قربانی نباشد هیجده روز روزه
 بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پشت سر هم روزه بگیرد.

(۹۵۰) م- اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت پس اگر یادش آمد باید
 مراجعت کند، و اگر مراجعت نکرد گناهکار است، لکن کفّاره ندارد بنا بر
 اقوی گرچه احوط است، و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

(۹۵۱) م- اگر کسی از روی ندانستن مسأله، آنچه ذکر شد بکند حکم او
 حکم کسی است که سهواً کرده است.

(۹۵۲) م- اگر کسی به واسطه عذری مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل

آن، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکند کافی است که مقداری از شب عید را هر چند اندک باشد در عرفات باشد، و این زمان را وقت اضطراری عرفات می‌گویند.

(۹۵۳)م- اگر کسی که به واسطه عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمدتاً و بی عذر در عرفات وقوف نکند ظاهراً حج او باطل می‌شود، اگرچه درک کند وقوف به مشعر را.

(۹۵۴)م- اگر کسی به واسطه فراموشی یا غفلت یا عذر دیگر ترک کند وقوف به عرفات را در روز نهم که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است، کفایت می‌کند در صحیح بودن حج او که وقوف اختیاری مشعر را درک کند چنانچه خواهد آمد.

مسائل متفرقه وقوف به عرفات

(۹۵۵)س- حدودی که برای عرفات و مُزْدَلِفَه و منی مشخص شده است جهت انجام مناسک اعتبار دارد یا نه؟

ج- چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.
(۹۵۶)س- کراهت صعود به جبل الرّحمة، آیا قبل از نیت وقوف به عرفات است یا بعد از آن؟

ج- جبل الرحمة جزء عرفات است و صعود از آن کراهت ندارد ولی مستحب است در دامنه آن از طرف چپ وقوف کند.

(۹۵۷)س- شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مشعر، مُغْمی علیه شده است. بفرماید اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد، وظیفه چیست؟ و اگر بعد از اغما او را به ایران آورده باشند چه حکمی دارد، و نیز اگر بعد از ایام تشریق در ماه ذی حجه به هوش بیاید، در مکه باشد یا در ایران، چه باید کرد؟

ج - چون وقوف اختیاری عرفه را درک کرده حجّش صحیح است و بعد از به هوش آمدن بقیه اعمال را انجام دهد و در صورت عدم امکان نایب بگیرد.

(۹۵۸) س - زنی که عادت ماهانه اش مثلاًشش روز بوده است، در حال عادت زنانه برای عمره تمتّع مُحرم می شود، و در روز هشتم ذی حجّه که روز ششم عادت او است پاک می گردد و غسل می کند و اعمال عمره تمتّع را انجام می دهد و برای حج تمتّع مُحرم می شود، ولی ظهر روز نهم در عرفه لک می بیند و نمی داند که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، که استحاضه حساب شود و اعمال قبلی او صحیح باشد یا قبل از تمام شدن ده روز از اوّل عادت قطع می شود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفه او چیست؟ در همین فرض اگر در مشعر لک دید چه کند؟

ج - عمل به احتیاط کند، و راه احتیاط انجام اعمال بدون قصد تمتّع و افراد بلکه به قصد ما فی الدّمه، با قربانی در منی و پس از گذشتن ده روز وظیفه اش روشن می شود که اگر از ده روز تجاوز نکرد و خون قطع شد حج او بدل به افراد شده و لازم است عمره مفرده بجا آورد و اگر از ده روز تجاوز کرد کشف از استحاضه بودن آن می کند و حج تمتّع او صحیح است.

(۹۵۹) س - در فرض مسأله فوق اگر در عرفات یا مشعر لک دید و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً پاک نبوده، باید چه کند با توجه به اینکه وقت وقوف اختیاری و یا اضطراری آن باقی است ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمره تمتّع را ندارد؟

ج - مورد عدول به افراد است.

(۹۶۰) س - وقوف اضطراری عرفات آیا از اوّل شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج - وقوف اضطراری عرفات در شب عید است، و شب تا طلوع فجر

است و درک مقداری از آن کفایت می‌کند.

مستحبات وقوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

- ۱- با طهارت بودن در حال وقوف.
- ۲- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.
- ۳- آنچه موجب تفرّق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجّه جناب اقدس الهی گردد.
- ۴- نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید وقوف شخص در طرف چپ کوه واقع گردد.
- ۵- وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد.
- ۶- در اوّل وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجای آورد.

۷- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجّه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجای آورد، پس از آن صد مرتبه: «الله أكبر» و صد مرتبه: سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ أَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَ لَا تَخْدَعْني وَ لَا تَسْتَدْرِجني يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد، پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ أَنْ تَسْلِمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرِيَّتَهَا خَلِيْلَكَ إِبْرَاهِيمَ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهَا حَبِيبَكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

۸- این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، كَالَّذِي تَقُولُ وَ خَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ. اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي، وَ لَكَ تَرَاتِي وَ بِكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ».

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي سَمْعِي وَ بَصْرِي نُورًا وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرُوقِي وَ مَفْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَذْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا وَ أَعْظَمَ لِي نُورًا يَا رَبَّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹- آنکه کعبه را استقبال نموده این اذکار را بگوید: «سُبْحَانَ اللهِ» صد

مرتبه، «اللهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه، «ما شاء اللهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ» صد مرتبه، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه.

پس از اول سوره بقره، ده آیه بخواند، پس سوره توحید سه مرتبه، و آیه الکرسی را بخواند تا آخر، پس این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»^(۱)

پس سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند. پس آنچه از نعم الهی به یاد داشته باشد یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحصى بِعَدَدٍ وَلَا تَكْفِيءُ بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلوة والسلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره «حشر» موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ
الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ».

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ
عِزَّتِكَ، وَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ بِجَمْعِكَ وَ بِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَ بِحَقِّ
رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَ بِاسْمِكَ
الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ.

وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ
وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».
و هر حاجت که دارد بخواند و از حق، سبحانه و تعالی طلب کند که
توفیق حج بیابد در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْأَلُكَ
الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَنْتُوبُ إِلَيْهِ».

پس بخوان این دعا را:

«اللَّهُمَّ فَكُنِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعِ عَلَيَّ مِنَ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ ادْرَأْ
عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

۱۰ - آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ تَشْتُّتِ الْأَمْرِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ
بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي
مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَ أَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَ أَمْسَى
ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا
بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَلْنِي
بِرَحْمَتِكَ وَ الْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که
میسور باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز،

د عای حضرت سید الشہداء علیہ السلام و د عای حضرت زین العابدین علیہ السلام راکه در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدِي مَا أَبْقَيْتَنِي. وَاقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِئاً مُسْتَجَاباً لِي، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَاعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ».

و بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ اعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ».

فصل سوم

وقوف به مشعر الحرام

و در آن چند مسأله است:

(۹۶۱)م- بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعر الحرام که محلّ معروفی است و حدود معینی دارد.

(۹۶۲)م- احتیاط آن است که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعر الحرام به سر ببرد و نیت کند اطاعت خدا را در این به سر بردن شب.

(۹۶۳)م- چون صبح طلوع کرد نیت وقوف به مشعر الحرام کند تا طلوع آفتاب، و چون این وقوف، عبادت خداوند است باید با نیت خالص از ریا و خودنمایی وقوف کند، و الا حج او در صورت ریا کردن با عمد و علم باطل خواهد شد.

(۹۶۴)م- اقوی جواز کوچ کردن بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسّر» تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر او نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسّر نشود.

(۹۶۵)م- واجب است از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب در

مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن، و قوف به مقداری است که عرفاً بگویند مقداری در آنجا مانده است. پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یک سره ترک کند به تفصیلی که می آید حج او باطل خواهد شد.

(۹۶۶) م - جایز است برای کسانی که عذری دارند قدری که شب در مشعر توقّف کردند کوچ کنند به منی مثل زنها و بیچه‌ها و بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند، و احتیاط واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست، و احتیاط مستحب آن است که اگر توقّف مشکل نباشد تخلف نکنند.

(۹۶۷) م - کسی که شب یا بعض آن را در مشعر بوده است اگر قبل از طلوع صبح عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد در صورتی که وقوف عرفات از او فوت نشده است حج او صحیح است، و باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

(۹۶۸) م - کسی که وقوف بین الطلوعین یا وقوف شب را درک نکند، در صورتی که عذر داشته باشد، اگر مقداری - هرچند کم - از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقّف کند، در صورتی که وقوف در عرفات را درک کرده باشد حج او صحیح است.

(۹۶۹) م - از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

اوّل: شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم: بین طلوع صبح و طلوع آفتاب.

سوم: از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم که اضطراری مشعر است، چنانچه قسم اوّل نیز اضطراری است.

(۹۷۰م) - چون معلوم شد که وقوف به عرفات و مشعر، اختیاری و اضطراری دارد و از برای وقوف به مشعر دو قسم اضطراری است، پس به ملاحظه ادراک هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری مفرداً و مرکباً و به ملاحظه ترک عمدی یا جهلی یا نسیانی اقسام زیادی دارد که در اینجا آنچه مورد ابتلا ممکن است بشود ذکر می‌شود:

اول: آنکه مکلف، درک هر دو موقف کند در وقت اختیاری، یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر را درک کند. پس اشکالی در صحّت حج او نیست.

دوم: آنکه هیچ یک از دو موقف را درک نکند نه اختیاری آنها را و نه اضطراری را، پس اشکالی نیست در بطلان حج او، و باید به همان احرام حج، عمره مفرده که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن بجا آورد و از احرام خارج شود، و اگر گوسفند همراه داشته باشد احتیاطاً ذبح کند، و باید سال دیگر، حج بجا آورد اگر شرایط استطاعت را دارا باشد، در صورتی که درک نکردن موقف به واسطه عذر باشد.

(۹۷۱م) - اگر درک نکردن دو موقف که ذکر شد از روی تقصیر بوده در صورتی که استطاعتش تا سال آینده باقی بماند یا آنکه از قبل واجب الحج بوده، واجب است سال بعد به حج برود.

(۹۷۲م) - احتیاط واجب آن است که این شخص که حج او باطل شد و باید عمره بجا آورد، نیت عدول به عمره مفرده بکند.

سوم: آنکه درک کند اختیاری عرفه را با اضطراری نهاری مشعر، پس اگر اختیاری مشعر را عمدتاً ترک کرده باشد حج او باطل است و الاصحیح است.

چهارم: آنکه درک کرده باشد اختیاری مشعر را با اضطراری عرفات،

پس اگر اختیاری عرفات را عمدتاً ترک کرده حج او باطل است و الاً صحیح است.

پنجم: آنکه درک کرده باشد اختیاری عرفات را با اضطراری شب مشعر؛ یعنی قبل از طلوع صبح، در این صورت حجّش صحیح است، حتی اگر اختیاری مشعر را بدون عذر ترک کرده است ولی در این صورت باید يك گو سفند كفّاره دهد.

ششم: آنکه درک کرده باشد اضطراری لیلی مشعر و اضطراری عرفات را، پس اگر صاحب عذر باشد و اختیاری عرفات را عمدتاً ترک نکرده باشد ظاهراً حج او صحیح است.

هفتم: آنکه درک کرده باشد اضطراری عرفات و اضطراری یومی مشعر را، پس اگر یکی از دو اختیاری را عمدتاً ترک کرده باشد حج او باطل و الاً صحیح است، گرچه احتیاطاً، اعاده است در سال بعد با حاصل بودن شرایط و جوب.

هشتم: آنکه فقط اختیاری عرفات را درک کند، در این صورت حجّش صحیح است اگر اختیاری مشعر را عمدتاً ترک نکرده باشد، و الاً حج او باطل است.

نهم: آنکه درک کند اضطراری عرفات را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دهم: آنکه درک کند اختیاری مشعر را، در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفات را عمدتاً ترک نکرده باشد، و الاً حج او باطل است.

یازدهم: آنکه درک کند اضطراری روز مشعر را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دوازدهم: آنکه درک کند اضطراری لیلی مشعر را فقط، در این

صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد ظاهراً حج او صحیح است و الاً باطل است.

مسائل متفرقه وقوف به مشعر الحرام

۹۷۳) س - عده‌ای در شب دهم ذی حجّه عازم مشعر بودند، از افرادی که آنجا بودند سؤال نمودند مشعر کجا است؟ جواب دادند اینجا است، اطمینان پیدا کردند که مشعر است، نیت بیتوته و قصد وقوف کردند، بعد که وقت اضطراری مشعر هم گذشته بود معلوم شد مشعر نبوده، آیا نسبت به باقی اعمال حج و سال آینده وظیفه چیست؟

ج - با وقوف اختیاری عرفات حج ایشان صحیح است.

۹۷۴) س - اگر به گفته مدیر گروه که می‌گوید درک وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است و نمی‌تواند آن را درک نماید، اعتماد کند و وقوف اختیاری را ترک نماید آیا اشکالی ندارد؟

ج - اگر برای خود شخص عذر حاصل شده، کفایت می‌کند.

۹۷۵) س - خدمه‌ای که بازنها قبل از طلوع فجر به منی می‌روند، ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می‌رسانند و وقوف رکنی مشعر را درک می‌کند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟

ج - اگر از ذوی‌الاعذار نبوده‌اند که نیابت آنها صحیح است و در فرض مرقوم حجشان نیابتاً صحیح است. هر چند مرتکب حرام شده‌اند. و اگر از اول چنین قصدی نداشته باشند و اتفاقاً چنین پیش آمده‌گناه نیز مرتکب نشده‌اند.

۹۷۶) س - کسی که نمی‌دانسته وقوف اختیاری مشعر بین طلو عین است، پس از آن، وقوف اضطراری را درک کرده، وظیفه او چیست؟

ج - اگر ترک وقوف اختیاری از روی عذر شده باشد، مانع ندارد.

(۹۷۷)س- شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را درک کرده و عمداً قبل از طلوع فجر رفته است به منی، برای بردن اثاث و کار دیگری، و قصد داشته است که مجدداً به مشعر برگردد ولی در منی خوابش برده، وظیفه چنین حاجی چیست؟

ج- با فرض این که ترک اختیاری مشعر عمدی نبوده، در فرض مرقوم، اضطراری کافی است، ولی اگر شب نیت وقوف نداشته باید اضطراری روز را درک کند. و اگر نایب است نیز کفایت می‌کند.

مستحبات وقوف به مشعر الحرام

(۹۷۸م) - بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ أَرْحَمَ تَوَقُّفِي وَ زِدْهُ فِي عَمَلِي وَ سَلِّمْ دِينِي وَ تَقَبَّلْ مَنَاسِكِي».

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه نزول نماید، و اگر حاجی صروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسر باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَ أَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقداری که میسر باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، آن گاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَالِلِ، وَ أَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ

مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرٌ مَدْعُوٌّ وَ خَيْرٌ مَسْئُولٌ، وَ لِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ
جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَ
أَنْ تُجَاوِزَ عَن خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

و مستحب است سنگریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود از
مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از
مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسّر رسید به مقدار صد قدم مانند
شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَ أَقْبَلْ تَوْبَتِي وَ أَجِبْ دَعْوَتِي وَ أَخْلُفْنِي فِيمَنْ
تَرَكَتُ بَعْدِي».

فصل چهارم واجبات منی

و آن سه امر است:

اول رمی جمره عقبه

یعنی ریگ انداختن به جمره که نام محلّی است در منی.
و در اینجا چند مسأله است:

(۹۷۹)م- شرط است در سنگی که می خواهد بیندازد به آن «حصی»
یعنی ریگ گفته شود، پس اگر آن قدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود
مثل «شن» کافی نیست، و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه به
غیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جایز نیست، و اما اقسام
سنگها حتّی سنگ مرمر مانع ندارد.

(۹۸۰)م- شرط است که سنگها از حرم باشد، و سنگ خارج حرم کافی
نیست، و در حرم از هر موضعی که مباح باشد می تواند بردارد مگر مسجد
الحرام و مسجد خیف بلکه سایر مساجد بنا بر احوط و مستحب است از
مشعر بردارد.

(۹۸۱)م- شرط است که سنگها بکر باشند، یعنی آنها را کسی دیگری

به وجه صحیح نینداخته باشد اگرچه در سالهای قبل.

(۹۸۲) م - شرط است که مباح باشد پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست.

(۹۸۳) م - وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم می تواند بجا آورد، و اگر تا آن وقت متذکر نشد احتیاطاً در سال دیگر خودش یا نایش بیندازد.

(۹۸۴) م - واجب است در انداختن سنگها چند امر:

اول نیت، با قصد خالص بدون ریا و نمایش دادن عمل به غیر، که موجب بطلان می شود.

دوم آنکه آنها را بیندازد، پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.

سوم آنکه به انداختن، به جمره برسد، پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و بواسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ به جایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است ظاهراً.

چهارم: عدد سنگریزه ها باید هفت باشد.

پنجم: باید به تدریج یکی یکی عقب هم بیندازد و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی نیست اگر چه با هم به جمره نرسد و دنبال هم برسد.

(۹۸۵) م - اگر شک کند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه جایز

است برای رمی استعمال شود.

(۹۸۶) م - اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج

آورده اندا عتنا نکند.

(۹۸۷) م - اگر شک کند به سنگی که می خواهد بیندازد «حصی» یعنی

ریگ گفته می شود باید به آن اکتفا نکند.

(۹۸۸)م- اگر شک کند در عدد انداختن در وقتی که مشغول رمی است باید چندان بیندازد تا علم به عدد پیدا کند، و همچنین اگر شک کند که سنگی که انداخت خورد به جمره یا نه باید بیندازد تا علم به رسیدن پیدا کند.

(۹۸۹)م- اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسیده باید دو مرتبه بیندازد، اگر چه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است، پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتهاً به آنها رمی کرده کافی نیست، و باید اعاده کند اگر چه در سال دیگر به واسطه نایش.

(۹۹۰)م- اگر چند سنگ را با هم بیندازد مانع ندارد لکن یکی حساب می شود، چه یکی از آنها به محل بخورد یا همه.

(۹۹۱)م- جایز است سواره و پیاده سنگ بیندازد.

(۹۹۲)م- باید سنگ را با دست بیندازد، پس اگر با پا یا دهان بیندازد کافی نیست، ولی بعید نیست با «فلاخن» کافی باشد.

(۹۹۳)م- اگر بعد از آنکه سنگ را انداخت و از محل منصرف شد شک کند در عدد سنگها، اعتنا نکند، هر چند اگر شک در نقیصه کند احتیاط مستحب آن است که برگردد و نقیصه را تمام کند.

(۹۹۴)م- اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن شک کند در انداختن سنگ یا در عدد آن اعتنا نکند.

(۹۹۵)م- اگر بعد از فارغ شدن شک کند در این که درست انداخته یا نه، بنابر صحت بگذارد، بلی اگر در رسیدن سنگ آخری به محل شک کند باید اعاده کند، ولی اگر رسیدن را دانست و احتمال داد که با پا انداخته باشد یا سنگ مستعمل انداخته باشد اعتنا نکند.

(۹۹۶)م- ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

(۹۹۷)م- در انداختن سنگها شرط نیست طهارت از حدث یا خبث و در خود سنگها نیز طهارت شرط نیست.

(۹۹۸)م- از بچه‌ها و مریضها و کسانی که نمی‌توانند به واسطه عذری مثل اغما خودشان رمی کنند، کسی دیگر نیابت کند.

(۹۹۹)م- مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ بیندازند.

(۱۰۰۰)م- اگر مریض خوب شد و بیهوش به هوش آمد بعد از آنکه نایب سنگها را انداخت لازم نیست خودش اعادة کند، و اگر در بین سنگ انداختن خوب شد یا به هوش آمد باید خودش از سر، سنگ بیندازد، و کفایت کردن به مقداری که نایب عمل کرده مشکل است.

(۱۰۰۱)م- کسانی که عذر دارند از این که روز رمی کنند می‌توانند شب عمل کنند، هر وقت شب که باشد.

مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

- ۱- با طهارت بودن در حال رمی.
- ۲- هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَاتِي فَأَحْصِيْنِي لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي».

۳- با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.

۴- هر سنگی را که می‌اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعْيًا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا».

- ۵- میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کنار جمره بایستد.
- ۶- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله رمی نماید.
- ۷- سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸- پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:
«اللَّهُمَّ بِكَ وَتَقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ».

دوم ذبح

- و در آن چند مسأله است:
- (۱۰۰۲) م- واجب است بر کسی که حج تمتع بجای آورد ذبح یک هدی، یعنی یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند، و شتر افضل است و پس از آن گاو بهتر است.
- (۱۰۰۳) م- کفایت نمی کند برای چند نفر به شرکت، یک هدی در حال اختیار، بلکه در حال ضرورت نیز محل اشکال است، و احتیاط واجب جمع بین شرکت در ذبح و روزه است که ذکر می شود.
- (۱۰۰۴) م- سایر حیوانات غیر از سه حیوان مذکور کافی نیست.
- (۱۰۰۵) م- در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:
- اول** آنکه اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد، و اگر گاو است بنا بر احتیاط واجب کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد، و همچنین در «بز» کمتر از سن گاو نباشد، و در میش به احتیاط واجب کمتر از یک سال نباشد و داخل در سال

دوم شده باشد.

دوم باید تام الاجزاء باشد، و ناقص کافی نیست، پس اگر واضح باشد کوری یا لنگی آن بنا بر اقوی کافی نیست، و اگر واضح نباشد به احتیاط واجب کافی نیست و احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد و باید گوش بریده و دم بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد. **سوم** باید لاغر نباشد، و اگر در گرده او پیه باشد کافی است، و احتیاط آن است که آن را در عرف لاغر نگویند.

چهارم باید «خصی» نباشد، یعنی باید خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند.

پنجم باید بیضه آن را نکوبیده باشند به احتیاط واجب. **ششم** باید در اصل خلقت بی دم نباشد به احتیاط واجب، و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد بعید نیست کفایت، اگرچه خلاف احتیاط است.

هفتم در اصل خلقت بی بیضه نباشد.

هشتم اولی و احوط این است که مریض و خیلی پیر نباشد.

و در اینجا چند مسأله است:

(۱۰۰۶) م - اگر غیر از خصی یافت نشود ذبح خصی کفایت می کند.

(۱۰۰۷) م - گاومیش در ذبح واجب، کافی است لکن گفته اند کراهت

دارد.

(۱۰۰۸) م - اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد اشکال

ندارد، و شاخ خارج؛ شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف است از برای شاخ داخل که آن شاخ سفید است.

(۱۰۰۹) م - شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد، و احتیاط

آن است که چنین نباشد.

(۱۰۱۰) م- باید ذبح را بعد از رمی جمره عقبه بکند به احتیاط واجب.
 (۱۰۱۱) م- یک گوسفند، کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح،
 لکن هر چه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است که رسول خدا ﷺ
 صد شتر همراه آوردند، سی و چهار تای آنها را برای حضرت
 امیرالمؤمنین علیه السلام نحر کردند و شصت و شش تای آنها را برای خودشان.
 (۱۰۱۲) م- اگر هدی یافت نشود قیمت آن را پیش شخص امینی بگذارد
 که در بقیه ذی الحجّه بگیرد و در منی ذبح کند، و اگر در این سال ممکن
 نشود سال بعد این کار را بکند.

(۱۰۱۳) م- اگر غیر هدی ناقص یافت نشود ذبح آن کفایت می کند.
 (۱۰۱۴) م- واجب است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد.
 (۱۰۱۵) م- اگر به واسطه عذری مثل فراموشی یا غیر آن ذبح را در روز
 عید نکرد احتیاط مستحب آن است که در ایام «تشریق» ذبح کند، و اگر
 نشد در بقیه ماه ذی الحجّه، و در تأخیر عمدی نیز همین حکم است.
 (۱۰۱۶) م- اگر حیوانی را به گمان آنکه صحیح و سالم است خریداری
 کرد و قیمتش را پرداخت کرد و بعد معلوم شد که مریض یا ناقص است،
 می تواند به آن اکتفا کند.

(۱۰۱۷) م- اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد بعد معلوم شد لاغر
 است کافی است.

(۱۰۱۸) م- اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آن که چاق در
 آید برای اطاعت خدا رجاءاً ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است کافی
 است.

(۱۰۱۹) م- اگر احتمال نمی داد که حیوان چاق است یا احتمال می داد
 لکن از روی بی مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر خداوند، کافی

نیست.

(۱۰۲۰) م- اگر لاغری آن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسأله برای اطاعت خداوند ذبح کرد بعد معلوم شد چاق است کفایت می‌کند.
(۱۰۲۱) م- اگر ناقص بودن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسأله برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شود صحیح است ظاهرآ کافی باشد.

(۱۰۲۲) م- سه قسمت کردن ذبیحه واجب نمی‌باشد اما احتیاط مستحب است که مقداری از ذبیحه را بخورند و مقداری را صدقه بدهند و مقداری را هدیه بدهند، مگر اینکه در انجام این سه امر معذور باشند.
(۱۰۲۳) م- جایز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نایب کند، و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند.

(۱۰۲۴) م- احتیاط مستحب آن است که ذابح مؤمن باشد، و همینطور در ذبح کفارات.

(۱۰۲۵) م- در صورتی که قربانی به دست غیر مؤمن انجام گیرد کفایت می‌کند.

(۱۰۲۶) م- ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

(۱۰۲۷) م- احتیاط آن است که اگر احتمال نقص یا مرض در گوسفند بدهند آن را معاینه کنند، اگرچه اقوی در احتمال آن که عیبی حادث شده باشد مثل آن که احتمال بدهد گوش یا دمش را بریدند یا آن را خصی کردند، عدم لزوم معاینه است، و احتیاط در عیبهایی که محتمل است از حال تولد داشته و مادر زاد بوده، ترک نشود.

(۱۰۲۸) م- اگر بعد از ذبح کردن احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر شرایط را اعتنا نکند.

(۱۰۲۹)م- اگر به کسی نیابت داد برای خریداری کردن و ذبح، و نایب انجام داد و بعد از آن شخص محرم احتمال داد که نایب به شرایط عمل نکرده باشد به این احتمال اعتنا نکند و ذبح کافی است.

(۱۰۳۰)م- اگر کسی را نایب کرد برای خریداری و ذبح، باید علم پیدا کند یا اطمینان به اینکه عمل کرده است، و گمان کفایت نمی‌کند.

(۱۰۳۱)م- اگر نایب عمداً برخلاف دستور شرع در اوصاف ذبیحه یاد ر کشتن آن عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد و دو مرتبه ذبح کنند.

(۱۰۳۲)م- اگر نایب از روی اشتباه یا جهل برخلاف دستور عمل کند ضامن است و باید اعاده کند.

بدل ذبیحه

(۱۰۳۳)م- اگر قادر نباشد بر ذبح باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

(۱۰۳۴)م- مراد از این که قادر بر ذبح نباشد آن است که نه هدیه را داشته باشد و نه پولش را.

(۱۰۳۵)م- اگر می‌تواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در ازای قرض چیزی که ادا کند داشته باشد باید قرض کند و ذبح کند.

(۱۰۳۶)م- اگر می‌تواند بدون مشقت چیزی که زائد از مؤونه سفر است بفروشد، باید بفروشد و هدیه بخرد، لکن لباس را، هر چه باشد لازم نیست بفروشد.

(۱۰۳۷)م- لازم نیست کسب کند و پول هدیه را تهیه کند، لکن اگر کسب کرد و تهیه کرد باید ذبح کند.

(۱۰۳۸)م- اگر چه لباس را لازم نیست بفروشد لکن اگر لباس زائد داشت

و فروخت ظاهراً باید ذبح کند.

(۱۰۳۹) م- این سه روز روزه را باید در ماه ذی‌الحجه بگیرد، و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد، و جلوتر نگیرد.

(۱۰۴۰) م- باید این سه روز دنبال هم باشد.

(۱۰۴۱) م- اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد روز هشتم و نهم بگیرد، و یک روز دیگر بعد از مراجعت از منی بگیرد و احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است بگیرد.

(۱۰۴۲) م- این سه روز روزه را در ایام تشریق در منی جایز نیست بگیرد، بلکه در ایام تشریق در منی روزه برای همه کس حرام است، چه حج بجا بیاورد یا نه.

(۱۰۴۳) م- احتیاط مستحب برای کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و هشتم و نهم را گرفته آن است که بعد از مراجعت از منی سه روز روزه بگیرد که اول آن، روز کوچ کردن است یعنی سیزدهم و متوالی بگیرد، و قصدش آن باشد که سه روز از پنج روز برای ادای روزه واجب باشد.

(۱۰۴۴) م- اگر روز هشتم را روزه نگرفت روز نهم را هم نگیرد، و بعد از مراجعت از منی سه روز دنبال هم بگیرد.

(۱۰۴۵) م- جایز است اگر از روز هشتم روزه تعویق افتاد تا آخر ذی‌الحجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگرچه احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد.

(۱۰۴۶) م- این سه روز را در سفر می‌تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جایز است بگیرد.

(۱۰۴۷) م- اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن شد از هدی، لازم نیست ذبح کند، لکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید

ذبح کند.

(۱۰۴۸)م- اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی الحجّه تمام شد باید هدی را خودش یا نایش در منی ذبح کند، و روزه فایده ندارد.

(۱۰۴۹)م- باید این سه روز روزه را بعد از احرام به عمره بجا آورد و قبل از آن نمی تواند.

(۱۰۵۰)م- هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه

بگیرد.

(۱۰۵۱)م- احتیاط واجب آن است که پی در پی بجا آورد.

(۱۰۵۲)م- جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آنکه بنای اقامت در مکه باشد، در این صورت اگر مدّتی بگذرد که در آن مدّت می توانست به وطن خود مراجعت کند جایز است بجا آورد، و همچنین جایز است اگر یک ماه بماند.

(۱۰۵۳)م- در این ایام که با هواپیما مراجعت می کنند بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز باشد به همان مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می رساند صبر کند و روزه بگیرد، لکن احتیاط خلاف آن است و به احتیاط واجب جمع بین سه روز و هفت روز نکند.

(۱۰۵۴)م- اگر در غیر مکه چه در راه یا در بلدی غیر از وطن خودش اقامت کرد ظاهراً می تواند هفت روز روزه را در آنجا بگیرد، و بهتر است به مقداری صبر کند که اگر راه می پیمود به وطن می رسید.

(۱۰۵۵)م- ابتدای ماهی را که اگر بماند در مکه جایز است روزه را بگیرد و همین طور ابتدای حساب موقع رسیدن به وطن را ظاهراً باید از وقتی که بنای مجاورت یا اقامت به مکه کرد حساب کند.

(۱۰۵۶)م- اگر متمکن از روزه گرفتن شد و قبل از آن که روزه بگیرد مرد، واجب است ولیّ او سه روز را قضا کند بنا بر اقوی، و هفت روز دیگر

را بنا بر احتیاط واجب.

(۱۰۵۷) م- لازم نیست بعد از برگشتن به بلد خود در همانجا روزه بگیرد، پس اگر در جای دیگر قصد اقامت کرد می تواند بگیرد.
 (۱۰۵۸) م- اگر متمکن از سه روز روزه نشد در مکه و برگشت به محل خود در صورتی که ماه ذی الحجّه باقی است می تواند در محل بگیرد، لکن با هفت روز روزه فاصله بدهد و اگر ماه گذشته باشد باید هدی ذبح کند، اگر چه به وسیله شخص امینی باشد.

مسائل متفرقه هدی

(۱۰۵۹) م- تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست، و فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است، ولی جایز است قبل از قبض از فقیری در وطنش وکالت بگیرد که در یک سوم قربانی طبق خواسته او تصرف کند.

(۱۰۶۰) م- گفته می شود که در منی، مسلخ فعلی کمی در وادی مُحَسَّر ساخته شده و در این صورت هر چند در صورت امکان ولو تا آخر ذیحجه باید در منی قربانی کنند لکن قربانی در مسلخ جدید مجزی است.

(۱۰۶۱) م- کسی که اجیر در حج است می تواند برای قربانی، شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور نیت قربانی حجّی که موکّلتش از طرف موکّل خود انجام می دهد را می نماید.

(۱۰۶۲) م- تأخیر ذبح از روز عید عمدّاً جایز نیست، لکن اگر تأخیر شد عمدّاً یا جهلاً یا نسیاناً، بنا بر احتیاط واجب ذبح را در روز انجام دهد.

(۱۰۶۳) م- کسانی که وکیل دیگری هستند که برای او قربانی کنند می توانند قبل از این که حلق یا تقصیر کنند قربانی دیگری را ذبح نمایند.

استفتائات

(۱۰۶۴) س - جمعی از حجّاج پول روی هم می‌گذارند و کسی با پول مشترک برای همه آنان تعدادی گوسفند می‌خرد و در وقت ذبح هر گوسفند را برای یک نفر قصد می‌کند و قربانی می‌کند، آیا این ترتیب ذبح اشکال دارد یا خیر، و آیا در صورت تفاوت گوسفندان در قیمت با این که همه به یک اندازه پول داده‌اند چه وضعی پیدا می‌شود؟

ج - اگر صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.

(۱۰۶۵) س - کسانی که گوسفند خود را به غیر مؤمن داده‌اند و او ذبح نموده است و بعد، حلق و اعمال مترتبه را انجام داده‌اند و بعد متوجه شده‌اند، وظیفه آنان چیست؟

ج - ذایح بودن غیر مؤمن اشکالی ندارد، و ذبح و اعمال مترتبه نیز صحیح می‌باشد.

(۱۰۶۶) س - کسی قربانی را به غیر مؤمن داده و او کشته است و بعد متوجه شده و در عین توجه عمدتاً بدون تجدید قربانی حلق کرده و اعمال مترتبه بر حلق را انجام داده، آیا محلّ شده است یا نه، و آیا فقط قربانی باید بکند یا همه اعمال را عاده نماید؟

ج - ذایح بودن غیر مؤمن اشکالی ندارد، و ذبح و اعمال مترتبه نیز صحیح می‌باشد.

(۱۰۶۷) س - در مسأله قربانی در مسلخ جدید عبارت نقل شده از حضرت عالی صراحت در حکم ندارد، لطفاً نظر مبارک را مرقوم فرمایید.
ج - ذایح در مسلخ جدید مجزی است.

(۱۰۶۸) س - آیا در شرایط قربانی تحقیق لازم است که یقین به بودن شرایط حاصل شود یا لازم نیست؟

ج - در شرایطی که مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن

آن است مثل خصی نبودن یا معیوب نبودن حیوان فحص لازم نیست و در صورت شک می تواند بدون تحقیق ذبح کند، ولی در شرایط دیگر مثل سن حیوان لازم است یقین حاصل شود.

(۱۰۶۹)س - در مکه جیب کسی را زدند و پولش را بردند، شکایت کرد، بعد طی مراحل قانونی، حاکم آنجا حکم کرد پولش را از دزد بگیرند و به او بدهند، آیا جایز است پول را بگیرد و گوسفند قربانی را با آن بخرد یا نه؟

ج - اگر می داند که پول خود او است، مانع ندارد.

(۱۰۷۰)س - شخصی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری قربانی می نماید به این خیال که اذن فحوی از او دارد و مطمئن است که وقتی به عیالش یا رفیقش بگوید من در قربانگاه برای تو قربانی کرده ام او راضی است و خوشحال هم می شود، این نحو قربانی کافیت یا نه؟

ج - کافی نیست مگر او را وکیل کرده باشد.

(۱۰۷۱)س - روز عید بعض اشخاص به قربانگاه می روند و بدون اینکه در قربانی نیابت داشته باشند خودشان برای رفقایشان قربانی می کنند آیا این قربانی کافی است یا نه؟ و اگر کافی نیست، پول قربانی به عهده چه کسی است؟

ج - کفایت نمی کند و پول از مال کسی خارج می شود که خرج کرده است، مگر آنکه غروری در بین باشد.

(۱۰۷۲)س - در قربانگاه، حجاج و صاحب گوسفند یک قراری با هم می گذارند که هر چند رأس گوسفندی که می خواهند هر یکی به فلان مبلغ و نام می برد، حاجی هم قبول می کند و یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد می کشد، بعد می رود با صاحب گوسفند حساب می کند آیا در

قربانی اشکال نیست؟

ج - اشکال ندارد.

(۱۰۷۳) س - در قربانگاه ده نفر حاجی با صاحب گوسفند قرار می‌گذارند که ده گوسفند را جدا می‌کنیم و قربانی می‌کنیم از قرار یکی دو بیست ریال سعودی مثلاً، در این بین چند نفر دیگر از رفقای آنان می‌آیند و بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعدادشان گوسفند قربانی می‌کنند و بنا دارند که بعد از قربانی طبق قرارداد سایر افراد، به صاحب گوسفند پول بدهند، آیا قربانیهای آنان درست است یا خیر؟

ج - اگر یقین به رضایت صاحب گوسفند دارند، مانع ندارد.

(۱۰۷۴) س - غیر مؤمن مشغول سر بریدن قربانی بود، شخصی که برای او قربانی می‌شد دست گذاشت روی دست ذابح و فشار می‌داد در بردن و آوردن چاقو، به نحوی که بریدن سر گوسفند به هر دو اسناد داده می‌شد، آیا این قربانی صحیح است؟

ج - مسلمان بودن ذابح کفایت می‌کند و این ذبح صحیح است.

(۱۰۷۵) س - در روز عید قربان معمولاً هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف دیگران نایب می‌شوند و می‌آیند قربانگاه، اگر کسی شک کند که برای فلان شخص هم قربانی کردم یا نه، وظیفه نایب چیست؟

ج - باید قربانی کند.

(۱۰۷۶) س - ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه چگونه است؟

ج - در غیر صورت اضطرار صحیح نیست.

(۱۰۷۷) س - اگر انسان مریض نتواند در حج تمتع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و نایب و وکیل فراموش کند و در مدینه یا در ایران یادش بیاید که قربانی نکرده است، وظیفه اش چیست؟

ج - بر حج او اشکال نیست، ولی قربانی بر ذمه اش باقی است که باید در سال آینده در منی انجام دهد، و اگر در ماه ذیحجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

(۱۰۷۸) **س** - شخصی برای خود و نیابت افرادی به قربانگاه رفت و ده رأس گوسفند خرید و قربانی کرد، بعد از رسیدن به منزل یقین پیدا کرد پول ۹ رأس گوسفند را داده است، وظیفه اش نسبت به پول یک رأس که نداده چیست؟

ضمناً با مراجعه به قربانگاه، صاحب گوسفند را پیدا نکرد، آیا جایز است که در آن پول تصرف کند و بعد از مراجعت به ایران پول ایرانی به حاکم شرع بدهد و یا صدقه بدهد یا نه؟ و در صورتی که تصرف در آن جایز باشد اکنون که به ایران برگشته آیا باید ریال سعودی با قیمت آن به ارز دولتی یا ارز آزاد بدهد؟

ج - با یأس از شناسایی صاحبش از طرف او به فقیر صدقه دهد، و باید یا ریال بدهد و یا قیمت بالا را بدهد.

(۱۰۷۹) **س** - شخصی قربانی نمی کند به اعتقاد این که گوشت گوسفند تلف می شود و از آنان استفاده ای نمی شود، و با همین کیفیت تقصیر کرده اعمال حج را انجام می دهد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر جاهل بوده و فکر می کرده که عملش صحیح است، از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است.

(۱۰۸۰) **س** - آیا مُحرم می تواند قبل از ذبح گوسفند خود برای دیگری ذبح نماید؟

ج - مانع ندارد.

(۱۰۸۱) **س** - اگر کسی مؤمن بودن ذابح را قبل از ذبح احراز کرد و بعداً

معلوم شد خلاف بوده است، آیا آن قربانی کفایت می کند؟

ج - کفایت می‌کند.

(۱۰۸۲) س - اگر قربانی از وجه غیر مُخَمَّس باشد چه صورت دارد؟

ج - کفایت می‌کند ولی بدهکار اهل خمس است.

(۱۰۸۳) س - در صورت عدم وجود گوسفند سالم، آیا می‌تواند

گوسفند مرضوض الخصیتین (گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده‌اند) را ذبح نمود؟

ج - اگر غیر خصی و مرضوض یافت نشود، ذبح خصی و مرضوض

کافی است.

(۱۰۸۴) س - شخصی به اعتماد نایب خود در رمی، ذبح کرده و حلق

نموده است، بعد معلوم شده که نایب او از جانب او رمی ننموده است، آیا

ذبح و حلق او صحیح است؟

ج - کفایت می‌کند.

(۱۰۸۵) س - شخصی در قربانی کسی را نایب خود کرد، و پس از آن به

دیگری نیابت داد، ولی شخص اوّل ذبح نمود، آیا صحیح است؟

ج - اگر اوّلی را از وکالت عزل نکرده کافی است. و مجرد نیابت دادن

به دومی، عزل اوّلی از نیابت نیست.

(۱۰۸۶) س - کسی را وکیل در قربانی نموده، آیا وکیل می‌تواند به

دیگری وکالت دهد؟

ج - اگر وکالت داده که وکیل، خودش قربانی کند، نمی‌تواند به

دیگران بدهد.

(۱۰۸۷) س - مُحَرَمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده، می‌تواند

به مقداری که برای دیگران ذبح می‌کند، در لباس احرام نجس باشد

ج - در صورت امکان باید لباس خود را تطهیر کند، و اگر نکرد

ضرری به احرام یا ذبح ندارد.

(۱۰۸۸) س- در مناسک نوشته: واجب است احتیاطاً که قربانی را از روز عید تأخیر نیندازند، حال اگر کسی بدون عذر تأخیر انداخت، به غیر از حرمت تکلیفی، عواقب دیگری هم دارد؟
ج- قربانی او صحیح است، ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکّه مراعات شود.

(۱۰۸۹) س- بعد از بریدن چهار رگ حیوان، اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است قطع نمود چه صورتی دارد؟
ج- کار حرامی است، لکن ذبیحه حلال است، و کفایت از قربانی می‌کند.

(۱۰۹۰) س- می‌فرمایید اگر ذبیح در منی تا آخر ذبیحه ممکن شود باید ذبیح را تأخیر بیندازد، آیا اجازه می‌دهید که حلق را همان روز عید انجام دهد، یا باید حلق و تقصیر را تا بعد از قربانی تأخیر بیندازد، هر چند ده روز طول بکشد؟

ج- حلق و تقصیر در روز عید انجام داده شود.
(۱۰۹۱) س- آیا حکم گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده اند، با گوسفندی که تخمهایش را تاییده اند یکی است یا نه؟ و در هر صورت اگر تخمهای گوسفندی را تاییده باشند، آیا برای هدیه مجزی است یا نه؟ لطفاً نظر خودتان را بیان فرمایید.

ج- اگر خصی نباشد اشکال ندارد.
(۱۰۹۲) س- حیوانی را که برای هدیه ذبیح می‌کنند، اگر چهار رگ او را ببرند و آن را رها نمایند و حیوان به خودی خود پشت به قبله شود، و یا بعد از بریدن چهار رگ، قبل از جان دادن، حیوان را روی بقیه اجساد حیوانات ذبیح شده پرت نمایند و حیوان در اثر این کار، از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

ج - رو به قبله بودن در حال قطع چهار رگ کافی است.
 (۱۰۹۳) س - اگر کسی پس از ذبح قربانی و انجام باقی مناسک و یا قبل از آن متوجه شد که سنّ هدی کمتر از حدّ نصاب است وظیفه چیست؟
 ج - عاده لازم است.

(۱۰۹۴) س - اگر روحانی کاروان می داند که احرامی او در روز عید در مسلخ به خون آلوده می شود و به جهت این که روحانی است و باید بر اعمال حجّاج نظارت داشته باشد مدّت چند ساعت لباس احرامی او خون آلود است آیا با علم به نجس شدن و طولانی بودن آن تکلیف او چیست؟
 ج - اگر معذور از تبدیل یا تطهیر است اشکال ندارد.

(۱۰۹۵) س - روحانی کاروانی نایب است و می داند که برای نظارت بر اعمال حجّ حجّاج در قربانگاه لباس او به خون آلوده می شود و به جهت مسئولیتی که دارد در قربانگاه معطل می گردد، آیا با علم به این جهت نیابتش در حجّ اشکالی دارد؟
 ج - نیابت اشکال ندارد.

(۱۰۹۶) س - بعضی از محله های جدید مکه، در منی ساخته شده است، آیا در آنجا می شود قربانی نمود یا خیر؟

ج - اگر در منی است مانع ندارد، ولی بدون احراز این که در منی است، صحیح نیست.

(۱۰۹۷) س - انسان شک می کند که در سال یا سالهای گذشته ذابح قربانیش مؤمن بوده یا نه، الآن وظیفه اش چیست؟
 ج - ذبح او صحیح است.

(۱۰۹۸) س - بعضی از مدیران کاروانها یا اشخاص خیر دیگر که برای قربانی از اشخاص پول می گیرند و احیاناً خودشان سر بریدن را یاد ندارند لذا قربانیها را غیر مؤمن ذبح می کند، اولاً آیا از منوب عنه مجزی است یا

نه، و ثانیاً آیا نایب ضامن است یا نه؟
ج - کفایت می‌کند و ضامن نیست.

مستحبات هدی

(۱۰۹۹) م - مستحبات هدی چند چیز است:

- ۱ - در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد.
- ۲ - قربانی بسیار فربه باشد.
- ۳ - در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.
- ۴ - شتری که می‌خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودال گردن او فروبرد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

- ۵ - این که خود، قربانی را بکشد و اگر نتواند، دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

سوم از واجبات منی تقصیر است

و در آن چند مسأله است:

(۱۱۰۰) م - هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا

از ناخن یا موی خود قدری بچیند مگر چند طایفه:

اول زنها که باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند، و کافی نیست ظاهراً برای آنها سر تراشیدن.

دوم کسی که موی سر خود را به غسل یا «صمغ» یا نحو آن برای رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد باید سر بترشد به احتیاط واجب.

سوم کسی که موی خود را جمع کرده و گره زده و در هم پیچیده و بافته است باید سر بترشد به احتیاط واجب.

چهارم خنثای مشکل اگر از این دو دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند و سر نترشد.

(۱۱۰۱) م- اگر خنثای مشکل از این دو طایفه باشد، واجب است هم تقصیر کند و هم سر بترشد احتیاطاً.

(۱۱۰۲) م- احتیاط آن است که کسی که سر را می تراشد تمامش را بترشد.

(۱۱۰۳) م- در تقصیر کفایت می کند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب را چیدن به هر نحو و با هر آلت که باشد، و یا ناخن گرفتن، و بهتر است که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

(۱۱۰۴) م- سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است باید با نیت خالص از ریا و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست، و آنچه باید به آن حلال شود حلال نمی شود.

(۱۱۰۵) م- جایز است سر را خود انسان بترشد یا به سلمانی بدهد، و همچنین در تقصیر، و باید خودش نیت کند، و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند.

(۱۱۰۶) م- کسانی که سر تراشیدن بر آنها متعین است مثل اشخاصی که در مسأله ۱۱۰۰ ذکر شد، اگر سر آنها مو نداشته باشد باید تیغ را بکشند به

سر آنها، و آن کافی است از تراشیدن سر.

(۱۱۰۷) م- کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشت باید تقصیر کنند، و اگر هیچ مو نداشتند حتی موی ابرو باید ناخن بگیرند و اگر آن را هم نداشتند تیغ را به سر بکشند کافی است.

(۱۱۰۸) م- تراشیدن ریش کفایت نمی کند از تقصیر.

(۱۱۰۹) م- برای تقصیر، موی زیر بغل یا عانه کفایت نمی کند.

(۱۱۱۰) م- محلّ تراشیدن سر و تقصیر نمودن، منی است، و جایز نیست اختیاراً در غیر آن جا.

(۱۱۱۱) م- احتیاط آن است که در روز عید باشد و بدون ضرورت تأخیر نیندازد.

(۱۱۱۲) م- اگر کسی سر تراشید و تقصیر نکرد در منی و از آنجا کوچ کرد باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد، و فرقی نیست در این حکم بین کسی که عمدأ ترک کرده یا نسیاناً و سهواً یا به واسطه مسأله ندانستن.

(۱۱۱۳) م- اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منی هر جاکه هست سر تراشد یا تقصیر کند، و موی خود را بفرستد به منی در صورت امکان، و مستحب است که مو را در منی دفن کند در محلّ خیمه خود.

(۱۱۱۴) م- جایز نیست طواف حج بکند قبل از تقصیر یا سر تراشی، و همچنین سعی را جایز نیست جلو بیندازد.

(۱۱۱۵) م- اگر قبل از سر تراشی یا تقصیر، از روی سهو یا جهل به حکم طواف و سعی کند، طواف و سعی صحیح است و اعاده نمی خواهد.

(۱۱۱۶) م- اگر از روی علم و عمد این کار را کرده باید برگردد و سر تراشد یا تقصیر کند و پس از آن طواف و نماز آن و سعی را اعاده نماید و یک گوسفند هم ذبح کند.

(۱۱۱۷) م- اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته گوسفند لازم است، و اگر فقط سعی را مقدم داشته گوسفند لازم نیست، لکن باید اعاده کند آن را بعد از حلق یا تقصیر و طواف و نماز آن.

(۱۱۱۸) م- به احتیاط واجب، در منی باید اول رمی جمره کند و بعد از آن ذبح و بعد تقصیر یا حلق نماید.

(۱۱۱۹) م- اگر از روی غفلت و سهو بر خلاف این ترتیب عمل کند اعاده لازم نیست، و اگر از روی جهل به مسأله بوده بعید نیست که اعاده نخواهد و احتیاط به اعاده است، و اگر از روی علم و عمد بوده در صورت امکان احتیاط را ترک نکند هر چند که لازم نمی باشد.

(۱۱۲۰) م- بعد از آنکه مُحرمی که وظیفه اش سر تراشیدن بود سر تراشید، یا تقصیر کردن بود تقصیر کرد حلال می شود بر او تمام چیزهایی که حرام شده به واسطه احرام حج، مگر زن و بوی خوش، و اما صید از دو جهت حرمت داشت: یکی آن که در حرم صید جایز نیست نه برای مُحرم و نه برای غیر مُحرم، و این حرمت باقی است، دوم آن که بر خصوص مُحرم نیز صید جایز نیست چه در حرم باشد یا غیر حرم، و بعید نیست که به واسطه حلق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته شود، پس جایز است از برای او صید در خارج حرم.

مسائل متفرقه حلق یا تقصیر در حج

(۱۱۲۱) م- اگر قربانی به دلیلی از روز عید تأخیر افتاد، بنابر احتیاط نمی تواند حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند، بلکه ترتیب بین قربانی و حلق یا تقصیر و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی الاحوط.

(۱۱۲۲) م- حلق یا تقصیر باید در روز عید بجا آورده شود، اما بخاطر

عذر تأخیر آن تا آخر ایام تشریق مانع ندارد، و در صورت تأخیر در شب هم صحیح است و کفایت می‌کند.

(۱۱۲۳) م - اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند، ولی اگر با اعتقاد به اینکه وکیل او برای او قربانی کرده حلق یا تقصیر کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق یا تقصیر مزبور کافی است و اگر بعد از حلق یا تقصیر اعمال مکّه را هم انجام داده باشد کفایت می‌کند و لازم نیست آنها را عاده کند.

(۱۱۲۴) م - کسانی که سال اول حج آنهاست بین حلق و تقصیر مخیرند.
(۱۱۲۵) م - کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید نمی‌تواند قبل از این که خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد، و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر.

(۱۱۲۶) س - کسی که سفر اول حج او است در وقتی که سلمانی سر او را برای حلق می‌تراشیده مشغول گرفتن ناخنهای خود بوده و غافل بوده که نباید این کار را بکند. آیا کفّاره دارد یا خیر؟

ج - چیزی بر او نیست.

(۱۱۲۷) س - کسی که در غیر منی حلق نموده و اعمال مترتبه را انجام داده و پس از آن عمره مفرده انجام داده، آیا محلّ شده است یا خیر، و عمره مفرده او صحیح است یا خیر؟

ج - محلّ نشده و عمره او صحیح نیست، مگر اینکه از روی جهل یا نسیان در غیر منی حلق کرده باشد که در این صورت محلّ شده و عمره او صحیح می‌باشد، لکن احتیاط در این است که در صورت امکان به منی برگردد و حلق یا تقصیر کند و یا موی خود را به منی بفرستد.

(۱۱۲۸)س - گفته می شود که مسلخ جدید در منی نیست و اشخاص پس از قربانی در آنجا و بیرون آمدن، پشت همانجا حلق و تقصیر کرده اند، وظیفه آنان چیست؟

ج - اگر حلق و تقصیر در منی نبوده باید اعادة شود، مگر در صورت جهل یا نسیان بصورتی که گفته شد.

(۱۱۲۹)س - در مسأله سابق کسانی که بعد از حلق و تقصیر مزبور به مکه آمده اند و اعمال مکه از قبیل طواف و سعی و طواف نساء را انجام داده اند و بعد متوجه شده اند که حلق و تقصیر در منی نبوده، آیا اعمال مکه آنان صحیح است؟

ج - در فرض مزبور صحیح نیست و باید آن اعمال هم اعادة شود، مگر در صورت جهل یا نسیان.

(۱۱۳۰)س - کسی که سال قبل هم به حج مشرف شده و حلق را در خارج منی انجام داده است و امسال هم حلق را در خارج نموده چه وظیفه ای دارد، و اگر اعمال مکه را انجام داده صحیح است یا خیر؟

ج - در صورت جهل یا نسیان اعمالش در هر دو سال صحیح است، اما در صورتی که عمداً و از روی علم در غیر منی حلق کرده باشد حلق یا تقصیر را در منی اعادة کند و یک حلق یا تقصیر کافی است و بعد طواف و نماز و سعی سال قبل را اعادة کند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی امسال را نیز بجا آورد و بعد یک طواف نساء و نماز انجام دهد و کفایت می کند، گرچه ظاهر این است که احرام برای عمره و حج امسال صحیح نبوده است، در صورتی که سال قبل عمداً و عالماً در غیر منی حلق کرده باشد.

(۱۱۳۱)س - اگر در موردی که حاجی باید حلق کند به جای حلق، تقصیر کرده است وظیفه اش چیست، آیا کفاره دارد یا نه؟

ج - در صورتی که به سر خود صمغ یا عسل زده باشد یا موهای خود

را بافته باشد، تقصیر کافی نیست و باید حلق کند، و در صورت جهل کفّاره ندارد.

(۱۱۳۲) س - کسی که سال دوم حج او است و سال قبل برای خودش حج نموده و حلق کرده است و امسال به نیابت دیگری حج بجای می آورد، آیا در سفر دوم حکم ضروره را دارد که باید حلق کند یا تقصیر کافی است؟

ج - تقصیر کفایت می کند.

(۱۱۳۳) س - شخصی در سال ۶۰ نایب شخص دیگری شد، و برای اولین بار آمد مکه و در مرز بین وادی مُحَسَّر و منی، حلق نمود، به اعتقاد این که آنجا جزء منی است، و یک سال بعد باز به مکه مشرف شد، برای خودش به عنوان حَجَّةِ الْاِسْلَام، و در منی تقصیر نمود به خیال این که حلق قبلی، و اعمال حج گذشته او صحیح بوده است، و در سال ۶۵ باز به مکه مشرف شد و به عنوان ما فی الذمه مُحْرَم شد، در این بین متوجه شد که حلق سال اول در خارج منی بوده است، امسال حلق را در منی به قصد ما فی الذمه، انجام می دهد و بقیه اعمال را نیز به قصد ما فی الذمه، بجا آورده است، آیا این کار کافی است یا نه؟

ج - کفایت می کند و حج نیابی و حَجَّةِ الْاِسْلَام خودش هر دو صحیح است و احتیاجی به اعاده و حج و حلق و غیره بقصد ما فی الذمه نمی باشد. (۱۱۳۴) س - اگر کسی مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیه را ماشین کند آیا جایز است و حلق صدق می کند؟ ضمناً بعد از ماشین، بقیه سر را نیز می تراشد.

ج - چون شخص مخیر است بین حلق و تقصیر می تواند حلق را رها کرده و به نیت تقصیر موی خود را کوتاه نماید.

(۱۱۳۵) س - کسی که غیر از وقوفین اضطراری را نمی تواند درک کند و

برای بقیه اعمال خود نایب می‌گیرد، آیا می‌تواند حلق را در غیر از منی انجام دهد؟

ج - باید در منی حلق یا تقصیر کند و حلق در غیر منی کافی نیست، مگر آنکه نتواند به منی برود.

(۱۱۳۶) س - شخصی دو موضع در سرش شکسته است، ممکن است که حلق روز عید با عث پاره شدن پوست گردد، اگر تقصیر نماید، مُجزی است یا وظیفه دیگری دارد؟

ج - تقصیر کفایت می‌کند.

(۱۱۳۷) س - شخصی سال گذشته قربانی و حلق را در غیر منی (خارج از منی) انجام داده و پس از خاتمه اعمال به ایران برگشته است و امسال نیز به مدینه مشرف شده و قصد حج دارد، بفرمایید وظیفه او چیست؟ و آیا می‌تواند برای خود یا دیگران حج بجا آورد یا نه؟

ج - در صورتی که جهلاً یا نسیاناً در غیر منی قربانی و حلق را بجا آورده کفایت می‌کند و اعمال مترتبه نیز صحیح است و امسال می‌تواند به نیابت از دیگران حج بجا آورد.

(۱۱۳۸) س - صبیّ مُمیزی تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام داده است، آیا از ضروره بودن، خارج می‌شود یا نه؟

ج - بلی، خارج می‌شود.

(۱۱۳۹) س - در روز عید قربان که حاجی باید حلق کند و از طرفی تراشیدن و کندن مو بر مُحرم حرام است، آیا حجاج باید بعد از تقصیر افرادی که مخیر بین حلق و تقصیر هستند از وجودشان برای حلق استفاده کنند یا در آن وقت برای شخص جایز است که سر خود را بترشد، و آیا فرق است بین تراشیدن سر خود و تراشیدن سر دیگری، و در هر حال تکلیف شرعی او چیست؟

ج - خودش می تواند خود را حلق کند، و می تواند به کسی که از احرام به حلق یا تقصیر خارج شده واگذار کند که او را حلق نماید، و در هر صورت اگر دیگری او را حلق کند کفایت می کند اگرچه از احرام خارج نشده باشد، ولی حلق برای صروره احتیاط مستحب است و لزومی ندارد. (۱۱۴۰) **س -** کسی که در حج وظیفه اش سر تراشیدن است و از اول می داند که با تیغ کشیدن، سرش خون می آید، بفرماید آیا سرش را باید بتراشد یا نه؟

ج - باید تقصیر کند.

(۱۱۴۱) **س -** کسی که حلق را فراموش کرده و به ایران بازگشته است، وظیفه او چیست؟

ج - باید به مکه رود و در منی حلق یا تقصیر کند، و اگر نمی تواند در همان محلّ خودش حلق یا تقصیر را بجا آورد و عادهً اعمال مترتبه بر حلق لازم نیست.

(۱۱۴۲) **س -** کسی که وظیفه او حلق است ولیکن از حلق معذور است، وظیفه او چیست؟

ج - تقصیر کفایت می کند.

(۱۱۴۳) **س -** اگر کسی قربانی را از روی عمد تأخیر بیندازد، آیامی تواند حلق و یا تقصیر نماید و یا باید حتماً بعد از قربانی باشد **ج -** باید حلق را بعد از قربانی انجام دهد.

(۱۱۴۴) **س -** شخصی در روز عید قربان در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد و چون پول برای هدیه نداشت آن را مبدل به روزه کرد، و تصمیم دارد بعد از ایام تشریق شروع به سه روز روزه نماید، آیا چنین شخصی تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه انجام دهد یا همان روز عید حلق یا تقصیر نماید؟

ج - باید روز عید حلق یا تقصیر نماید.

(۱۱۴۵) س - آیا تراشیدن ریش، صرف نظر از حرمت، کفایت از تقصیر

می کند یا نه؟

ج - کفایت نمی کند.

(۱۱۴۶) س - عصر عید قربان بعد از هدی که دوستان سر می تراشیدند و

من هم به این فکر که باید سر را تراشید رفتم سر خود را تراشیدم، و نگفتم

که سر می تراشم برای حج تمتع، فقط سرم را تراشیدم، در این صورت

وظیفه من چیست؟

ج - اگر سر را به عنوان این که وظیفه شما سر تراشی است و از اعمال

حج است تراشیده اید صحیح است هر چند نیت را نگفته باشید.

مستحبات حلق

در حلق چند چیز مستحب است:

۱ - آنکه از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۲ - آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این

است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها

را بگیرد.

فصل پنجم

واجبات بعد از اعمال منی

(۱۱۴۷)م - واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آنجا واجب است. و در اینجا چند مسأله است:

(۱۱۴۸)م - جایز بلکه مستحب است که روز عید که از اعمال منی فارغ شد بیاید به مکه برای بقیه اعمال حج، و جایز است تأخیر بیندازد تا روز یازدهم و بعید نیست که جایز باشد تأخیر تا آخر ذی الحجّه به این معنی که روز آخر ذی الحجّه هم اگر آمد و اعمال را بجا آورد مانع ندارد.

(۱۱۴۹)م - اعمالی که در مکه واجب است بجا بیاید عبارتند از:

اول: طواف حج، که آن را طواف زیارت می‌گویند.

دوم: نماز طواف.

سوم: سعی بین صفا و مروه.

چهارم: طواف نساء.

پنجم: نماز طواف نساء.

(۱۱۵۰)م - کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن

به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت بدون هیچ

تفاوت مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء بجا آورد.

(۱۱۵۱) م- جایز نیست طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و بجا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی بجا آورد در حال اختیار.

(۱۱۵۲) م- چند طایفه اند که برای آنها جایز است طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بعد از آنکه مُحْرِم به احرام حج شدند قبل از رفتن به عرفات بجا آورند، و عمل آنها مجزی است:

اول: زنهایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

دوم: پیرمردها یا پیرزنهایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت برای زیادی جمعیت یا عاجز از برگشتن به مکه باشند.

سوم: اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن.

چهارم: کسانی که می دانند تا آخر ماه ذی الحجّه به جهتی برای آنها ممکن نمی شود طواف و سعی.

(۱۱۵۳) م- سه طایفه اول اعمالی را که جلو انداختند کافی است اگرچه بعد خلاف آن ظاهر شود مثلاً زن حائض نشود، و مریض خوب شود، و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط است.

(۱۱۵۴) م- طایفه چهارم که عقیده داشت نمی تواند اعمال را بجا آورد اگر از جهت مرض و پیری و علیلی بود باز مجزی است، و اما اگر از جهت دیگر بود مثل آن که اعتقاد داشت سیل مانع می شود و بعد خلافتش ظاهر شد باید اعاده کند اعمال را بعد از رجوع.

(۱۱۵۵)م- شخص محرم که به واسطه احرام حج چیزهایی بر او حرام شد که در سابق به تفصیل ذکر شد در سه موقع و بعد از سه عمل به تدریج آنها بر او حلال می شود:

اول: بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منی، همه چیز حلال می شود مگر بوی خوش و زن چنانچه قبلاً ذکر شد، و گفته شد که صید از جهت احرام نیز حلال می شود نه از جهت حرم.

دوم: بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه به تفصیلی که گذشت، حلال می شود بر او بوی خوش، ولی زن بر او حرام است.

سوم: بعد از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال می شود بر او زن نیز، پس بعد از این سه عمل همه چیز که به احرام حرام شده بود حلال می شود، و اما صید کردن در حرم حرام است برای همه کس چه محرم و چه محل.

(۱۱۵۶)م- کسانی که به واسطه عذر مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء را مقدم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی شود، و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

(۱۱۵۷)م- طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بیچه ممیز نیز لازم است، و اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی شود، و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولی، او را محرم کرد باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

(۱۱۵۸)م- طواف نساء و نماز آن اگرچه واجب است و بدون آن، زن حلال نمی شود، لکن رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن

حج نمی‌شود، بلکه واجب است بر کسی که حج کرده آن را بجا آورد، و اگر بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، ولی آنچه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن عقد بر او حلال می‌شود، لکن احتیاط در ترک این امور است.

(۱۱۵۹)م- جایز نیست مقدم داشتن سعی را بر طواف زیارت یا بر نماز آن اختیاراً، و جایز نیست مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف زیارت و بر سعی اختیاراً، و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

(۱۱۶۰)م- جایز است طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد در حال ضرورت مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی، لکن احتیاط مستحب در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن بجا آورد.

(۱۱۶۱)م- اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد یا به واسطه ندانستن حکم مقدم بدارد طواف و سعی صحیح است، و احتیاط مستحب در اعاده طواف نساء است.

(۱۱۶۲)م- اگر طواف نساء را سهواً بجا نیاورد تا برگشت از حج پس اگر می‌تواند باید خودش برگردد و بجا بیاورد، و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد و پس از بجا آوردن، زن به او حلال می‌شود.

(۱۱۶۳)م- اگر کسی طواف واجب- چه طواف عمره و چه طواف حج و چه طواف نساء- را فراموش کند و پس از بازگشت با علم به ترک طواف با زن نزدیکی کند باید یک هدی در مکه قربانی کند و احتیاط آن است که شتر باشد، و اگر نمی‌تواند گوسفند قربانی کند، و اگر می‌تواند باید خودش برگردد و طواف و نماز آن را بجا آورد و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم اعاده کند، و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد، ولی نایب لازم نیست سعی را اعاده کند. و در صورت استمرار فراموشی نزدیکی با زن کفاره ندارد.

(۱۱۶۴) م- اگر کسی طواف را چه طواف عمره یا طواف زیارت از روی جهل به مسأله بجا نیاورد و برگشت به محلّ خود باید حج را عاده کند و یک شتر قربانی کند.

مسائل متفرّقه اعمال بعد از منی و طواف نساء

(۱۱۶۵) س- اگر کسی تنها این ترس را داشته باشد که بعد از برگشت از منی در اثر ازدحام نتواند یا به مشقّت بیفتد، آیا می تواند اعمال حج را مقدّم بدارد یا نه؟

ج- می تواند مقدّم بدارد.

(۱۱۶۶) س- اعمال حج را به جهت خوف حیض بر اعمال منی مقدّم داشت، ولی چون طواف یا سعی را قطع کرده بود، به طوری که می باید اتمام و عاده کند و چنین کرد، آیا بعد از اعمال منی بر او چیزی نیست؟

ج- اگر وظیفه را انجام داده چیزی بر او نیست.

(۱۱۶۷) س- آیا نایب هم اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد می تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدّم بدارد یا نه؟

ج- مانع ندارد.

(۱۱۶۸) س- کسانی که اعمال حج را قبل از اعمال منی انجام می دهند، آیا می توانند سعی را بعد از برگشتن از منی انجام دهند و باقی اعمال را قبل؟

ج- محلّ اشکال است.

(۱۱۶۹) س- تقدیم اعمال مکه برای ذوی الا عذار جایز یا لازم است؟

ج- جایز است، و لازم نیست.

(۱۱۷۰) س- کسانی که اعمال حج را مقدّم بر وقوفین می نمایند، آیا باید

اقرب زمان به موقوفین رار عایت کنند؟

ج - لازم نیست.

(۱۱۷۱) س - تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم می‌دارند، بر عهده خود آنان است یا بر عهده گردانندگان گروه و مسئولین؟

ج - تشخیص با خود مکلف است.

(۱۱۷۲) س - کسی که او را به وسیله تخت، طواف می‌دهند آیا می‌تواند اعمال حج خود را بر وقفین مقدم بدارد؟

ج - اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیست، نمی‌تواند مقدم بدارد.

(۱۱۷۳) س - کسی که اعمال حج را بر وقفین مقدم می‌دارد، آیا می‌تواند طواف نساء را بعد از وقفین و اعمال دیگر انجام دهد؟

ج - بنابر احتیاط در موردی تقدیم بدارند که هر سه عمل را مقدماً انجام دهند.

(۱۱۷۴) س - شخصی که می‌تواند اعمال مکه را بر وقفین مقدم بدارد اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را انجام داد چه صورتی دارد؟

ج - کفایت نمی‌کند و باید یا قبل از وقفین آنها را با احرام اعاده کند و یا بعد از وقفین و اعمال منی، آنها را بجا آورد.

(۱۱۷۵) س - آیا می‌تواند اعمال مکه را به نایب واگذارند، در صورتی که می‌تواند تأخیر بیندازد تا خود بجا آورد؟

ج - با فرض این که می‌تواند خودش بجا آورد ولو با تأخیر تا آخر وقت، نمی‌تواند نایب بگیرد.

(۱۱۷۶) س - در مناسک فرموده‌اید وقت انجام اعمال حج تا روز یازدهم است و بعید نیست که تا آخر ماه ذی‌الحجه نیت کند، در صورتی که وقت انجام مناسک حج تا روز یازدهم باشد، اگر تأخیر انداخت چون

محتمل است ظرف وجوب منقضی شده باشد آیا معصیت نموده است؟
ج - معصیت نیست.

(۱۱۷۷) س - کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده، آیا می تواند طواف مستحبی انجام دهد، و نیز در حال احرام عمره تمتع آیا می تواند قبل از انجام عمره، طواف مستحبی انجام دهد؟
ج - احتیاطاً ترک نماید.

(۱۱۷۸) س - آیا بعد از انجام اعمال منی قبل از انجام اعمال مکه می توان از مکه خارج شد یا خیر؟
ج - مانع ندارد.

(۱۱۷۹) م - اگر شخص، چندین عمره مفرده بجا آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند.

(۱۱۸۰) م - احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت ما فی الذمه کند گرچه می تواند به نیت منوب عنه انجام دهد.

(۱۱۸۱) س - آیا پیش از بجا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن حرام است و یا اختصاص به جماع دارد؟

ج - از مطلق تلذذ از زن باید اجتناب نماید.

(۱۱۸۲) س - آیا تأخیر طواف نساء از سعی برای چند روز، جایز است یا خیر؟

ج - مانع ندارد.

(۱۱۸۳) س - شخصی بعد از حج، ازدواج کرد و دارای اولاد شد، بعداً

متوجه می شود که در حج، طواف نساء را بجا نیاورده است، حال که متوجه شده است، حکم زن و فرزند او چگونه است و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج - با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد و عقد ازدواج باطل نیست، اما از جماع و تلذذهای دیگر پرهیز کند تا طواف نساء را بجا آورد، و اگر خودش نمی تواند برود نایب بگیرد.

(۱۱۸۴) س - مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال بجا آوری! زن به جای نیت طواف نساء طواف رجال ذکر کرد، آیا کافی است یا نه؟

ج - اگر منظورش ادای وظیفه است، مانع ندارد.

(۱۱۸۵) س - کسی که عمره مفرده انجام می داد بدون اینکه تقصیر کند

طواف نساء را بجا آورد، وظیفه او چیست، و عمره او باطل است یا نه؟

ج - عمره باطل نمی شود، لکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده نماید، و بدون آن، حرمت نساء باقی است.

(۱۱۸۶) س - شخصی پس از مراجعت از مکه شک می کند که طواف

نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، چه وظیفه ای دارد؟

ج - اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را

انجام دهد یا نایب بگیرد، ولی در صورت التفات لازم نیست، هر چند احوط است.

(۱۱۸۷) س - اگر کسی بعد از شوط چهارم طواف نساء عمره مفرده با

زوجه خود مواجهه نماید، آیا مانند طواف نساء حج است که به حج لطمه

ای وارد نکرده و کفاره هم ندارد؟

ج - بلی، عمل صحیح است و کفاره ندارد، اگرچه حرام مرتکب شده

است.

- (۱۱۸۸)س - بجای آوردن طواف نساء از روی جهل همانند طواف حج و عمره است که باید حج را عاده کند و شتر قربانی نماید؟
- ج - ترک طواف نساء، حج را باطل نمی‌کند و کفاره ندارد، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد.
- (۱۱۸۹)س - شخصی قبل از طواف نساء بازو و جبهه خود ملاعبه نمود و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟
- ج - کفاره دارد مگر در صورت جهل یا نسیان.
- (۱۱۹۰)س - زنی که اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم داشته، بعد از سعی حائض می‌شود، شوهرش در همان وقت به نیابت از او طواف نساء را انجام داده، آیا این نیابت صحیح است؟
- ج - صحیح نیست، و تقدیم برای کسی است که خودش طواف می‌کند. و احتیاط مستحب آن است که اکتفا به آن که مقدم داشته هم نکند.
- (۱۱۹۱)س - اگر نایب، طواف نساء را بجای آورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه‌اش هم مشغول است، هر چند بعد از مردن باشد، که باید برای او قضا کنند؟
- ج - ذمه او هم مشغول است، ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.
- (۱۱۹۲)س - شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره تمتع محرم شده است آیا طواف نساء فراموش شده را بعد از انجام اعمال عمره تمتع بجا آورد یا قبل از آن؟
- ج - می‌تواند بعد از انجام اعمال تمتع بجا آورد و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء حج، کفایت از آن می‌کند.
- (۱۱۹۳)س - کسی که طواف نساء عمره مفرده را بجای آورده و بعد از آن حج افراد بجا می‌آورد، آیا طواف نساء حج افراد کفایت می‌کند؟

ج - کفایت می‌کند.

(۱۱۹۴) س- پیر مردان و پیر زنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمی‌کنند و نیز کسی که عنین است، آیا اگر طواف نساء را بجا نیاورند اشکال دارد؟

ج - اگرچه طواف نساء جزء اعمال نیست، لکن عمل واجبی است که باید انجام داده شود.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی، ذکر شد اینجا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می‌آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمَهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ
الْغَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي
بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ
رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ
الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ
أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوِكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

پس به نزد حجر الاسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد، آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

فصل ششم

بیتوته در منی

و در آن چند مسأله است:

(۱۱۹۵) م- واجب است بر حاجی که شب یازدهم ذی الحجّه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند، یعنی در آنجا بماند از غروب آفتاب تا نصف شب.

(۱۱۹۶) م- چند طایفه باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب بمانند: **اول** کسی که در احرام صید کرده است، و احتیاط مستحب آن است که اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد شب سیزدهم را بماند، لکن غیر از صید کردن چیزهای دیگر که از صید بر محرم حرام است مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیّاد و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نیست بیتوته شب سیزدهم.

دوم کسی که نزدیکی با زن کرده در احرام چه در قُبُل و چه در دُبُر و چه با زن خود یا اجنبیه که باید بنا بر احتیاط شب سیزدهم را نیز بماند. ولی غیر از جماع، کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نمی شود بیتوته شب سیزدهم.

سوم کسی که در روز دوازدهم کوچ نکرد از منی و غروب شب

سیزدهم را درک کرد.

(۱۱۹۷)م - چند طایفه اند که واجب نیست در شبهای یازده و دوازده و

سیزدهم در منی بمانند:

اول بیماران و پرستاران آنها، و دیگر کسانی که برای آنها مشقت

داشته باشد مانند هر عذری که باشد.

دوم کسانی که ترس آن دارند که اگر شب را بمانند مال آنها در مکه از

بین می رود به شرطی که مال معتد به باشد.

سوم چوپانهایی که احتیاج دارند حیوانات آنها به چرانیدن در شب.

چهارم کسانی که متکفل آب دادن به حجج هستند در مکه.

پنجم کسانی که شب را در مکه بیدار باشند و به عبادت مشغول باشند

تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و

آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو.

البته چهار طایفه اول فقط در صورت اضطرار می توانند بیتوته به منی

را ترک کنند.

(۱۱۹۸)م - کسی که در احرام عمره تمتع از صید و زن اجتناب نکرده

بنابر احتیاط باید شب سیزدهم را بماند، و این حکم اختصاص به احرام

حج ندارد.

(۱۱۹۹)م - مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کرد از اول

شب است تا نصف آن، پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منی تا نیمه

شب مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش

از طلوع صبح وارد مکه نشود.

(۱۲۰۰)م - کسی که در اول شب بی عذر در منی نبود واجب است که قبل

از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند، و فرقی بین نیمه اول شب و نیمه دوم

نیست.

(۱۲۰۱)م- نیمه شب را باید از اوّل غروب تا طلوع فجر حساب کنند.
(۱۲۰۲)م- بیتوته در منی از عبادات است و باید با نیّت خالص
برای اطاعت خداوند بجا آورد.

(۱۲۰۳)م- جایز نیست در غیر مکه مشغول عبادت شود و به منی نرود،
ولی کسانی که طواف خانه خدا را انجام داده‌اند و در حال عبادت بوده‌اند
و بعد از آن از مکه خارج شده‌اند می‌توانند در بین راه بیتوته کنند و لازم
نیست خود را به منی برسانند.

(۱۲۰۴)م- کسی که بیتوته در منی را در شبهایی که واجب است بماند
ترک کند برای هر شب یک گوسفند باید قربانی کند.

(۱۲۰۵)م- کفّاره يك گوسفند برای ترک بیتوته در منی در صورتی
واجب می‌شود که بیتوته از روی علم و عمد ترک شود.

(۱۲۰۶)م- تمام کسانی که قبلاً گفته شد واجب نیست در منی بمانند، در
صورتی که در منی نمانند کفّاره بر آنها واجب نیست، لکن مخفی نماند که
غیر از کسانی که در مکه مشغول به عبادت هستند سائرین فقط در صورت
اضطرار می‌توانند بیتوته به منی را ترک کنند، پس اگر در غیر صورت
اضطرار بیتوته را ترک کردند علاوه بر گناه باید کفّاره بدهند.

(۱۲۰۷)م- گوسفندی که باید قربانی شود هیچ یک از شرایط هدیه راکه
در منی برای حج باید ذبح کند لازم نیست داشته باشد.

(۱۲۰۸)م- گوسفندی راکه باید قربانی کند محلّ معینتی ندارد حتّی
می‌تواند پس از مراجعت به محلّ خود قربانی بکند اگرچه احتیاط آن است
که در منی قربانی کند.

(۱۲۰۹)م- اگر قسمتی از اوّل شب که باید در منی بیتوته کرد، درک نشود
یا زودتر از نصف شب از منی خارج شوند، احتیاط واجب آن است که در
صورتی که بدون عذر بوده یک گوسفند قربانی کنند مگر اینکه نیمه دوم

شب را کاملاً در منی باشد که در اینصورت کفاره واجب نمی شود.
 (۱۲۱۰) م- کسانی که جایز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم باید بعد از ظهر کوچ کنند و جایز نیست قبل از ظهر، و کسانی که در روز سیزدهم کوچ می کنند مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

مسائل متفرقه بیتوته به منی

(۱۲۱۱) م- اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست برای کوچ کردن، بعد از ظهر به منی برگردد، گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست.

(۱۲۱۲) م- در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم زنهام حکم مردان را دارند، بنابراین اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند نمی توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.

(۱۲۱۳) م- کسانی که در زمینهای متصل به منی که از منی نیست در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می کنند باید کفاره بدهند و برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند هر چند اعتقاد پیدا کرده باشند که آنجا از منی است یا به گفته اشخاص محلی، مطمئن شده باشند.

(۱۲۱۴) م- اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمی شود.

استفتائات

(۱۲۱۵) س- بیتوته در منی اگر در غیر منی انجام شود چه صورت دارد، و آیا اشخاص جاهل به موضوع معذورند یا خیر؟

ج - باید قربانی کنند، و فرقی بین عالم و جاهل نیست.

(۱۲۱۶) س - کسانی که مقداری از اول شب با عذر یا بدون عذر در خارج منی بودند یا قبل از نصف شب خارج شدند، آیا کفاره بر آنها واجب است یا خیر؟

ج - در صورتی که بدون عذر بوده و نیمه دوم را نیز کاملاً در نمازده باشند کفاره واجب است.

(۱۲۱۷) س - فرموده اید کسی که بدون عذر نصف اول شب را در منی نبود واجب است نصف دوم را در منی بماند، آیا کفاره ترک میبت را نیز باید بدهد؟

ج - اگر نیمه دوم را کامل بماند کفاره ندارد.

(۱۲۱۸) س - کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در منی باشد یا در مسجد الحرام مشغول عبادت گردد، در مسجد الحرام مشغول عبادت می شود، ولی در بین آن از خستگی مرتب چرت می زند و بیدار می شود، وظیفه او چیست؟ و سؤال دیگر در این رابطه که اخیراً پشت بامی وسیع برای مسجد الحرام (زاده الله شرفاً) درست کرده اند، آیا شبهایی که باید در منی بماند و یا در مسجد الحرام مشغول عبادت باشد، ماندن در آنجا و عبادت کردن کافی است یا نه؟

ج - اگر به قدری خواب می رود که صدق نمی کند که تمام شب مشغول به عبادت بوده، کافی نیست و باید کفاره بدهد. و عبادت در هر جای مکه کافی است.

(۱۲۱۹) س - اینجانب شغلم مسؤولیت کاروان است. چندین سال قبل جایی را که یقین داشتم جزء منی است با حاجی های بیتوته نموده ام و سالهای بعد فهمیدم و برایم یقین حاصل شد جایی که سالهای قبل بیتوته نموده ایم خارج از منی است. آیا کفاره بر اینجانب و همه حججاج واجب است یا نه؟

و در صورتی که کفّاره واجب باشد، آیا کفّاره حجّاج بر عهده خودشان است یا بر عهده من؟ و آیا ابلاغ به حجّاج واجب است یا نه؟ و اگر بعضی از آنان مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد، تکلیف چیست؟

ج - کفّاره واجب نیست مطلقاً.

(۱۲۲۰) س - علامت گذاری حدود منی در سالهای قبل با علامت گذاری الآن که به وسیله حکومت انجام گرفته فرق می کند، و اینجانب که مسؤول کاروان هستم در سالهای قبل با حجّاج در قطعه زمینی بیتوته کرده ایم که اگر تعیین فعلی حکومت صحیح باشد، بیتوته ما در خارج از منی بوده، و اگر تعیین قبلی صحیح باشد که ما یقین به آن داریم طبق علامت قبلی و نظر پیروان اهل مکه بیتوته ما صحیح است، حال بنا بر اینکه تعیین حکومت صحیح باشد، تکلیف ما نسبت به بیتوته سالهای قبل چیست؟ و در صورت وجوب کفّاره، آیا ابلاغ به همه حجّاج لازم است یا نه؟ و آیا با توجه به اینکه در فرض مسأله بیتوته ترک نشده بلکه اشتباه در مصداق بوده است، نسبت به حجّاج ضامن می باشم یا نه؟

ج - چه کشف خلاف شود و چه نشود در هر صورت قربانی لازم نیست.

(۱۲۲۱) س - آیا کسانی که عذر دارند از رمی در روز، می توانند شب دوازدهم برای روز دوازدهم رمی کنند و از منی به مکه بیایند و دیگر برنگردند به منی، یا باید صبر کنند و بعد از ظهر با مردم کوچ کنند؟

ج - می توانند بعد از میت واجب، خارج شوند و لازم نیست صبر کنند.

(۱۲۲۲) س - قبلاً سؤال شده است که آیا کسانی که خوف مشقت دارند می توانند شب دوازدهم رمی جمره نموده به مکه رفته و دیگر به منی برنگردند؛ و حضرت عالی جواب فرموده اید در صورت عذر اشکال ندارد،

ولی قبل از نصف شب نباید بیرون بروند، با توجه به مسأله فوق این سؤال مطرح می شود که آیا خدمه کاروانها نیز برای پذیرایی از این قبیل زائرین می توانند به همراه آنان در شب، رمی نموده و به مکه بروند و برای وقوف تا وقت شرعی روز دوازدهم، دیگر به منی برنگردند؟

ج - وقوف در روز دوازدهم واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن قبل از زوال است، و اشخاص ذکر شده می توانند بعد از نصف شب از منی بروند و روز دوازدهم برای رمی به منی برگردند ولو بعد از ظهر، و اگر قبل از ظهر آمدند بعد از ظهر بیرون بروند. و رمی شب برای آنها کافی نیست.

(۱۲۲۳) س - حاجی شب دوازدهم بعد از نصف شب از منی خارج و به مکه می رود، روز بعد برای رمی به منی می آید، آیا لازم است که قبل از ظهر به منی بیاید یا چون وظیفه ای غیر از رمی ندارد بعد از ظهر هم می تواند بیاید؟

ج - لازم نیست قبل از ظهر به منی بیاید، هر چند اگر قبل از ظهر بیاید نمی تواند قبل از ظهر کوچ کند.

(۱۲۲۴) س - مدیر کاروانی، زهارا قبل از ظهر دوازدهم، از منی خارج نمود، وظیفه آنان که از مسأله اطلاع نداشتند و یا اگر متوجه مسأله بودند نمی توانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منی بمانند چیست؟

ج - با فرض این که عذر داشته اند مانع ندارد.

(۱۲۲۵) س - مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منی به عبادت مشغول می شود، چه قدر است؟ از مغرب تا طلوع فجر است یا تا طلوع آفتاب؟

ج - تا طلوع فجر حساب می شود.

(۱۲۲۶) پس بعد از اعمال ثلاثه روز عید می خواهد برای طوافها به مکه برود، ولی می داند که اگر به مکه برود سه ساعت از مبیت اول شب را درک نمی کند، آیا برود یا نه؟ و اگر رفت کفاره دارد یا خیر؟
ج - رفتن از منی به مکه در فرض مرقوم مانع ندارد، و در صورتی که نیمه دوم شب را در منی کاملاً بیتوته کند کفاره لازم نیست.

فصل هفتم

رمی جمرات سه گانه

و در آن چند مسأله است:

(۱۲۲۷) م- شبهایی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه گانه کند، یعنی سنگریزه بزند به سه محل که یکی را «جمره اولی» و یکی را «جمره وسطی» و یکی را «جمره عقبه» گویند، ولی اگر عمداً همه آنها را ترک کند به حج او ضرر نمی‌رساند و صحیح است گرچه در صورت عمد معصیت کار است.

(۱۲۲۸) م- اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

(۱۲۲۹) م- عدد سنگریزه که باید به جمره بزند برای هر یک در هر روز هفت عدد می‌باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره عقبه گفته شد.

(۱۲۳۰) م- وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است، و در شب جایز نیست بجا آورد.

(۱۲۳۱) م- اگر کسی عذری داشته باشد از این که روز بجا آورد؛ مثل

چوپان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تراحم جمعیت، جایز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.

(۱۲۳۲) م- واجب است ترتیب در سنگ انداختن به اینکه اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیندازد.
(۱۲۳۳) م- اگر به ترتیبی که گفته شد بجای آورد باید دوباره آنچه که بر خلاف ترتیب کرده بجا آورد به طوری که ترتیب حاصل شود، مثلاً اگر اول به جمره وسطی انداخت و بعد به جمره اولی کفایت می کند که جمره وسطی را دوباره بجا آورد و بعد جمره عقبه را و اعاده جمره اولی لازم نیست.

(۱۲۳۴) م- در حکمی که در مسأله قبل ذکر شد فرق نیست میان آن که از روی علم و عمد خلاف ترتیب کند یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسأله، در هر صورت باید اعاده کند.

(۱۲۳۵) م- اگر کسی چهار سنگ به جمره اولی بیندازد و سهواً آن را رها کند و مشغول جمره بعدی بشود کافی است. و در حالت سهو لازم نیست تمام هفت سنگ مقدم باشد پس اگر سهواً چهار سنگ به جمره اولی بزند و بعد چهار سنگ به جمره وسطی و بعد مشغول جمره عقبه شود، و یادش بیاید به هر ترتیبی که می خواهد هفت سنگ جمره عقبه و سه سنگ آن دو تای دیگری را بیندازد، لکن کسی که از روی علم و عمد این کار را کرده باید اعاده کند.

(۱۲۳۶) م- اگر کسی فراموش کند در یکی از روزها رمی کند واجب است روز بعد آن را قضا کند، و اگر دو روز را فراموش کرد باید در روز بعد هر دو را قضا کند، و همچنین است اگر از روی عمد ترک کرده باشد.

(۱۲۳۷) م- واجب است قضا را مقدم بدارد بر ادا، پس در روز یازدهم اگر بخواهد قضای روز عید را بجا بیاورد اول قضای عید را بجا آورد و بعد

رمی روز یازدهم را که ادا است، و همچنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس اگر در روز سیزدهم مثلاً بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را بجا آورد باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم ختم کند که ادا است.

(۱۲۳۸) م- چنانچه قضای رمی جمرات سه گانه واجب است، قضای رمی بعضی از آنها هم اگر ترک شده باشد واجب است، پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دو تای دیگر را نکرد، روز بعد باید آن را که نکرده اتیان کند و بعد، تکلیف این روز را بجا آورد.

(۱۲۳۹) م- اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب انداخته باید قضا کند به طوری که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را بجا آورد.

(۱۲۴۰) م- اگر به هر یک از جمرات یا بعضی آنها چهار سنگ انداخته باشد و روز بعد یادش بیاید احتیاط واجب آن است که بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه آن روز را بجا آورد.

(۱۲۴۱) م- اگر کسی فراموش کند رمی جمرات سه گانه را و خارج شود از منی و به مکه بیاید پس اگر در ایام تشریق یادش آمد باید برگردد و بجا آورد و اگر متمکن نیست باید نایب بگیرد، و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید یا عمداً تعویق بیندازد تا بعد، احتیاط واجب آن است که خودش یا نایش از مکه برگردد و بجا آورد، و در سال دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نایش قضا کند.

(۱۲۴۲) م- اگر فراموش کرد رمی جمرات را و یادش نیامد مگر بعد از خروج از مکه، احتیاط واجب آن است که در سال دیگر قضا کند آن را خودش یا نایش.

(۱۲۴۳) م- کسی که بعضی از جمرات را فراموش کند حکم همان است

که در دو مسأله قبل ذکر شد، بلکه کسی که کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعض آن انداخت همین حکم را دارد.

(۱۲۴۴) م- کسی که عذری داشته باشد از انداختن سنگ مثل آن که مریض باشد یا طفل باشد که نتواند رمی کند یا علیل باشد مثل آن که دست یا پایش شکسته باشد یا از شدت بی حالی نتواند یا بیهوش باشد باید ناپیش بجا آورد، و اگر از ناپیش گرفتن هم عاجز باشد مثل بیهوش و طفل کوچک، ولی او یا شخص دیگری از طرف او بجا آورد، و احتیاط واجب آن است که تا مایوس نشده از این که خودش عمل کند ناپیش عمل نکند و بهتر آن است که اگر می شود شخص معذور را ببرند و در حضور او رمی کنند، و اگر می شود سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند.

(۱۲۴۵) م- اگر بعد از آنکه ناپیش عمل را بجا آورد عذر بر طرف شد بجا آوردن خودش لازم نیست اگرچه احوط است.

(۱۲۴۶) م- اگر شخص مریض مایوس باشد از خوب شدن یا شخص معذور، مایوس باشد از رفع عذر، واجب است که ناپیش بگیرد، و اگر مایوس نیست می تواند ناپیش بگیرد، لکن اگر عذر رفع شد احتیاط آن است که خودش عمل کند.

(۱۲۴۷) م- اگر دیگران مایوس باشند از رفع عذر معذور، لازم نیست از او اذن بگیرند اگرچه احوط است، و اگر نتواند اذن بدهد اذن معتبر نخواهد بود.

(۱۲۴۸) م- اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رمی کند شک کند که بجا آورده یا نه اعتنا نکند.

(۱۲۴۹) م- اگر بعد از رمی شک کند که کیفیت آن صحیح بوده یا نه اعتنا نکند.

(۱۲۵۰) م- اگر در وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شک کند که

اولی را یا دومی را یا هر دو را رمی کرده یا صحیح انجام داده یا نه اعتنا نکند.

(۱۲۵۱) م- اگر در عدد شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر، قبل از آنکه داخل شود در رمی جمره بعدی باید آنچه محتمل است که کسر شده بیورد تا یقین کند هفت عدد شده هر چند منصرف از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنا بر احتیاط واجب.

(۱۲۵۲) م- اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رمی نکرده احتیاط واجب آن است که هر سه را قضا کند.

(۱۲۵۳) م- اگر بعد از آنکه داخل در جمره بعدی شد شک کند در عدد قبلی، پس اگر بداند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شک کند که بقیه را یا بعضی از آنها را انداخته یا نه، به شک خود اعتنا نکند. و اگر در کمتر از چهار، شک داشته باشد تا مقدار چهار اعتنا نکند و سه سنگ دیگر را بزند.

(۱۲۵۴) م- اگر بعد از رمی هر سه جمره یقین پیدا کند که یک سنگ یا دو سنگ یا سه سنگ از یکی از سه جمره ناقص شده باید هر چه را احتمال کسری داده به هر یک از سه جمره بزند.

(۱۲۵۵) م- اگر بعد از رمی سنگ به هر سه یقین کند که یکی از آنها را چهار کمتر انداخته، احتیاط واجب آن است که جمره آخری را از سر بگیرد، و احتیاط بالاتر آن است که هر سه را از سر بگیرد.

(۱۲۵۶) م- اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز یقین کند که یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است، قضای یک روز را به نیت ما فی الذمه بجا آورد و کفایت می‌کند.

مسائل متفرقه رمی

(۱۲۵۷) م- زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعر الحرام به منی وارد شوند اگر از رمی در روز معذورند می توانند شب، رمی کنند، بلکه زنها مطلقاً مجازند همان شب رمی نمایند. (۱۲۵۸) م- در طبقه دوم جمرات رمی جایز است و لازم نیست در طبقه اول رمی نمایند.

(۱۲۵۹) م- کسانی که عذر دارند از این که روز عید رمی کنند می توانند شب قبل از آن یا شب بعد از آن رمی کنند، و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند می توانند بعد از رمی به جای روز عید، در شب یازدهم رمی روز یازدهم را هم انجام دهند.

(۱۲۶۰) س- کسانی که با عذر از رمی در روز می توانند شب رمی کنند آیا لازم است شب، رمی کنند یا می توانند همان روز نایب بگیرند؟
ج- می توانند نایب بگیرند.

(۱۲۶۱) س- چنانچه کسانی صبح روز دهم از رمی کردن معذور باشند ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت است و قادر به رمی هستند، بفرمایید از صبح می توانند نایب بگیرند یا باید صبر کنند تا خلوت شود و رمی نمایند؟

ج- اگر می توانند در روز رمی کنند، نمی توانند نایب بگیرند.
(۱۲۶۲) س- آیا بدون عذر می توان در شب، رمی کرد یا کافی نیست، و اگر در شب صحیح است آیا گناهی هم مرتکب شده است، و همچنین تأخیر ذبح از روز عید قربان هر چند صحیح است ولی آیا گناهی هم مرتکب شده است؟

ج- بدون عذر، رمی، در شب واقع نمی شود، و اگر بدون عذر رمی در روز را ترک نماید گناه کرده است، و همچنین معصیت نموده است اگر

ذبح را عمداً از روز عید تأخیر بیندازد، هر چند ذبح صحیح است.
(۱۲۶۳) س - کسی که در رمی جمرات نایب شده، آیا می تواند شب، رمی کند یا نه، و همچنین کسی که در اصل حج نایب باشد و از ابتدا می دانسته که نمی تواند رمی کند، یا نمی تواند روز رمی کند، و یا در رمی در روز مسامحه و اهمال کند، حکمش چیست؟

ج - نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد، و اگر معذور باشد نمی تواند نایب شود مگر اینکه عذر بعداً عارض شده باشد که در این صورت نایب حج صحیح است. و کسی که در رمی نایب شده باید روز رمی کند، و مسامحه و اهمال موجب بطلان نیابت نیست، هر چند در فرض سؤال جایز نیست.

(۱۲۶۴) س - شخصی که خود معذور است و نمی تواند رمی جمرات نماید، آیا می تواند شخصی دیگری را که برای او هم رمی در روز مقدور نیست، نایب قرار دهد تا در شب رمی نماید، و آیا در صورت بودن و یا نبودن شخص سومی که بتواند نایب شود و در روز رمی نماید، حکم مسأله فرق دارد یا خیر؟

ج - در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرد که در روز رمی نماید، و اگر ممکن نباشد بنا بر احتیاط واجب روز بعد خودش قضا کند، و اگر در قضا هم امکان مباشرت نیست، نایب بگیرد.

(۱۲۶۵) س - در رمی جمرات اگر سنگریزه، اول به دیوار مجاور و بعد به جمره بخورد آیا کافی است، یا باید سنگریزه دیگر بزند؟
ج - ظاهراً کافی نیست.

(۱۲۶۶) س - شخصی وقت رمی جمرات شک کرد که چند سنگ زده ام، پس آن مقدار را رها کرد و دوباره از اول شروع نمود، آیا رمی او اشکال ندارد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

(۱۲۶۷)س - اینکه فرموده اید کوچ کردن شب دهم و درک کردن وقوف اضطراری مشعر و رمی در شب دهم برای زنان جایز است و نفس زن بودن عذر است، آیا با این حال زنان می توانند نایب شوند؟

ج - می توانند نایب باشند.

(۱۲۶۸)س - در زمان قدیم که جمرات به صورت فعلی نبوده است و یقیناً بعداً بلندتر و قطورتر درست شده است، بنابراین در جمره عقبه چرا رمی کردن مخصوص به آن سنگچین وسط دیوار سیمانی است و رمی به دیوار سیمانی جایز نیست؟ و اگر جایز می دانید بفرمایید، زیرا که اکثر مردم در جمره عقبه اکتفا به دیوار سیمانی دو طرف سنگچین می کنند و خلاصه ملاک رمی در جمرات چیست؟

ج - دیوار سیمانی پشت جمره از جمره نیست، و رمی آن کافی است، و امروزه اثری از آن دیوار سیمانی نمی باشد.

(۱۲۶۹)س - اخیراً جمرات را توسعه داده اند و طول هر يك از جمرات حدود ۳۵ متر شده است. رمی آنها به چه صورت صحیح است؟

ج - احتیاطاً حدود وسط جمره را رمی کنند.

(۱۲۷۰)س - اگر مردی که می تواند در روز رمی نماید، برای رمی زنی نایب شود آیا می تواند رمی زن را در شب انجام دهد؟

ج - نمی تواند و باید رمی را در روز انجام دهد.

(۱۲۷۱)س - افرادی که معذورند از واجباتی که ترکش ولو عمداً مضر به حج نیست، مثل رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم و میت به منی در شبهای یازدهم و دوازدهم، آیا می توانند اجیر شوند و نیابت کنند یا نمی توانند؟

ج - ذوی الا عذار نمی توانند نایب شوند، حتی اگر از مثل مذکورات

عذر داشته باشند، مگر اینکه عذر بعداً عارض شده باشد.

(۱۲۷۲) س - کسی که به نیابت دیگری رمی جمره می‌کند، آیا کافی است که اول برای خودش هر جمره‌ای را رمی کند و پس از آن به نیابت دیگران ولو ده نفر باشند یک جا رمی کند، بعد جمره وسطی را هم همین طور، و در پایان برای جمره عقبه چنین کند یا اینکه باید اول هر سه جمره را برای خودش و بعد هر سه را برای دومی، و همچنین نسبت به دیگران رمی نماید؟

ج - هر دو صورت صحیح است.

(۱۲۷۳) س - کسی که نمی‌تواند در روز عید رمی کند، آیا می‌تواند قبل از رمی حلق نماید و روز دیگر رمی کند؟

ج - جایز نیست علی‌الاحوط.

(۱۲۷۴) س - آیا جمره عقبه را از هر طرف می‌توان رمی نمود؟

ج - اگر به جمره بزند کافی است، ولی رمی دیوار کفایت نمی‌کند.
(۱۲۷۵) س - سنگریزه‌هایی که در مشعر موجود است و معلوم است که از خارج از مشعر آورده اند، و معلوم نیست که آیا از حرم یا از خارج حرم، آیا می‌توان از آنها برای رمی استفاده نمود؟

ج - اگر معلوم است که از خارج آورده اند، در مورد سؤال استفاده نکنند مگر آنکه طوری باشد که جزء مشعر محسوب شود.

(۱۲۷۶) س - شخصی رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده است و در روز سیزدهم متوجه می‌شود، آیا بعد از قضای جمره عقبه، باید رمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند؟

ج - لازم نیست.

(۱۲۷۷) س - آیا زیاده از هفت رمی، مُخِل به رمی است؟

ج - اگر از اول قصد زیادتر از هفت داشته باشد صحیح نیست و باید

رمی را اعاده کند، ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگریزه که به قصد هفت بوده، اضافه زده ضرر ندارد.

(۱۲۷۸) س - کسی که نتوانسته ذبح کند، و حلق یا تقصیر نیز ننموده است، آیا می‌تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد؟

ج - مانع ندارد.

(۱۲۷۹) س - زنی که احتمال بدهد رمی، با عثقا عدگی او می‌شود، آیا کافی است در رمی، نایب بگیرد.

ج - اگر در اثر آن به مشقت می‌افتد، عذر محسوب می‌شود و می‌تواند نایب بگیرد.

(۱۲۸۰) س - آیا می‌شود که زنهار شب دهم بعد از نصف شب از مشعر به منی بیاورند و همان شب آنان را به جمره عقبه ببرند و رمی کنند و بعد به خیمه برگردانند و نزدیک غروب روز یازدهم مجدداً آنان را به جمرات ببرند، تا شب دوازدهم هم رمی روز یازدهم را انجام دهند و هم رمی روز دوازدهم را، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی؟

ج - برای زنهار رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منی در همان شب عید قربان مانع ندارد، ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.

(۱۲۸۱) س - اگر کسی می‌داند یک روز رمی را ترک کرده است ولی نمی‌داند که روز دهم بوده یا یازدهم، یا دوازدهم وظیفه‌اش چیست؟

ج - رمی سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه انجام دهد. (۱۲۸۲) س - شخصی در رمی جمرات چنین تصوّر می‌کرده است که باید سنگریزه به خود سنگهای نصب شده جمرات بخورد، نه به ملات لای سنگها که به وسیله آن ملات بندکشی شده است، لذا برای اطمینان که به خود سنگ بخورد، یازده سنگریزه انداخته و هفت عدد از آنها را رمی

صحیح محسوب داشته است، آیا این رمی صحیح است یا نه؟
ج - اگر مواردی را که شك داشته احتیاطاً زده، مانع ندارد، و چنانچه شك نداشته و قصد زیاده هم نداشته است صحیح است هر چند در این صورت احتیاط مطلوب است.

(۱۲۸۳)س - شخصی روز عید قربان برای رمی جمره عقبه رفته است و انجام داده ولی دو روز بعد را در اثر کسالت، وکالت داده و روز سیزدهم خودش برای قضای رمی جمرات رفته، ولی اول رمی جمره عقبه نموده بعداً برگشته از جمره اولی شروع کرده و روز یازدهم و دوازدهم را یک مرتبه چهارده سنگ زده هفت عدد برای روز یازدهم و هفت عدد برای روز دوازدهم و جمره وسطی را همچنین دوازده سنگ زده و جمره عقبه را نیز دوازده سنگ زده است، و الآن به ایران برگشته است، آیا وظیفه او چیست؟

ج - اگر کسالت داشته و معذور بوده و وکالت داده عمل او صحیح است، و نیاز به تکرار نداشته است، و در هر صورت تکرار به نحو مرفوم صحیح نیست.

مستحبات منی

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا».

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، و هر کس در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد و هر کس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱. زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.
۲. ختم نمودن قرآن.
۳. خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَ رِزْقًا وَسِعًا، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ

سُقْم».

و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ».

۴. نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵. در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اوّل شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

۶. هنگام توقّف در مکه به عدد ایّام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷. به خانه کعبه داخل شود خصوصاً کسی که سفر اوّل او است، و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد در رکعت اوّل بعد از حمد، «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸. در هر یک از چهار زاویه کعبه دو رکعت نماز و بعد از نماز این دعا

را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّأَتِي وَ تَعَبَّبْتِي وَ اِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي. يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمِ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَ الْأَسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ

تُعْطِينِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبِنِي بِرِغْبَتِي وَلا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ
لا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا
عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ».

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «الله أكبر» بگوید پس
بگوید:

«اللَّهُمَّ لا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا، وَ لا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ
النافع».

بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده رو به کعبه بایستد و
نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

استحباب عمره مفرده

مستحب است بعد از فراغ از اعمال حج در صورتی که میسور باشد
عمره مفرده بجا آورده شود، و فاصله زمانی بین دو عمره معتبر نیست،
بلکه می‌تواند هر روز یک عمره یا بیشتر برای خود یا بعنوان نیابت از
دیگران بجا آورد، و کیفیت این عمره در صورت حج افراد و عمره مفرده
ذکر شد.

طواف وداع

برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف
وداع نماید، و در هر شوطی حجر الاسود و رکن یمانی را در صورت
امکان استلام نماید، و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن
مکان ذکر شد بجا آورد، و آنچه خواهد داد عا نماید بعداً حجر الاسود را
استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حجر و
دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات

بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَ
نَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ
وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأُوذِيَ فِي جَنْبِكَ وَعَبْدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينَ. اللَّهُمَّ
أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِئاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ
مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین که مقابل رکن
شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد، و وقت
بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.

مسائل متفرقه

(۱۲۸۴) م- در وقتی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

(۱۲۸۵) م- سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها چه مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک، چه قبل از پخته شدن یا بعد از آن، جایز است. و سنگهایی که در «مسجد الحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همین طور در «مسجد رسول الله ﷺ».

(۱۲۸۶) م- در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل اگر مستلزم مفسده‌ای باشد نباید نماز را به جماعت بخوانند و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

(۱۲۸۷) م- تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد و در تمام مکه و مدینه جاری است و می‌تواند در تمام دو شهر مکه و مدینه نمازش را تمام یا شکسته بخواند.

(۱۲۸۸) م- در تقصیرهایی که در عمره تمتع کرده است احتیاط واجب آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد، و اگر در حج، تقصیر کرد در منی سر ببرد، و اگر ترک کرد آن را و برگشت به محل خود، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

(۱۲۸۹) م- کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضا می‌کرد محرم شد نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و محل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش به هم نمی‌خورد، و آنچه به واسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی‌شود، و اگر کاری که موجب کفاره است بجا آورد باید کفاره بدهد.

(۱۲۹۰) م- اگر به واسطه عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لیسک بگوید، و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده، بیوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.

(۱۲۹۱) م- کسی که از روی ندانستن مسأله یا نسیان حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرمات احرام را ارتکاب نمود کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.

(۱۲۹۲) م- عمره تمتع و حج تمتع باید در یک سال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع بجا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی‌باشد.

(۱۲۹۳) م- کسی که وظیفه اش حج تمتع است باید در حالی که می‌خواهد احرام عمره ببندد نیت آن داشته باشد که عمره تمتع کند و بعد از آن حج تمتع اگرچه به نیت ارتکازی اجمالی، پس اگر نیت عمره مفرده بکند و بعد بخواهد آن را عمره تمتع قرار دهد احتیاط در ترک آن است، اگرچه صحّت آن بعید نیست به شرط اینکه در ماه‌های حج باشد.

(۱۲۹۴) م- اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع شک کند که عمره تمتع را بجا آورده یا نه یا شک کند که صحیح بجا آورده یا نه اعتنا نکند و عملش صحیح است.

(۱۲۹۵) م- در هر یک از اعمال عمره و حج اگر در عملی شک کند بعد از آنکه وارد عمل بعد شده، چه شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد، به شک اعتنا نکند.

(۱۲۹۶) م- باید عمره تمتع و حج تمتع هر دو در ماه‌های حج واقع شود،

و ماه‌های حج؛ سؤال و ذی‌القعدة و ذی‌الحجه است. پس اگر کسی در سؤال یا ذی‌القعدة عمره تمتع بجا آورد و در موقع حج، حج تمتع بجا آورد صحیح است، و اگر قبل از سؤال بخواند عمره تمتع بجا آورد صحیح نیست اگرچه بعضی اعمال عمره قبل از سؤال واقع شود و بقیه در سؤال یا سایر ماه‌های حج.

(۱۲۹۷) م- کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمره مفرده کند، و به همان احرامی که بسته، عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود، و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

(۱۲۹۸) م- شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچ یک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می‌تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند.

(۱۲۹۹) م- غیر از هدی تمتع از هدی‌هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب می‌شود نمی‌تواند شخص کفاره دهنده از گوشت آنها بخورد، و اما از قربانی استحبابی، جایز است بخورد.

(۱۳۰۰) م- مصرف کفارات، فقرا و مساکین هستند.

(۱۳۰۱) م- اگر در حرم چیزی پیدا کرد احتیاط واجب آن است که بر

ندارد.

(۱۳۰۲) م- اگر «لُقطه» حرم را برداشت در صورتی که امید به پیدا کردن صاحبش داشته باشد باید جستجو کند و الا احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش آن را صدقه دهد، چه کمتر از یک درهم باشد یا بیشتر.

(۱۳۰۳) م- اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت، چنانچه امید به پیدا کردن صاحبش دارد باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر او را بعد از یک سال نیافت، آن را از

۳۰۶ □ مناسک حج و عمره

طرف صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد. و جایز نیست آن را تملک کند، و اگر تملک کند مالک نبوده و ضامن هم می شود.

(۱۳۰۴) م- کسی که بعد از محرم شدن نتوانسته باشد وظیفه ای انجام دهد که محل شود اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفه آنها که در آخر مناسک ذکر خواهد شد عمل نماید، و اگر مصدود یا محصور نیست در بعض موارد با انجام عمره مفرده می تواند محل شود.

(۱۳۰۵) م- در مسجد النبی ﷺ اگر مخالف تقیه نباشد بر روی سنگ فرش مسجد یا حصیر سجده شود.

استفتائات

(۱۳۰۶) س- در مسجد النبی ﷺ بعد از اتمام نماز جماعت، آیا می توان روی فرشهای مسجد سجده نمود و یا اینکه باید برود در جایی که سنگ فرش است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج- چنانچه خلاف تقیه نباشد به جایی که سنگ فرش است برود.
(۱۳۰۷) س- کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است، به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟
ج- اعاده لازم است.

(۱۳۰۸) س- در صورتی که شخص نمازگزار و اراد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نمازگزاران در مسجد هستند، آیا می تواند نماز را فردی بر طبق شرایط موجود به جای آورد یا باید بیاید مسافر خانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟

ج- باید بطور صحیح نماز بخواند ولو ناچار باشد به هتل برود.
(۱۳۰۹) س- حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظه این که حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج- اگر عرفاً روی حصیر سجده می شود مانع ندارد.
(۱۳۱۰) س- اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزاران صف جلو، و عدم رعایت اتصال و ... آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟
ج- اعاده دارد.

(۱۳۱۱) س- آیا حائض و جنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجد

الحرام و مسجد النبی ﷺ عبور کنند یا خیر؟

ج - نمی توانند.

(۱۳۱۲) س - کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می شوند و نمازهای خود را با جماعت می خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشا را بخوانند یا نه؟

ج - مانع ندارد، ولی در حین نماز جماعت ایشان باید رعایت وظیفه منفرد شود.

(۱۳۱۳) س - کسی خیال می کرد که بر سنگهای فرش شده در مسجد الحرام - زاده الله شرفاً - سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می کرده است. نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج - صحیح نیست.

(۱۳۱۴) س - در لیالی مقمره در مکه کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین می خوانند، آیا باید بعد از روشن شدن هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده اند، کافی است؟

ج - بار عایت وظیفه منفرد در حین نماز جماعت، نماز صحیح است. (۱۳۱۵) س - کسی که قصد کرده است که تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی الحجّه) در مکه اقامت نماید، به تصوّر این که از آغاز ورودش به مکه تا روز ترویبه ده روز است، و بر این اساس، چند روز نماز را تمام خواند، بعد خلاف آن ثابت گردید و معلوم شد ده روز نبوده است، وظیفه او در نماز چیست؟ آیا تمام است یا قصر؟

ج - اگر واقع ده روز را قصد کرده و بعد خلاف آن معلوم شده است، مثل اینکه یقین داشت که ماه سی روز است و روز ترویبه مثلاً سه شنبه است، بعداً معلوم شد ماه ۲۹ روز است و روز ترویبه دوشنبه است، نمازهایی را که تمام خوانده صحیح است و تا وقتی که قصد سفر جدید

نکرده است نمازها را باید تمام بخواند حتی در عرفات و مشعر و منی. و اگر واقع آن را قصد ندارد و فقط خیال می‌کند که ده روز می‌ماند، مثل اینکه می‌داند ماه ۲۹ روز و ترویبه دوشنبه است ولی در حساب اشتباه کرده و خیال می‌کند تا آن روز ده روز است در حالی که واقعاً نیست، بعد از کشف خلاف مادامی که در مکه است مخیر بین قصر و اتمام است و نمازهایی که در مکه تمام خوانده نیز صحیح است اما در عرفات و منی باید شکسته بخواند.

(۱۳۱۶) س - شخصی مقلد هیچ یک از فقها نبوده، مثلاً ده سال، حالا می‌خواهد تقلید کند، در این ده سال، مکه هم رفته است، آیا عبادتهای او مثل نماز و روزه و حجّش صحیح است یا نه؟
ج - اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشد صحیح است.

(۱۳۱۷) س - قرآنهایی که در مسجد الحرام است، بر بعضی نوشته شده که وقف است، ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مفهوم وقف بودن باشد ندارد جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟
ج - برداشتن آنها بدون اینکه از متصدی ذریبط اجازه بگیرند، جایز نیست.

(۱۳۱۸) س - آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر رامی شود با خود آورد یا نه؟

ج - از صفا و مروه جایز نیست، و از مشعر مانع ندارد.

(۱۳۱۹) س - نیت تیمم از حدث اکبر در مسجدین چیست؟

ج - اگر در مسجد جنب شده باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت کند، و با این التفات اگر تیمم کند صحیح و

با نیت است.

(۱۳۲۰)س - در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را بر طرف می‌کنند و بعد با ظرف، آب می‌ریزند و می‌شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می‌شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می‌کند، آیا جواز سجده بر آن سنگها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟

ج - علم پیدا نمی‌شود، و با فرض شک نباید اعتنا شود.

(۱۳۲۱)س - شخصی بدون اینکه خمس مال خود را بپردازد به حج رفته است و الآن می‌خواهد بپردازد، آیا حج او صحیح است یا خیر؟

ج - اگر لباس احرام و قربانی با پول غیر مخمس نبوده، عمل او اشکال ندارد، و در غیر این صورت تفصیلاتی دارد که به رساله مراجعه شود.

(۱۳۲۲)س - اینجانب که تحت تکفل پدرم هستم اگر خدا بخواهد سال آینده به اتفاق مادرم به زیارت خانه خدا مشرف خواهیم شد، لازم به یاد آوری است که هزینه این سفر را از پولهایی که پدرم طی هفت یا هشت سال به عنوان هفتگی و یا پولی که برای پس انداز به ما داده پرداخته ایم، قابل ذکر است که پدرم تا این تاریخ هیچ گونه وجهی به عنوان خمس نپرداخته است، خواهشمندم مرقوم بفرمایید که حج ما با این پول چه صورتی پیدا می‌کند؟

ج - اگر یقین به وجود خمس در عین پول مزبور ندارید حج، اشکال ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در عین مال دارید لازم است احرام و قربانی را از مال حلال یقینی تهیه نمایید.

(۱۳۲۳)س - فرموده‌اید اگر از طرف قاضی مکه حکم شد که فلان روز عید است و ما یقین به خلاف نداشته باشیم متابعت آنان جایز است، آیا اگر در همین فرض بتوان احتیاط کرد و وقوف عرفات و مشعر و اعمال منی را

بدون محذور انجام داد تا متابعت قطعی واقع شود، آیا این کار لازم است یا نه؟

ج - تبعیت کنند.

(۱۳۲۴) س - آیا شخص فقیر می تواند گوشت کفّاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که نان خور او هستند برساند؟
ج - برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی شود صرف نمود.

(۱۳۲۵) س - کفّاراتی که در احرام عمره تمتّع برگردن انسان می آید، در مکه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا باید صبر کند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر عمدی مانع ندارد؟
ج - تأخیر عمدی خلاف احتیاط است، و در هر صورت، ذبح در محل و دادن به فقرا کفایت می کند.

(۱۳۲۶) س - اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟
ج - با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی الاحوط.

(۱۳۲۷) س - زنی به همراه شوهرش در روز یازدهم جهت رمی به طرف جمرات حرکت می کند که بر اثر شدت گرمی هوا و کثرت جمعیت شوهر خود را گم می کند، حالت اضطراب و شوکه شدن به او دست می دهد و به زمین می افتد، مأمورین او را به بیمارستان منتقل می کنند، بعد از چهار روز تفحص و جستجوی زیاد در بیمارستان پیدا می شود که قادر به سخن گفتن نبوده و حتی قادر به انجام بقیه اعمال حج نمی باشد و در فاصله این مدت همراهان او شوهرش را تکلیف می کنند که به نیابت از خانواده خودش بقیه اعمال او را انجام دهد، آنچه مسلم است این بوده که

شوهر در حال ناراحتی و اضطراب و حواس پرتی بوده، ولی از او که سؤال می‌شود اعمال نیابتی را انجام دادید یا نه جواب می‌دهد بلی انجام دادم، پس از مراجعت از حج، شوهرش قسم جلاله یاد می‌کند که من حالم بجا نبوده، و اعمال نیابتی را انجام ندادم و اظهار می‌کند که اجتماع ما با هم حرام است، آیا حج صحیح است یا نه؟ و در صورت عدم صحت آیا با نیابت کفایت می‌کند یا اینکه لازم است خودش بقیه اعمال حج را انجام دهد و قربانی که به واسطه عدم بیتوته در منی می‌باشد، آیا در محلّ خودش ذبح کند کافی است و یا باید به منی فرستاده شود؟

ج - اگر اعمال روز عید را انجام داده و اعمال مکه را انجام نداده در صورتی که می‌تواند خودش به مکه برود باید خودش آنها را انجام دهد، و اگر معذور است نایب بگیرد. و رمی ایّامی که انجام نشده، سال بعد باید قضا شود، و اگر خودش نمی‌تواند برود، نیابت کافی است، و ترک بیتوته چون عمداً نبوده کفاره ندارد.

(۱۳۲۸) **س -** شخصی در سال ۱۳۶۱ به حج مشرف می‌شود و در مغرب روز نهم ذیحجه با وانت کارگری بدون توقّف در مشعر الحرام به منی رفته، و در خارج منی به دست غیر مؤمن قربانی کرده، و در خارج منی سر تراشیده است، تکلیف این شخص چیست، آیا می‌تواند به نیت دیگری یا برای خودش به حج مشرف شود؟

ج - حجّش صحیح است و قربانی او نیز صحیح است ولی حلق او اشکال دارد و در صورت امکان باید به منی برود و حلق یا تقصیر را در آنجا بجا آورد و در صورت عدم امکان در محلّ خودش حلق یا تقصیر کند و احتیاطاً موی خود را به منی بفرستد و بعد از آن می‌تواند حج بجا آورد.

(۱۳۲۹) **س -** آیا در عرفات و منی و مشعر و بعد از مراجعت از اماکن

مزبور در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود و وظیفه حجّاجی که قبلاً در مکه معظمه قصد اقامت کرده‌اند از حیث قصر و اتمام چیست؟
ج - در فرض مذکور تمام است.

(۱۳۳۰) س - بعضی از حجّاج در مکه قصد اقامه کرده‌اند، چه بطن مکه یا محلات آن مثل شیشه و ریح الذّاهر یا مسفله یا حجون، اگر یقین داشته باشند که تا عرفات چهار فرسخ است، نماز را قصر و اگر شك داشته باشند در مسافت شرعی نماز را تمام می‌خوانند بفرمایید در مراجعت از عرفات و منی، تکلیف آنان از نظر قصر و اتمام چیست؟ با توجه به اینکه توقّف آنان در مکه یک روز یا سه روز یا نه روز است و باید به ایران یا مدینه حرکت کنند؟

ج - در صورت عدم مسافت شرعی بین مکه و عرفات نه محلات مختلف مکه تا عرفات، و در صورت شك در تحقق مسافت شرعی در نماز باقی بر تمام هستند، چه در عرفات و چه زمانی که از عرفات به مکه بر می‌گردند، از جهت اینکه به محلّ اقامه می‌روند و بعد از مکه قصد مسافرت می‌کنند، در بازگشت به مکه و در خود مکه هم نمازشان تمام است.

(۱۳۳۱) س - اگر موقف دو روز اختلاف داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج - فرقی بین یک روز اختلاف و دو روز در حکم مسأله نیست.

(۱۳۳۲) س - در مواردی که فرموده‌اید: «اگر مشقّت یا حرج داشته

باشد...» بفرمایید منظور از مشقّت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج - باید خصوص مسأله ملاحظه شود، و اگر حکم دائر مدار حرج و

مشقّت باشد، شخصی آن منظور است.

(۱۳۳۳) س - حاجی تمام اعمال عمره و حج را انجام داده و بعد فهمید

وضویش باطل بوده است، آیا با تدارک طوافها و نماز، حج او صحیح

است یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه از احرام خارج شود، و وظیفه او چیست؟

ج - بلی با تدارک طوافها و نماز، حج او صحیح است.
(۱۳۳۴) **س** - اگر شخصی مبلغی آرزو به فردی دهد که عوض آن را به قیمت دولتی یا آزاد پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟
ج - در تبدیل پول باید با هم تراضی نمایند. و خلاف مقررات هم نباشد.

(۱۳۳۵) **م** - پیشاهنگ‌هایی که می‌خواهند بدون احرام در عرفات و منی باشند و نمی‌توانند در آنجا با احرام باشند، می‌توانند برای ورود به مکه، عمره مفرده انجام دهند و برای حج، محرم نشوند، ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و باید عمره و حج تمتع بجا آورد، و در هر صورت اگر محرم شد و بالباس مخیط بود حج او صحیح است و باید کفاره بدهد.

(۱۳۳۶) **س** - شخصی بعد از احرام عمره تمتع دیوانه شده است، دوستان او بدون اجازه برای او نایب می‌گیرند و یا تبرعاً باقی اعمال او را انجام می‌دهند، آیا این اعمال برای شخص اول مجزی است و از احرام خارج می‌شود یا نه؟ و اگر پولی خرج شد، آیا می‌شود از ولی کسی که دیوانه شده گرفت یا نه؟

ج - نیابت مزبور کفایت نمی‌کند، و شخص دیوانه ظاهراً احرامش باطل است و احتیاجی به نیابت نیست، و پولی که خرج شده از مال کسی رفته که خرج کرده است و نمی‌تواند به دیگری رجوع کند، مگر آنکه فریب خورده باشد.

(۱۳۳۷) **س** - آیا عمره و حج به واسطه جماع، یا ترک طواف، یا ترک احد الموقفین، فاسد می‌شود یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه باید از احرام

خارج شود؟

ج - تفصیل موارد فساد به واسطه امور ذکر شده، در مناسک موجود است، و جماع در عمره تمتع مفسد نیست، و چنانچه در حج فساد به واسطه جماع باشد، باید عمل حج را تمام کند گرچه حج فاسد است، و با اتمام حج از احرام خارج می شود ولی در موارد دیگر اگر فساد به ترک و قوف باشد باید به همان احرام حج، عمره مفرده بجا آورد و محل شود، و حکم ترک طواف در عمره تمتع، در مناسک مفصلاً بیان شده است، و ترک طواف در حج، صوری دارد که بعضی آنها در مناسک ذکر شده است.

س (۱۳۳۸) - کسی که حج او به واسطه ترک و قوفین فاسد شده و باقی اعمال را بجا آورده و بدون عمره مفرده به ایران آمده است، تکلیف فعلی و آینده این مُحرم چیست؟

ج - طواف و نماز طواف و سعی را که بجا آورده صحیح است و بجای اعمال عمره مفرده کافی است و باید تقصیر کند و طواف نساء را بجا آورد و اگر نمی تواند برای طواف نساء نایب بگیرد.

س (۱۳۳۹) - آیا قصد ابطال عمره یا حج و یا بعض اجزاء آن، مبطل است یا نه؟

ج - قصد ابطال، مبطل نیست.

س (۱۳۴۰) - آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار

مسلمین به فروش می رسد، جایز است یا نه؟

ج - اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد، و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می شود، در صورتی محکوم به حلیت است که وارد کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.

محصور و مصدود

(۱۳۴۱)م-مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که می آید. و محصور آن است که به واسطه مرض ممنوع شود از عمره یا حج.

(۱۳۴۲)م-کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.

(۱۳۴۳)م-اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را منع کنند از رفتن مکه، و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد می تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود، و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل، قربانی کند، و به احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد، و در این صورت بر او همه چیز حلال می شود حتی زن.

(۱۳۴۴)م-اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمنی یا کسی دیگر او را از بجا آوردن اعمال عمره منع کرد همان حکم مسأله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند همین حکم را داشته باشد.

(۱۳۴۵) م- کسی را که به واسطه بدهکاری که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد.

(۱۳۴۶) م- اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه بجا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند پس اگر داشته باشد باید بدهد مگر آنکه حرجی باشد، اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد. (۱۳۴۷) م- اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود، و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود.

(۱۳۴۸) م- اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگری برود به حج نمی‌رسد نمی‌تواند عمل شخص مصدود را انجام دهد و محل شود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت حج محقق شود و با عمره مفرده متحلل شود.

(۱۳۴۹) م- تحقق پیدامی کند مصدود بودن در حج به اینکه به هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، بلکه تحقق پیدا می‌کند اگر نرسد به چیزی که به فوت آن، حج فوت می‌شود هر چند از روی علم و عمد نباشد، و صور آن در سابق ذکر شد، بلکه ظاهراً تحقق پیدا می‌کند به اینکه بعد از وقوفین منع کنند او را از منی و مکه و نتواند نایب بگیرد، بلکه اگر منع کنند از اعمال منی یا اعمال مکه با عدم امکان نایب، بلی در صورتی که تمام اعمال را بجا آورد و منع نمودند از برگشتن به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق، مصدود بودن تحقق پیدا نمی‌کند، و حج او صحیح است، و باید نایب بگیرد برای اعمال در این سال، و اگر نشد سال دیگر.

(۱۳۵۰) م- کسی که مصدود شد از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از

بجا آوردن اعمالی که به ترک آنها حتی به غیر عمد حج باطل می شود و به دستوری که گفته شد از احرام خارج شد، اگر حج بر او مستقر شده بوده یا آنکه در سال دیگر مستطیع است و حج واجب را بجا نیاورده باید بعد از رفع منع دوباره به حج برود و اعمالی که انجام داده کافی از حَجَّة الاسلام نیست.

(۱۳۵۱) م- کسی که مصدود است اگر امید بر طرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

(۱۳۵۲) م- کسی که احرام عمره بست و به واسطه مرض نتوانست برود به مکه اگر بخواهد محل شود باید هدی قربانی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را بفرستد به وسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت مو عود رسید تقصیر کند، پس از آن هر چه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن، و احتیاط آن است که در ذبح قصد تحلیل منوب عنه کند.

(۱۳۵۳) م- کسی که احرام حج بست و به واسطه مرض نتوانست برود برای عرفات و مشعر، باید هدی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را باید بفرستد به منی که در آنجا ذبح کنند و مواعده کنند که روز عید ذبح شود و در آن وقت تقصیر کند، پس هر چه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن.

(۱۳۵۴) م- کسی که حج واجب به عهده او است و به واسطه مرض، محصور شد زن بر او حلال نمی شود مگر آنکه خودش بیاید و اعمال حج را بجا بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، عمل نایب برای تحلیل زن بر او کفایت می کند و در این حکم فرقی بین حج واجب و مستحب نمی باشد.

(۱۳۵۵)م - اگر کسی که با او قرار گذاشته بود ذبح کند نکرده بوده و شخص محرم در روز موعود محل شد و با زن هم نزدیکی کرد معصیت نکرده و کفاره هم ندارد، لکن باید باز هدیه یا پول را بفرستد و موا عده کند و باید از زن اجتناب کند، و احتیاط واجب آن است که از وقتی که معلوم شد عمل نشده اجتناب کند گرچه محتمل است که وجوب اجتناب از وقتی باشد که شخص را می فرستد برای ذبح.

(۱۳۵۶)م - تحقّق محصور بودن مثل تحقّق مصدود بودن است که

گذشت.

(۱۳۵۷)م - اگر مریض بعد از آنکه هدیه یا پولش را فرستاد حالش خوب شد به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشت باید برود، پس اگر محرم به احرام تمتّع است و به وقت رسید، اعمال عمره و حج را بجا می آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره بجا بیاورد و قوف به عرفات فوت می شود باید برود به عرفات و حج افراد بجا بیاورد، و احتیاط آن است که قصد عدول کند و بعد از آن عمره مفرده انجام دهد، و کافی است از حَجَّة الاسلام. و اگر وقتی رسید به مکه که حج فوت شده یعنی به وقوف اختیاری مشعر نمی رسد عمره تمتّع او مبدّل می شود به عمره مفرده و باید آن را بجا آورد و از احرام خارج شود، و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند، و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر بجا آورد.

(۱۳۵۸)م - مصدود به دشمن در حکمی که برای مریض در مسأله پیش

ذکر شده مانند او است.

(۱۳۵۹)م - کسانی که مریض نیستند لکن به علّت دیگر بعد از احرام

نتوانستند به مکه بروند مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا به واسطه خونریزی، ضعف بر او مستولی شده ظاهراً حکم مریض را دارند که

حکمش بیان شد.

(۱۳۶۰) م- زمانی که باید مریض موا عده کند برای ذبح در احرام حج، روز دهم است به احتیاط واجب و باید قرار تأخیر تا ایام تشریق ندهد، و در احرام عمره تمتع احتیاط آن است قبل از خروج حجّاج به عرفات باشد.

مسائل متفرّقه محصور و محدود

(۱۳۶۱) س- شخصی به نیت عمره تمتع استجابی برای یکی از معصومین علیهم السلام یا یکی از شهدا مُحرم شد و طواف و نماز طواف عمره را بجا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد، آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج- اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده، و نمی تواند اعمال را تمام کند و نایب هم نمی تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.
(۱۳۶۲) س- آیا تضاد در احرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام می دهد بجا آورد؟

ج- بلی، با شرایط معتبره در حصر، حکم حصر بر آن مترتب می شود.

(۱۳۶۳) س- در مناسک حکم محصور را که بیان فرموده اید، مربوط به کسی که مُحرم شده است و قبل از مُحل شدن محصور شود، در اینجا این سؤال مطرح است که اگر پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام آن، محصور شود و نتواند برای حج مُحرم شود آیا حج از او ساقط است یا نه؟ و وظیفه او چیست؟

ج- از احرام خارج شده است ولی کفایت از حج نمی کند، و چنانچه سال اول استطاعت او باشد حج بر او واجب نشده است.

(۱۳۶۴) س- شخصی بعد از آنکه برای حج مُحرم شده دچار سکنه

قلبی می شود به گونه ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر نمی تواند وقفین را درک کند، حکم محصور را پیدا می کند، و چنانچه وقفین را درک کرده نسبت به بقیه اعمال، تفصیل بین امکان استنابه و عدم آن است که در مناسک ذکر شده است.

(۱۳۶۵)س - شخصی در مدینه، مصدوم می شود، او را به مسجد شجره می آورند و مُحرم می نمایند آیا احرام او صحیح است و وظیفه بعدی او چیست؟ و اگر نتواند حج انجام دهد تکلیف او چیست؟

ج - احرام او صحیح است. و اگر می تواند که عمره و حج را انجام دهد، ولو با استنابه در طواف و سعی، حج او صحیح است، و اگر نمی تواند حج بجا آورد، احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.

استفتائات جدید

(۱۳۶۶)س- اگر فیش حج متوفی به مبلغ زیادی در بازار خریداری شود و به کمتر از آن مبلغ می توان برای میت نایب گرفت، آیا می توان از آن فیش برای رفتن به حج استفاده کرد در حالی که مازاد قیمت آن متعلق به ورثه است و در صورتی که میت وارث صغیر داشته باشد چگونه؟

ج- در فرض سؤال، بدون اذن همه ورثه نمی توان از فیش برای حج استفاده کرد، مگر اینکه میت وصیت کرده باشد که با آن فیش شخص خاصی به حج رود که در این صورت ما به التفاوت (قیمت فیش حج و مبلغ نیابت) از ثلث مال میت حساب می شود.

(۱۳۶۷)س- کسانی که با فیش حج میت و به نیابت از وی به حج می روند اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت را دارا باشند به جز باز بودن راه که آنهم با فیش حج میت حاصل شده است در صورتی که بتوانند مثلاً در مدینه یا جدّه (قبل از میقات) برای متوفی نایب بگیرند و خودشان حج واجب خود را انجام دهند تکلیف چیست؟

ج- اگر بتواند ورثه میت را راضی کند که با آن فیش برای خود حج بجا آورد (ولو با پرداخت مبلغی به آنها) و برای میت نایب بگیرد، اشکالی ندارد.

(۱۳۶۸)س- در فرض سؤال قبل، اگر میت یکی از ورثه را (مثلاً پسر بزرگ خود را) برای انجام حجّ مشخص کرده باشد یا تمام ورثه اتفاق کنند که یکی از آنها از طرف میت به حجّ برود تکلیف او چیست؟

ج- در صورتی که میت وصیت به یکی از ورثه کرده باشد، باید حج را برای میت بجا آورد و خودش مستطیع نمی‌باشد، ولی اگر توافق ورثه بر یکی از آنها باشد که بجای میت حج بجا آورد، مصداق مسأله قبل می‌باشد.

(۱۳۶۹)س- کسی که در فاصله کمتر از يك ماه که عمره مفرده انجام داده و به مدینه برگشته و بار دیگر قصد رفتن به مکه دارد، آیا می‌تواند بدون احرام از میقات بگذرد و عمره مفرده نیز بجا آورد؟

ج- اگر در همان ماه قمری که عمره مفرده بجا آورده قصد رفتن به مکه را دارد می‌تواند بدون محرم شدن از میقات بگذرد و وارد مکه شود. اما اگر به ماه قمری جدید وارد شده است باید برای رفتن به مکه محرم شود.

(۱۳۷۰)س- آیا نجاست معفو در نماز در طواف نیز معفو است؟ و حکم محمول متنجّس در طواف چیست؟

ج- نجاست معفو در نماز، بنابر احتیاط واجب در طواف معفو نیست، اما محمول متنجّس در طواف اشکالی ندارد.

(۱۳۷۱)س- شخصی از میقات برای انجام عمره تمتّع محرم شده و اعمال عمره را نیز به پایان برده و عمداً یا اضطراراً بین الاحرامین از مکه خارج شده است بدون آن که به احرام حجّ محرم شود و مثلاً به مدینه آمده و بار دیگر به قصد مکه از میقات می‌گذرد وظیفه او نسبت به احرام در میقات یا گذشتن از میقات بدون احرام چیست؟

ج- اگر در همان ماه قمری که عمره تمتّع را بجا آورده بخواهد از

میقات به قصد رفتن به مکه عبور کند نیاز به احرام جدید نمی‌باشد، اما اگر ماه قمری جدید است باید دوباره محرم شود.

(۱۳۷۲)س - کسی که در انجام حج بلدی نیابت دارد چه مقدار از

مستحبات مدینه و مکه را باید به نیابت از منوب عنه انجام دهد؟

ج - اگر در عقد اجاره اموری ذکر شده باید بر طبق عقد اجاره عمل کند و الا اطلاق عقد اجاره در انجام مستحبات مکه و مدینه انصراف به عرف متشرعه دارد و آنچه معمولاً مردم در انجام حج از مستحبات بجا می‌آورند باید بجا آورد.

(۱۳۷۳)س - کسی که در انجام حج بلدی نیابت دارد آیا در برگشت از

سفر حج نیز باید به شهر منوب عنه برگردد یا لزومی ندارد؟

ج - لازم نیست.

(۱۳۷۴)س - خوردن نعنا و سایر سبزیهای خوشبو در حال احرام چه

حکمی دارد؟

ج - اشکالی ندارد و احتیاط مستحب آن است که آن را نبوید.

(۱۳۷۵)س - شخصی در میقات برای عمره تمتع محرم شده است و پس

از احرام و قبل از سایر اعمال دستگیر و زندانی شده و پس از گذشت ایام تشریق او را آزاد کرده‌اند ولی در زمان صد به وظیفه مصدود عمل نکرده حال یا جاهل به مسأله بوده یا نمی‌توانسته عمل کند ولی اکنون می‌تواند عمره مفرده انجام دهد وظیفه او برای خروج از احرام چیست و در صورتی که نتواند عمره مفرده انجام دهد تکلیفش چیست؟

ج - در صورت امکان، بنا بر احتیاط واجب بین وظیفه مصدود و

انجام عمره مفرده جمع کند.

(۱۳۷۶)س - شخصی اعمال عمره تمتع را به پایان برده و اکنون

نمی‌تواند حج تمتع بجا آورد مثلاً برای خدمت به حجاج از سوی سازمان

حجّ و زیارت به حجّ آمده و اکنون سازمان مذکور او را مأمور کرده که در ایام تشریق در مکه بماند و وظیفه اش چیست؟

ج - در صورت اضطرار، احتیاط واجب آن است که عمره تمتّع را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساء را بجا آورد. امّا تحقق اضطرار به صرف مأموریت مذکور مشکل است.

(۱۳۷۷)س - آوردن خاک، ریگ و سنگ از عرفات، مشعرالحرام، منی، صفا، مروه، یا منطقه حرم چه حکمی دارد؟ و چنانچه عمدّاً یا جهلاً آورده باشد برگرداندن آن واجب است یا نه؟

ج - از صفا و مروه جایز نمی باشد و از غیر آن دو اشکالی ندارد. و در هر صورت برگرداندن آنها لازم نمی باشد، ولی بطور کلی لازم است مؤمنین از این قبیل اعمال پرهیز کنند.

(۱۳۷۸)س - شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می دهد آیا باید شانه چپ کودک نیز به طرف کعبه باشد؟

ج - تا حدّ امکان، طوری او را طواف دهد که عرفاً طرف چپ کودک به طرف کعبه باشد.

(۱۳۷۹)س - کودکی را که محرم کرده اند و طواف می دهند آیا طهارت بدن و لباس کودک در حال طواف لازم است، و چنانچه قبل از طواف او را تطهیر کنند برای يك طواف کافی است و واریسی بین طواف لازم نیست؟

ج - بنا بر احتیاط واجب به مقدار ممکن رعایت طهارت او را بکنند ولی واریسی لازم نیست.

(۱۳۸۰)س - خواهشمند است بفرمایید آیا زائرین ایرانی بیت الله الحرام در موسم حجّ و یا عمره می توانند از میقات حدیبیه محرم شوند؟ و آیا حدیبیه نیز مانند سایر مواقیع از قبیل میقات شجره و جحفه می باشد یا خیر؟

ج - میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه معروفه است و در صورت عدم عبور از آنها، لازم است از محاذی یکی از آنها محرم شود. لذا کسانی که برای حج تمتع از جدّه به مکه می‌روند باید به جُحفه یا یکی از مواقیت معروفه بروند و از آنجا محرم شوند و الا از محاذی یکی از آنها محرم بشوند و در غیر این صورت احرام عمره تمتع صحیح نیست. اما میقات عمره مفرده، اضافه بر مواقیت پنجگانه معروفه، «ادنی الحل» نیز می‌باشد، ولی افضل این است که در «حُدَیبیه» یا «جعرانه» یا «تنعیم» محرم شوند. اما کسی که قصد رفتن به مکه را برای بجا آوردن عمره مفرده دارد و از مواقیت پنجگانه عبور می‌کند باید از همان مواقیت محرم شود و اگر چنین نکرد مرتکب معصیت شده، ولی در صورتی که از ادنی الحل یا حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم محرم شود احرام و عمره اش صحیح است. بنابراین افرادی که از جدّه برای عمره مفرده به مکه می‌روند چون از مواقیت پنجگانه و محاذی آنها عبور نمی‌کنند می‌توانند از ادنی الحل یا حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم محرم شوند و معصیتی هم مرتکب نشده‌اند.

س (۱۳۸۱) گاهی اوقات امام‌جماعت اهل سنت در نماز سوره سجده را می‌خواند و نمازگزاران در اثنای قرائت به سجده می‌روند و بر می‌خیزند،

اولاً: تکلیف چیست؟

ثانیاً: اگر کسی عمدتاً یا جهلاً یا سهواً سجده را ترك کرد نمازش چه حکمی دارد؟ و اگر ندانسته به رکوع رفت و سپس سجده و دوباره به قیام برگشت تکلیف چیست؟

ج - در سجده هم با آنها تبعیت کند و در جمیع فروض مسأله نماز را اعاده کند.

س (۱۳۸۲) کسی که برای عمره مفرده ثبت نام کرده در حالی که بردن

او به عمره قطعی بوده و برای رفتن نیز ناچار می‌بایست پولی به حساب بریزد ولی در سال بعد نوبت او شد و به عمره مشرف خواهد شد آیا سر سال خمس به این پول که به حساب سازمان حج و زیارت واریز شده خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج - در فرض مذکور، باید خمس پول را بدهد مگر اینکه دیگر نتواند پول را از سازمان حج و زیارت پس بگیرد، که در این صورت خمس ندارد.

(۱۳۸۳) س - مس کردن القاب ائمه اطهار مثل «رضا»، «جواد» و «هادی»

بدون وضو چه حکمی دارد؟

ج - مس آنها بدون وضو اشکالی ندارد.

(۱۳۸۴) س - کودک ممیزی را اولی او به سعی می‌برد مثلاً در کالسکه

سوار است و خواب است آیا لازم است در ابتدای سعی او را برای نیت بیدار کند، و چنانچه در آغاز بیدار باشد و در بین راه خواب برود چه حکمی دارد؟

ج - سعی از عبادات است و سعی در حال خواب صحیح نیست و باید

او را بیدار کند و آنچه در حالت خواب بجا آورده عاده کند.

(۱۳۸۵) س - در ایام عمره که جمعیت کمتری در نماز جماعت

مسجد الحرام شرکت می‌کنند امام مقابل در کعبه یا کنار مقام ابراهیم به نماز می‌ایستد و چند صف دور کعبه تشکیل می‌شود و بقیه جمعیت داخل شبستانها هستند و اتصال صفوف برقرار نیست آیا لازم است شیعیان به هنگام شرکت در نماز جماعت مسجد الحرام اتصال صفوف را مراعات کنند و یا به همان مقداری که آنان نماز را صحیح می‌دانند کافی است، به علاوه بانوان را داخل حیاط راه نمی‌دهند و اتصال آنها به ناچار قطع است تکلیف چیست؟

ج - اقتدا به آنها صوری است و باید قرائت را خودش ولو آهسته بخواند.

(۱۳۸۶)س - شخصی از روی جهل به مسأله در فرودگاه جده برای عمره مفرده محرم می شود و پس از انجام طواف و نماز و سعی متوجه می شود که می بایست به یکی از مواقیت برود تکلیف او در این صورت چیست؟

ج - در فرض سؤال، عمره باطل است و تکلیفی فعلاً ندارد، و چنانچه عمره به جهتی بر او واجب بوده است یا بخواهد يك عمره مستحبی انجام دهد باید به یکی از مواقیت پنجگانه یا ادنی الحل برود و محرم شود و عمره را بجا آورد.

(۱۳۸۷)س - پوشیدن دمپایی دوخته برای مرد محرم چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که مقدای روی پا باز باشد اشکالی ندارد.

(۱۳۸۸)س - به مچ بستن ساعتی که بند آن دوخته است چه حکمی

دارد؟

ج - اشکالی ندارد.

(۱۳۸۹)س - آیا بجز غسل مستحبی برای رفتن به مسجد الحرام غسل

دیگری برای طواف مستحب است؟ و در صورت وجود چنین استحبابی آیا يك غسل به نیت هر دو کافی است؟

ج - برای داخل شدن به مسجد الحرام و همچنین طواف، غسل

مستحب است و يك غسل به نیت هر دو کفایت می کند.

(۱۳۹۰)س - شخصی پس از استقرار و جوب حج دیوانه شد وظیفه ولی

نسبت به حج او چیست؟

ج - تا زنده است ولی او تکلیفی ندارد و پس از مردن وی از ترکه اش

برای او حج می گیرد.

(۱۳۹۱)س - شخصی که کارمند سازمان حج و زیارت است و به علت مأموریت شغلی ممکن است از مکه خارج شود مثلاً به مدینه برگردد ولی یقین به این امر ندارد آیا وقت احرام در میقات می تواند به نیت عمره تمتع محرم شود؟

ج - می تواند به نیت عمره تمتع محرم شود، و اگر از مکه بخواهد خارج شود احکام خروج از مکه را باید رعایت نماید.
(۱۳۹۲)س - شرایط لباس احرام بانوان چیست؟

ج - زنان می توانند در لباس معمولی خودشان محرم شوند مشروط به اینکه نجس نباشد، و زربافت نیز نباشد، و به احتیاط واجب حریر خالص نباشد و از اجزای حیوانات درنده بلکه به احتیاط واجب از اجزای حیوانات حرام گوشت نیز نباشد.

(۱۳۹۳)س - شخصی در مدینه منوره دیگری را اجیر می کند که برای پدر وی حج میقاتی بجا آورد ولی مشخص نکرده است که از مسجد شجره محرم شود یا از میقاتهای دیگر آیا اجیز می تواند از مسجد شجره به نیت عمره مفرد محرم شود و پس از آن به جحفه یا قرن المنازل برود و برای عمره تمتع استیجاری محرم شود؟

ج - در صورتی که قرینه ای برای احرام بستن از مسجد شجره نباشد می تواند به آنچه در فرض سؤال گفته شده عمل نماید.

(۱۳۹۴)س - شخصی در پایان یکی از اشواط طواف آن رارها کرده و لحظه ای استراحت می کند و هنگامی که برای تکمیل آن بر می گردد شك می کند پنجم بوده یا ششم تکلیفش چیست؟

ج - چنانچه طواف واجب بوده باطل است و باید آن را اعاده نماید.
(۱۳۹۵)س - شخصی در یکی از اشواط گامهایی را در اثر فشار جمعیت بی اختیار پیموده و به همان نحو ادامه داده و طواف را پایان برده است

اکنون که مسأله را فرا گرفته نه جای آن مقدار را می‌داند و نه شوط را تکلیف چیست؟

ج - حرکت غیر اختیاری در فرض سؤال همراه با قصد طواف اشکالی ندارد و طواف صحیح است.

س (۱۳۹۶) - اگر در بین طواف نداند چند شوط به جا آورده و وظیفه اش چیست؟

ج - شك در عدد اشواط طواف واجب موجب بطلان آن است. س (۱۳۹۷) - انجام يك عمره مستحبی به نیت خود و به نیابت تبرّعی از دیگران صحیح است یا نه؟

ج - صحیح است. س (۱۳۹۸) - شخصی عمره مفرده‌ای به نیابت از پدرش انجام داده و روز بعد به نیابت مادرش محرم می‌شود در اثنای آن متوجه می‌شود که در

عمره اول طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است و وظیفه او در این صورت چیست؟

ج - طواف و نماز عمره اول را اعاده کند و پس از آن احتیاطاً تمام اعمال عمره مفرده را به نیت ما فی الذمه بجا آورد.

س (۱۳۹۹) - یکی از کارمندان سازمان حج و زیارت که بیش از يك ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره قبلی او گذشته برای کاری به جده می‌رود و در برگشت بدون احرام وارد مکه شده است و وظیفه اش چیست؟

ج - داخل شدن به مکه بدون احرام در ماه قمری جدید که قبلاً در آن ماه محرم نشده، جایز نمی‌باشد ولی اگر بدون احرام داخل شد تکلیفی ندارد و در صورت عالم بودن به مسأله معصیت کرده است.

س (۱۴۰۰) - تقلید میّت ابتداءً جایز نمی‌باشد ولی باقی ماندن بر تقلید میّت اشکالی ندارد به شرط اینکه بقاء بر تقلید میّت به اجازه مجتهد زنده باشد و

شخصی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده، پس از مردن آن مجتهد می‌تواند در همان مسائل بر تقلید او باقی باشد.

(۱۴۰۱)م- اگر مسائلی را از مجتهد میت یاد گرفته و بنا داشته که عمل کند، چنانچه عمل نکرده باشد یا شك در عمل کردن دارد در صورت بقاء بر تقلید میت، نمی‌تواند در آن مسائل باقی بر تقلید میت باشد.

(۱۴۰۲)م- شخصی که مقلد مرجعی بوده و بعد از وفات او به اجازه مجتهد زنده بر تقلید میت باقی مانده ولی در بعضی از مسائل از مجتهد زنده تقلید کرده و از مجتهد اول عدول کرده، بعد از وفات مجتهد دوم نمی‌تواند در مسائلی که از مجتهد اول عدول کرده دوباره از او تقلید کند ولی می‌تواند در آن مسائل بر تقلید مجتهد دوم باقی بماند.

(۱۴۰۳)م- اگر انسان به فتوای مجتهدی عمل کرد بهتر است بر تقلید او باقی بماند، مگر اینکه مجتهد دیگر اعلم از مجتهد اول شود و که در این صورت بهتر است به فتوای مجتهد اعلم رجوع کند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَىٰ وَأَخْرَأَ وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا
وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
وَاللَّعْنُ عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ